

سەند اىلە
قارداش آندى



سهند ایله قارداش آندي نعمت مسکري

ناشر / نباتي

تيرماز ۱۰۰۰ ج / قطع / رقعي / ۱۴۴ ص.

بیرینجی چاپ ۱۳۹۷

دهير / ۱۰۰۰ تومان

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۹۰-۵۲-۸

مرکز فروش: تبریز- مایبن سه راه طالقانی و تربیت -

مجتمع تجاري استاد شهريار طبقه زير همکف

پلاک ۴۶ - تلفن: ۳۵۵۴۷۵۱۰

شماره تلفن مؤلف : ۰۹۱۴۱۰۱۹۲۸۰

سەھند ايلە قارداش آندى / 3

بوكتابى وارلىغى آنلايان

يازىق - يوخسولو اونوتمايان

ائلىن - دىلىن آنمايان

آزادلىق اوغرۇنداچالىشان

اولو انسانلارا سونورام.

۴ / سهند ایله قارداش آندي

گيريشن:

مقدمه: دکتر صدیق (نوآوری در تک نگاری)

مقالات:

۱- امپرياليزم

۲- ناسيوناليزم

۳- اومنيزم- اينترناسيوناليزم

۴- سوسياليزم

۵- وارليق

۶- انسان- دنيا

۷- آنا- قادين

۶ / سهند ایله قارداش آندي

گىريش:

بۇلۇت قاراچورلو سەندىن، آذربايچان ادبىيات گۆيىونون ان پارلاق اولدوزلارىندان بىرىدىر. اونون سۈئيلەدىيى شعرلىر ان دويغولو، درىن دوشۇنجهلى، گوجلو شعرلىرىنى دىرى. اۆزۈ ايسە آذربايچان چاغداش ادبىياتى نىن باشىندا داييانالاردان، يىول گۆستەرنلىرىنى دىرى. اونون شعرلىرى نىن چوخۇ آذربايچان توركىجەسى اىلەدىر. او اۆز شعرلىرىن باشاردىقجا آرىنمىش توركىجە ايلە ھابئىلە هجا وزنىنده يازمىشدىر. اونون شعرلىرى دئونە- دئونە چاپ ائدىلىممىشدىر. آنجاق «قارداش آندى» آدىنا چاپ اولموش توپلۇسوندا، اونون شعرلىرى نىن بؤيووك بۇلۇمو بىر يئرە توپلانمىشدىر. سەندىن اۆزۈنە- سۈزۈنە گۈرە چوخلۇ مقالەلر، كتابلار يازىلىپ، چاپ اولموش دور. آنجاق اونون اۆز شعرلىرى اساسىندا، آنلام باخىمىندان يازىلىممىش يازىلار اولدوقجا آزدىر. سەندى تانىيىب- تانىيىتدىرماق آماجى ايلە اونون «قارداش آندى» آدلى شعر توپلۇسونا دايياناراق بىر نېچە مقالە يازدىق. ھر مقالەدە سەندىن اۆزۈل بىر موضوعا گۈرە اولان باخىشى اونون شعرلىرى نىن اىچىنىدىن آراشدىرىلىپ، آچىقلانمىشدىر.

۸ / سهند ایله قارداش آندي

نوآوري در تک نگاري

بولود قاراچورلو سهند (۱۳۰۵ - ۱۳۵۸ ش). شاعر بلند آوازه‌ی حماسه‌پرداز معاصر، زاده و پرورش یافته‌ی شهر کهن‌تاریخ و باستانی مراغه است که بهترین سال‌های جوانی خود را در سیاه چال‌های دوران ستمشاهی گذراند.

او را «شاعر ملی» و منظومه‌های دوازده‌گانه‌اش را ائلنامه نامیده‌اند. گفته می‌شود نخستین شعر خود را در سال ۱۳۲۴ ش. در مجلس شاعران تبریز خواند که چنین شروع می‌شود:

تاریخ‌لر بیونجا، ای بؤیوک وطن!
یاغیبا، دوشمنه / ییلمه دین سن.
بو گون طبیعتدن الهام آلدیم من،
کئچدی سحر واختی بو سوز اورکدن:
انسانا روح وئرن دیلینه آلقیش!

مجموعه‌ی منظومه‌ها و دیوانش بارها چاپ شده است و در خانه‌های اغلب آذربایجانی‌ها یافت می‌شود.

سهند، شاعر حماسه‌هاست، نه ملاحم. تفاوت حماسه و ملحمه در این است که در نبردهای موجود در حماسه‌ها خیرخواهی و نیک‌اندیشی و سعادت‌جویی برای انسان‌ها وجود دارد و هر جنگ گونه‌ای حرکت بزرگ بومی و ملی و منشعب از آئین‌ها و باورهای مقدس مذهبی است. مانند حماسه‌ی عاشورا که شیعه آن را مقدس‌ترین نبرد میان حق و باطل می‌شناسد. یا جنگ‌های حماسی مناس که قهرمان آن به قصد گسترش حکمت و معارف آئینی و تبدیل بتخانه‌ها به مسجد به جنگ می‌پردازد.

۱۰ / سهند ایله قارداش آندی

اما جنگ‌هایی نظیر جنگ رستم با اسفندیار یا با افراسیاب یا با فرزند خود شهراب، ملحمه (ج. ملاحم) نامیده می‌شود که اشعار شبیه آن در دوران عرب پیش از اسلام فراوان سروده می‌شده است.

کهن‌ترین سرودهای شعری حماسی از آن سومریان و سپس ودahای هندوان است. حماسه‌ی گیلگمیش ظاهراً نخستین شعر بلند حماسی جهانی شمرده می‌شود. در میان آذربایجانیان حماسه‌های دده‌قورقد از آن روی ائلنامه نامیده شده که در همه‌ی آن‌ها روحیه‌ی خیرخواهی توأم با شهامت، تهور و بی‌باقی، پاک دامنی، تدین و دفاع از مظلوم موج می‌زند. سهند این حماسه‌ها را به نظم کشیده است.

بولود قاراچورلو سهند، گذشته از آن که در دل‌های مردم جا دارد، پس از انقلاب مورد تکریم در زادگاهش نیز قرار گرفته است. پیکره و تنديس وی در شهر مراغه نصب شده و بلواری به نامش تأسیس گردیده است و تابلو فرش‌هایی مزین به عکس او زینت‌بخش منازل مردم اهل مراغه است. در کنار این گونه ارزش‌های مادی، مجموعه‌هایی از ارزش‌های معنوی نیز به نام سهند پدید آمده که این کتاب را می‌توان یکی از آن ارزش‌ها به شمار آورد.

کتاب حاضر، در واقع نخستین تک نگاری Monography در نقد و معرفی بر این آثار منظوم به حساب می‌آید که از سوی منتقد شعر معاصر آذربایجان آقای نعمت مسگری به زبان ترکی آذربایجان نوشته شده است. نعمت مسگری تا کنون چند تک نگاری در نقد و معرفی آثار منظوم شعرای معاصر آذربایجان به چاپ رسانیده است. مانند تک نگاری‌های حبیب ساهر، کریمی مراغه‌ای، حیدر عباسی (باریشماز) و جز آن که به صورت کتاب مستقل و یا مقاله‌های مبسوط به چاپ رسیده است.

نقد و تفسیر شعر و معرفی شاعر، شاخه‌ای از ادبیات است. شاخه‌ای پربار که اگر سمت و سوی نکوهشی یا ستایشی پیدا کند، تأثیرگذار نخواهد بود. شعر، زبان خیال است و احساس‌های فروکوفته و سرکوب شده‌ی انسان، و به هر سبکی نوشته شده باشد، زیباست. زیرا دارای هاله‌ای از موسیقی کلامی است که احساسات را بر می‌انگیزد و آنچه را که شخصی نمی‌تواند به صورت خطابه یا نثر بر زبان آورد، در خود جای می‌دهد.

نشر او (مسگری) بسیار روان، دل‌چسب و خودمانی است و از این راه، طریق تعلیم می‌پیماید و در واقع برای خواننده‌ی کتابش، نقش معلم را هم بازی می‌کند. به قطعه‌ی زیر دقت کنید:

انسانی باشقا دیریلردن، حیوانلاردان آییران اونون دوشونجه-
آنلاغی دیر. حیوان اوچون یاشامین آماجی یاخشی یئمک بیر ده یاخشی
یاتماق اولموشدور. انسان دا حیوان کیمی یئییب، یاتماغا چاره‌سیزدیر.
یئییب، یاتمايان انسان سؤزسوز دیریلیبین ایتیریب، اولر. آنجاق دوغرو
انسان اوچون آماج یاشامین آنلام، آماجین دوشونندن سونرا، باشقالارین
دوشوندورمک، داها سونرا او دوشونجه هابئله آماجا اویغون یاشاییب،
چئوره‌سینده‌کی انسانلاری دا یاشاتماق دیر. قیساجا انسان دوشونوب،
دوشوندورملی، یاشاییب، یاشاتمالی دیر.

مسئله‌ی مهم در نقدهای مسگری روحیه‌ی خیرخواهی وی است که بر همه‌ی ابعاد نوشته‌هایش نور می‌افکند و سبب می‌شود مطلب برای خواننده‌اش دل‌چسب باشد.

می‌خواهم بگویم او به دنبال نقد ویرانگر نیست، بلکه نقد سازنده را دنبال می‌کند. در دوره‌ی کلاسیک به زبان تیزی که در نقد ویرانگر است، زبان

۱۲ / سهند ایله قارداش آندي

کلبي مي گفتند، متأسفانه در عصر ما، بویژه در دوران سیاه ستمشاهی، اين گونه زبان در جامعه‌ی منتقدان کشور شایع بود و بر همه جا تسری داشت. مضامين انديشگي خفته در اشعار شعرا، نخستین شکارهای نويسنده در تکنگاري‌های وي است که می‌خواهد سمت و سو، پیام، اهداف و رسالت شاعر را بدین وسیله بازنماید. گاهی او همه‌ی مضامين شعری در يك شاعر را در يك پاراگراف از معرفی خود بسيار کوتاه و روشن بر زبان می‌آورد. مثلاً به پاراگراف زير دقت کنيم:

سهندین ايسته‌ي سئوگي، سايغى، قايغى، بيرگه‌ليک ايله عدالت اولموشدور. اونون دردي آيرى سئچگيليك، سايغىسيزلىق، عدالتسيزلىك هابئله اوز دوغما يوردوندا ياد كيمى، اوزگه كيمى، اؤگئى كيمى ياشاماق اولموشدور. او شيرين ديلين آتيلميس، ياساق اولونموش گئرنده آليشىب- يامىشدىر. فرهاد اوز سئوگىلىسى شيرينى ياد قويونوندا گئرنده آليشىدىغى كيمى، سهند ده هر يئردن الى اوزولوب، او مودو كسىلىدىسى آندا اوز بختىندن، طالعينىدىن گىلىشىنىب، كوسموش دور. وي در شرح انديشه‌ها و روپردهای هر شاعر، قبلاً: تشریح مضامين مكتبي اجتماعي يا سياسي که می‌خواهد شاعر را منسوب به آن نماید، بحث می‌کند. مثلاً وقتی می‌خواهد از انسان‌مداری و بشردوستی سهند سخن گوید، اول اومانيزم را می‌شکافد و در کنار آن انترناسيوناليسم را شرح می‌دهد:

اومانيزم انسانليق، انسان سئورلىك، هابئله سئوگى- سايقى ايله باشقا انسانلارلا داورانماغا دئييلر. اومانيست ايسيه اوزون بوتون انسانلارلا بير سايان، آرتيق پاي، آرتيق دهير، هابئله اوستونلوك آختارمايان، باشقالارينا

سەندەن اىلە قارداش آندى / 13

اورە بىي ياتان انسان دىر. اينترناسيوناللىزم بوتون سوپەللىرى، ائللەرى، دىللەرى بىر گۈزدە گۈرمە يە، بىرلىك - بىرگەلىك، عدالت اىلە داۋارىماغا دېيىيلر. اينترناسيوناللىست ايسە ئۆز سوپۇن، ائلىن ھابىلە دىلىن باشقۇلارىن كىنداڭىن اوستۇن گۈرمە يەن انسان دىر. يېر اوزوندە هەچ انسان، هەچ ائل بواينجىلارا قارشى دورا بىلمز. هەچ كىمسە انسان سئورلىيە، باشقۇ سۆزلە اومنازىزە، اينترناسيوناللىزم پىس باخا بىلمز. بواينجىلارا پىس باخان اۆزۈن پىس گۈستەرىب، گۈزدىن سالماقداڭ سۇنرا باشقۇ بىر قازانچ آپارا بىلمز. آنچاق بعضىلەر بوايىكى سۆزۈن آنلامىن يانلىش باشا دوشدوكلەرى اوچۇن اونلارا اىلىشىدىرىپ، قارشى دورموشلار. سۇنرا دا چئورەسىنە كىلىرى بواينجىلارداڭ اوزاقلاشىدىرىماغا چالىشمىشلار. سىپس نمونەهایى از شعر سەندەن را مىدەد:

«بئلەدىر قارداشلىق، بئلەدىر ايلقار
قارداشلىق سۆزۈنده درىن معنا وار
نه اولا گۈرۈشە بوتون قارداشلار
خصوصاً بىزىم تك قارغىنىيامىشلار
پارتلايىب داغىلا دانقاز قايالار
يېرلە يىكسان اولا دمیر قالالار

*

پوزماق اىستەمیرم من بىرلىكلىرى
انسانلىق بىرلىيى /ايده آلىم دىر
قارداشلىق، يولداشلىق، ابدى بارىش
دنىادا ان بؤيوک آرزۇلارىم دىر.

۱۴ / سهند ایله قارداش آندری

نعمت مسگری نشان داده است که در نقد شعر، گذشته از شیوه‌ی نقد شکلی (Formalistic approach) و شیوه‌ی ساختارگرایی (Mythological approach) به شیوه‌های سبک‌شناسی (Stylistics approach) و بویژه شیوه‌ی جامعه‌شناسخانی (Sociological approach) نقد بسیار بها می‌دهد. در همه‌ی نقدهایی که نوشته، تکیه‌اش بیشتر بر شیوه‌ی اخیر از نقد شعر است.

مسئله‌ی مهم در کتاب‌های بررسی آثار شاعران که از سوی نعمت مسگری نوشته می‌شود، دوری وی از ذهن‌گرایی است و از این رو احکام ادعایی که نتوان آن‌ها را اثبات کرد، ندارد. همه‌ی احکامش مستخرج از آثار کتاب‌های مورد نقد است و از اندیشه‌های شاعر آن سرچشمه می‌گیرد. از شرایط اصلی اثری که وی درباره‌ی آن دست به تکنگاری می‌زند، تسلط بر زبان نوشتاری و نیز بیان شعری و در کنار آن داشتن اندیشه‌ی روش و انسانی از الزامات اصلی این کار است. نعمت مسگری هم خود این هر دو را با هم دارد و هم اثری که زیر ذره‌بین نقد اوست، دارای چنین ویژگی است.

موفقیت شعر سهند گذشته از آن که مرهون شیوایی و سادگی در بیان است، مرهون مختصات درونی و محتوایی آن نیز می‌باشد. منتقد نیرومند، پیوسته به دنبال همین ویژگی‌هاست و گذشته از آن، خیرخواهی و نگاه مثبت او به پدیده‌ی هنر، خود عامل اصلی ماندگاری و مؤثر بودن اثر او خواهد بود.

نعمت مسگری چنین منتقد و تکنگارنویسی است. او خوب می‌داند که رجزخوانی‌های نویسنده ناشی از ناتوانی و عجز او در مقابل موضوع مورد معرفی و نقد وی است. آن‌چه دارای حب و بعض و کینه‌های شخصی و گروهی باشد، نقد و معرفی محسوب نمی‌شود.

سهند ایله قارداش آندي / 15

من اين کتاب را اثری با ارزش در سهندشناسی تلقی می‌کنم و آن را نوآوری در تکنگاری شعری می‌دانم و ضمن آرزوی پیروزی برای نویسنده‌ی آن در انتشار آثار قلمی با ارزش خود، امیدوار هستم که فتح بابی در تجزیه و تحلیل دقیق و علمی آثار این شاعر نستوه و مبارز آذربایجان گردد. او در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ به سکته‌ی قلبی درگذشت و نتوانست در عصر بعد از انقلاب زندگی کند. روحش شاد و راهش پر رهو باد.

دکتر ح. م. صدیق

تهران، اردیبهشت ۱۳۹۷

۱۶ / سهند ایله قارداش آندي

۱- امپرياليزم:

سەندە اوز شعرلىيندە امپرياليزمى ياخشىجا تانىتدىرىمىش ھابئلە اوووجون آچمىش دىر. او امپرياليزمىن كىم اولدوغۇندان سۆز آچمىش، اوزلىكلىرىن بىر- بىر سايىمىش دىر. ھابئلە او امپرياليزمىن گۈردويو ايشلەرن، اونون اينانج- آماجىندان دانىشماقلە، انسانلارين- ئىللەرين گۈز- قولاغىن آچىب، اونلارى قارانلىقدان چىخارىب، ايشقىلىغا چاتدىرىماق ھابئلە آغىر يوخۇدان اوپالدىب، آيىلتىماق اىستەمىش دىر. بئلەلىكىلە سەندە ظلمە قارشى، عدالتە سارى، مظلوما آرخا، ظلمە دوشمن، يوخۇدان آجيقلى، آيىقلۇق سئون، قورخماز بىر قوچاق ايگىد اولموش دور. او كىمسەدن چكىنەدن دوغرونۇ سۈئيلەمكلە اوغرۇنۇن بورنۇن يئرە سورتمك اىستەمىش دىر. سەندە يازىق كوتلەلرین امپرياليزمە قارشى آپاردىغى ساواشىن بايراقچىسى، اون دە گئدنى اولموش دور. او هەنج زمان گئتدىيى يولدان گئرى دؤنمە يىب، باشلايدىغى ساواشدان ال گۆتۈرمە يىب، بو آغىر اىشىن يورو لوپ، بئزەمەمىش دىر. بونا گۈرە دە سەندە آزادلىق، عدالت، انسانىق اوئىدرىنە، باشچى سينا چئورىلەمىش، بو يولدا بئيوك آد قازانمىش، اور كلر دە اوزونە يئر آچمىش، اوندولماز بىر انسانا دۈنمۇش، سونسوز ياشاما، اولمىزلىيە چاتمىش دىر.

امپرياليزمىن كىملىيى، نىجهلىيى اىلە تانىش اولوپ، اونون اوزلىكلىرىن تانىماق اوچون سەندىن شعرلىرىن اوخوماقي يئترلى دىر.

«ھە ياندان اولادى بايقوشلار، ايتلر

۱۸ / سهند ایله قارداش آندی

سانکی کایناتا دوشدو ولوله

گرکدیر شرقده بوغولا بو سس

دئیه کنه دنيا وئردی ال - اله

لندن ده باشладى گيزللى حرکات

واشینگتون داکى شوم تدارکات

کؤندوموزدن ايسه تورک افنديلر

قارا بير توطئه، بئيوک وسوسه

باريش علیهينه قانلى دسيسه»

سهند امپرياليزمى بايقوشا ايتە، اونون سسىن ايسه بو حيوانلارين سسىنه
بنزتمكله اونو پىسلەيىب، كىچىلتىمك اىستەمىشدىر. ايتلە بايقوشون
اولاماسى خوشا گلمز، بئىين قازان، باش - قولاق آپاران، اورك سىخان
اولدوغۇ كىيمى امپرياليزمىن سۆزۈ ده انسانلارى اينجىديب، آجيقلاندىران
اولموش دور. امپرياليزم اۋز اولاماسى ايلە يازىق كوتلەلىرىن، كىچىك
اولكەلرین ھابئلە يوخسول ئىللرىن سسىن بوغوب، اونلارى اۋزونى قول -
كؤلە ئىدىب، يورد - يووالارين الله كىچىرىدىب، سونوندا ايسه اونلارين يئر
آلتى - يئر اوستو وارين تالاماقلا داها گوجلو، داما وارلى اولوب، يازىق -
يوخسوللارى داها آرتىق يازىق ائتمك اىستەمىشدىر. سۆزسوز كىمسە اۋز
ايستەيى ايلە يازىق اولماق ايستەمز. امپرياليزم ده بونو چوخ ياخشى
آنلامىشدىر. بونا گئورە ده اۋز كىرلى آماجينا چاتماق اوچون آزادلىق،
عدالت، انسانلىق آدینا اوچالماش بايراقلارى ائنديرىمك، دوشونجهلى
انسانلارين سسىن بوغماق ھابئلە اۋز سۆزۈن يئرىتمك اوچون قوشون
چىكمىدىن، ساواشا باشلاماقدان، دينج انسانلارين دينجلىيin پوزماقدان،

اڭللىرى گولوشە، شىنلىيە نىسىگىل قويىماقدان، بارىشى انسان اوچون اىل
چاتماز بىر دىلە يە چئويرمكدىن، قان تؤكوب، ائو يىخىب، گۈزلىرى آغلار
قويمىقادان، ائللىرى دىيدرگىن سالماقدان چكىننمە مىشدىر. سەھندىن
باخىشىندا چاغداش امپرياليزم آمرىكا، انگلiss بىر دە بو كىمى قولدور
اۇلكلەلدىر. بو اۇلكلەلر قوللۇق ائدىب، بونلارىن سازىيلا اوينيايان، بونلارا
آجاج ووران اۇلكلەلر ايسيه اۆزلىرىن كىرنىدىرمىش، پىسىلىيە بولاشدىرمىشلار.
باشققا سۆزلە بونلار امپرياليستىن سوچونا اورتاق اولموشلار. دوغو اۇلكلەلرى
پوزغۇن دوروما دوشدويو چاغدا، باتى امپرياليستلىرى، يېرىتىجى حيوانلارىن
خستە يَا دا آخساق بىر اووا داراشدىغى كىمى بىر اۇلكلەلر داراشىب،
اونلارى بودارلاماق ايستەميشلر. اونلار دىنiz اوغرولارينا چئوريلىب، اۆز
گەملىرىنە مىنىب، دىنizلىرى آتلايىب، اۆزلىرىن دوغو اۇلكلەلرینە چاتدىرىيپ،
اونلارىن ھەنە يىينە يىيەلنمك، ھەزادىن الله كئچيرىيپ، قاپساماق
ايستەميشلر:

«آخشماین سوپورگهسی، آغا جلارین کؤلگهسی، يوللاردان سوپورودو،
مغربین لول گۆزلری، ازل دنیز رنگلی ایدی. ورمله میش مشرقین، قانلی
توبورجه بیندن، دنیزین رنگی دئندو. شرقه دوغرو یوروین، گمی نین
یئلکینه، بیر کله رسملنمیش، ماغارا گۆزلری نین، هر بیری بیر آدامجیل،
ازدهانین یوواسی. گونش، بو گزینتى، بو مین اوزلو سليطه، ساللانير
جومور گئدير، اوzac داغلار دالينا، قاش ائله يير، گۆز وورور، يئنى جه
و بناشىنا! مغربین سحر ایدى، شرقین آخشمای، ایدى.».

سەندىن دئدىيىنە گۈرە باتىلى دىنىز اوغرۇلارى ئۆز ايشلىيندە اوغۇر قازانىب، ايشىغى، گونشى دوغودان قوووب، بورانى قارانلىغا بوروموشلر. اونلار بىر آن دوغونو ئۆز حالىنا بوراخىب، اونو گۈزىن قويىمايىب، دوغۇ

۲۰ / سهند ايله قارداش آندى

ائللىرى نىن ان كىچىك دىرىنىش - ترپنىشىن اىلك باش دا بوغموشلار،
اونلار داها تئز آماجا چاتماق اوچون دنيا ائللىرىن يالان سؤزلرلە اويدوروب،
اۋزلىرىن حقلى، آزادلىق اوغرۇندا سىسىن اوجالدانلارى ايسە حقسىز
گؤسترمىشلر.

«نه دن كىچىك بىر خلق قالخىب اويانىب
طالعىن حل ائتمك اىستەين زمان
اومانىزمه قارشى تەلکە سانىب
قىشقىريق سالىرسىز هر دؤرد بىر ياندان.»

امپرياليستلر انسانلىق ھابئله انسان حقلرى آدى آلتىندا دوغو ائللىرىن،
اولكەلرىن سىخىب، آياقدان سالماق اىستەمىشلر. آنجاق انسانلىق ھابئله
انسان حقلرى نىن ان بؤيوك دوشمنى اۋزلىرى اولموشلار. بو اوغرولار بعضاً
ائلە باغىرمىشلار، دوغرونون باغرى چاتلامىشدىر.

«اويدورمايا چۈنۈب حقىقت سۈزۈ
دنيا زوردان باشقابىر حق تانيمىر
زورلو ميداندا تك اوزودور، اوزو
اوزوندن اۆزگەسىن مطلق تانيمىر
انسان ارادەسىز ماشىنا دۈنۈب
كلىدى پول - ثروت، اويدورما سۈزۈلر
وجدانلار ساتىلىش مالىينا دۈنۈب
نه گونلر كېچىرىپ انسان، نه گونلر

جبەھەلر دە مىن - مىن گناھسىز عسگر
تانيماز جاسينا بير - بيرين قىرىر
بو قىرغىنا تانىش فرمان وئىنلر
سالنلاردا گىلاس، گىلاسا وورور»

امپرياليزم يالان - اويدورما سۆزلىرى ائله اوجا سىلە باغييرميش، دوغرو-
دوزگون انسانلارين سىسى اونلارين ايچىنinde ايتىب - باتمىشدىر.
امپرياليزمىن ايلك آماجى، سون آماجى داها چوخ پارا قازانىب، داها چوخ
ياشام ياراقلارى الله كىچىرىپ، دوشونجەسىز، دويغوسوز - قايغىسيز
اولدوچجا دينج هابىلە شن حيوانى ياشام قورماق اولموش دور. اونون
گۆزۈنده حق ايلە دوغرو گوجلو ايلە وارلىدىر. او كوتلەلرى اۇز سۆزلىرى
ايلە اويدوروب، ارادەسىز، وجدانسىز بير ماشىنا، داها دوغروسو حيوانا
چئويرميش، سونرا دا اونلارى بير - بىرىنىن جانينا سالمىشدىر. چوخ
ساواشلاردا چوخ دؤيوشچولر ساواشىن نەدنин آنلامادان اونا نەدن اولوب،
اوندان قازانچ آپارانلارى تانيمادان قارشىلارينداكى دؤيوشچوللە
دؤيوشوب، بير - بيرين قىرمىشلار. بىلە بير دورومدا ائللرى بير - بىرىنىن
جانينا سالان امپرياليستلر قيراقدا اوتوروب، ايلنib، شن كىچىرىپ، قازانچ
آپارمىشلار. سەند اونلارى بىلە قارقىش ائتمىشدىر:

«قارقىش زمانەنин قانونلارينا
قارقىش اوركلرى آييرانلارا
قارقىش انسانلارى قفسە سالىب
بشر حقوقىندان دم وورانلارا»

سهندىن ساواش ياراغى سؤز اولموش دور. او اودلو سؤزلرلە امپرياليزمىن قارشى سينا چىخمىش، بو ياراقلا اونو ياندىرىپ - ياخماق ايستەمىش دير. او امپرياليست دولتلرىن پوزوب - داغىدا بىلمەسە دە، يازيق كوتلەلرى آيتىماغا چالىشمىش دير. او امپرياليزمى قارقىش ائتمكلە او زونون ھابئلە باشقا قاباقجىل انسانلارин اورەيىن سوپىدوب، امپرياليستلىرىن اورەيىن داغلامىش دير. او مانىزىم ايله انسان حقلرى يازيق ئىللرى، كىچىك ئولكەلرى تاپدايىب، دىزه چۈكدوروب، بويون ايدىرەمك اوچۇن امپرياليزمىن اليىنده بىر چوماغا چئورىلىميش دير. نئجه او لا بىلر ظلم اساسىندا ياسالار يازان، انسانلارى بىر - بىرىندىن آيىران، سونرا دا بىر - بىرىنىن جانىنا سالان، انسان حقلرىنىن دانىشسىن؟ سهند بونلارين سؤزلرىن يالان، بوش ھابئلە اويدورما سانمىش دير.

«دؤندوم سؤزلرىمە دوام ائدەرك
بوغازدان يوخارى انسانچىلارا
منىمكىن اويناداق، سىنىكىن يئيك
دئين استعمارچى يالانچىلارا!!
آمانسىز او مانىست اينتىلىگىنلىر
انسانچىلىق داشىن دؤشە وورانلار
بىن المللچىلر، امپرياليستلىر
مدنىت كىشىيىنده دورانلار
توتاق مسيحىيت آبادلىق دئىه
دنيانى سىز قانا چالخامامىسىز؟

انسان کوتله‌لرین انسانلیق دئیه
بویوندوروق آلتدا ساخلامامیسیز؟
توتاق انسانلارى قارا مال تکین
سیز ساتمامامیسینیز، سیز آلمامیسیز؟
خلقلرین مالین تالاماق اوچون
قارداش قیرغىنلارین سیز سالمامیسیز؟»

یالان امپریالیزمین قانیندا، کؤکوندەدیر. امپریالیستلر انسانچیلیقدان، انسان سئورلیکدن، بیرلیک- بیرگەلیکدن، مدنیتدن، دوشونجەدن ھابئله آبادلیق- بوللوقدان دانیشسالاردا کیمسە بو سۆزلە اویوب، تولواییب، ایناممالى دیر. اونلار بو سۆزلری اور کدن ھابئله اینانج اوزوندن يوخ بلکە مادى قازانچ الە گتیرمک اوچون دئمیشلر. اونلار نئچە اولسا دا اۇز قازانجلاریندان ال چکن دئیيللر. اونلارین آماجى يازىق، گوجسۇز ئىللرى سویوب- تالاماق اولموش دور. اونلارین اوره بىي هئچ انسانا، هئچ ائله، هئچ اولكە يە يانمامىش دیر. اونلارلا ال- الە سورتن قازانمادان ھمىشە اودوزوب، ایتیرمیش دیر. اونلار آبادلیق، استعمار آدینا يوخسول اولكەلرە سوخولوب، اورالارین وار- يوخون تالاپىپ، اورالاردا ياشاياللارى داها پىس گونه قوييموشلار. اونلار بىلگى، دوشونجە، مدنیت شعاريin وئرسەلرده بىلمىزلىك، قانمازلىق، وحشىلىك اساسيندا داورانىب، دنيا اوزرىن جهل ايله خرافات قارانلىغينا چكىب، ئىللرى دوشمنلىك ھابئله ساواش باتلاغينا جومدور موشلار. امپریالیستلر اۋزلىرين مسيحييت دينينه اينامىش، بو دينى ايسە بارىش، يولداشلىق ھابئله دينجلىك، شىنىك دينى گۈستەرمىشلر. آنجاق، بو دينىن باشجىلارى نىن يۈپوروغۇ ايله يئر اوزون باريشا، دينجلىيە

نيسگيل قويموشلار. اونلار دنيانين دئورد بوجاغيندا ساواش اودونو آليشديرماقلابانلى ساواشلارا نهدن اولوب انسانلارى بويوندوروق آلتدا، آياغى قانداللى، قارانلىق دوستاقلاردا ساخلاميشلار. اونلار باشقىا ئولكەلرە سوخولوب، اونلارين يئر آلتى - يئر اوستو وارين تالاماقدان علاوه، اوزلرين ده قارا مال تكين قوللوق - كؤلەلەيە ساتميشلار. اونلار يولداش ائل - ئولكەلرى بير - بيرينه دوشمن ائديب، بير - بيرىنىن جانينا سالىب، انسانلارين قيرغىنينا، ئولكەلرین داغىلماسينا، ائل وارىنىن يانىب، كول اولماسىنا، سونرا دا گوجدن دوشوب، ال آلتى، آغيزا باخيم اولماغىنا نهدن اولموشلار. اونلار بو يول ايله بير يول ساواش ياراغى ساتماقдан، بير يول اوجوز دەيرلە ئئىين وارين تالاماقدان، بير يول آبادلاماقدان، بير يول دا اۋز ماللارين باها پارا ايله ساتماقдан قازانميشلار. بونا گئره ده انسان حقلريندن دانيشان ظالم امپرياليستلىرىن سۆزو گولونج بير سۆزدۇر. بو سۆزو دئين ده، اينانان دا سارساق دىر.

«جواب وئرسىن ھانى، ھاردادىر، ھاردا؟
بشر حقوقىندان دانيشان سارساق؟
ھانسى قورولوش دا، ھانسى دياردا
ظالم قالخىب ظلمە قارشى دوراچاق؟»

سهند قان ايچن، قان تۈكىن امپرياليستلىرىن اىچ اوزون نېھەگۈز بويونون باشلانىشىندا اولدوچجا گۈزلە هابئە درىن سۆزلىرە گۈسترمه يى باشارميش دىر.

«بىزىم ئىلدىن، اىلک مكتىبە گئدىن اوشاق، من اولموشام، اوخودوغۇم كتابلاردا، بىزىم آخشام او دىياردا، سحر اولان بىر تورپاقدان، عجب سۆزلىرى يازىلمىشدى. او يېرلىرىن چوخ دا بئله احتراملى، احتشاملى، تمدىنلۇ بىر اۈلکەلر اولدوغۇندان، سۆز چوخ ايدى، بىر گۆزلۈدن، آدامجىلدان سۆز يوخ ايدى.»

سەندەن بىرينجى پەھلوى دوروندە، اۆز يوردوندا اىلک اوخولا گئدىن اوشاقلارдан اولموشدور. پەھلوى رژىمى باتى امپرياليستلىرى اليله قورولموش بىر دولت اولدوغۇنا گۈرە، هر يېردى، هر چاغدا اۆز قوروچوڭلارين اؤيموش دور. او چاغين درسلىك كتابلاريندا ايسە او اۈلکەلر اولدوچجا دەيرلى، گوجلو ھابئلە مەدىنتىلى گۆستەرىلمىشدىر. او دورون اوخوموشلارى، يازارلارى، آيدىن دوشونجهلى انسانلارى امپرياليست اۈلکەلرى مەدىنه فاضلە گۈزوندە گۈرۈپ، اونلارى بوتون پىسىلىكىن آرىنمىش سانىردىلار. اونلار بوتون پىسىلىيى اۇزلىرىنده، ئەللەرىنده بىر دە اۈلکەلرىنده گۈرۈردولر. بو اوزدىن دە اونلارين بىرى بئله سۆيەلەمىشدىر: «بىز تېھدىن دىرناغا فرنگى اولمالىيىق!» سەندەن اوخولدا اوخوياراق ايкиنجى دنيا ساواشى باشلايىر. بو ساواشىن سونوجوندا باتى امپرياليستلىرى آچىق - آشكار اۈلکەمize سوخولورلار.

«من مكتىبى بىتىرمەدىن، محاربە باشلانمىشدىر، غافلچەدىن بىر گون يادلار، گوندوزلىرى، بىزىم يېردى گئچە اولان آدامزادلار، چاغىرىلمامىش قوناق كىمى، يوردو موزا سوخولدولار. گۈرددوك ايکى گۆزلىرى وار، بىزە بئله دئدىلر كى: لىنگى اوزون، ارسىن بوغاز، او توراركىن آياقلارين، ماسا اوستە دىرماشدىران، بو دايلاقلار، انسانلىيغى، آزادلىيغى قوروما قاچجون، وطنينىدىن باش گۈتۈرۈپ، دىيار - دىيار گزىشىرلر، دولانىيرلار! سونرا بىزە قارالارى،

كؤلهلىرى، آزاد ائدن مبارز بير بالتاجيدان، دانيشدىلار. بيز ايناندىق، اونلارى چوخ عزيز ساندىق. ائويمىزدە يئر - يورد وئريدىك. اونلار اوچون بارلار آچدىق! يئمك وئريدىك، ايچمك وئريدىك.»

بئلهلىكلە سهند كيچيك ياشدا چاغيريلماميش قوناق كىمى يوردوموزا سوخولان چاغداش آدامجىللارى گۈزو ايله گۈرور. اونون ناغىللاردان ائشىتىدىي آدامجىل تپە گۈزون بير گۈزو اولسا دا، گۈزو ايله گۈردويو تپە گۈزون اىكى گۈزو وار ايدى. بو تپە گۈز يوردوموزدا انسانلىigi، آزادلىigi قوروماق اوچون دنيانىن او بىرى باشىندان دوروب گلمىشدىر. او قارالارى، كؤلهلىرى، بوتون انسانلارى اۋۇز دوغال حقلرینه چاتدىرماق ھابئلە آزادلىقدا ياشاتماق شعاري وئيرىدى. چوخ سادە ھابئلە سياست بىلەين يوردداشلاريمىز او شعارلارا اينانىب، اونلارين دالىسيجا دوشوب، اونلارا قوجاق آچدىلار. آنجاق ائل قىسا سورەدە چاغيريلماميش اولكەمىزە سوخولان باتى امپرياليستلىرين تانىيىب، اونلارين اينانج- آماجىن آنلادى.

«گىزدىك اىشىن ھر طرفين آراشدىردىق باشىن- دىيىن، بىردىن- بىرە باخديق گۈردوک، او يئندىسىز بير گۈزلۇنو، او يولسوزو، او تولۇنو، غربىيە بىر توکان آچىب، ماتاحىنى تؤكوب ساچىب، سلاح وئيرىر، جانلار آلىر، پىچاق وئيرىر، قانلار آلىر، ھر طرفە آتىن چاپىر، آختارىر بىر قودوز تاپىر، ورهولادىر، ياساق وئيرىر، خفتان وئيرىر، ياراق وئيرىر، قودوردوپان اىشه چكىر! ملتلىرى شىشه چكىر! السىزلىرين، مظلوملارين، جانىخدىرير، جانىن آلىر. شوشە- شوشە قانىن آلىر!»

امپرياليستلىرين گۈزو آج اولدوغو اوچون هئچ بير آن هئچ نەدن دويماز. ھابئلە اونلارين گۈزو دار اولدوغو اوچون كىمسەنин اوغۇر- باشارى قازانىب، قاباغا كىچمهسىن گۈزلرى گۈئورمز. بونا گۈرە دە اونلارا تپە گۈز

دئمك چوخ دا يېرلىدىر. اونلار هئچ بىر اينانجا اوركىن اينانمايىب، هئچ بىر يولۇن دوغرو يولچوسو اولمامىشلار. تولولوك، تولكولوك، فيرىلداقچىلىك، يالانچىلىق اونلارين كۈكۈنده، ايليك- سومويوندە اولموش دور. اونلارين بو پىس اۆزلىكىردىن آرىنماسى، اونلارين اولومو، يوخلوغۇ، پوزولوب- داغىلىماسى دئمكدىر. يالان- فيرىلداقلا انسانلارين- ائللىرىن آراسينا سوپوقلۇق، دوشمنلىك سونوندايسا ساواش سالىب، دىنج انسانلارين اولومونه، دىدرگىنلىيىنه، كۆز ياشلارىنىن آخماسىنا ھابئلە ئولرىن- اۆلکەلرین يىخىلىب- داغىلىماسىنا نەدن اولماق، امپريالىزمىن تارىخ بويو گۈردويو ايشلەدىر. اونلار بو جنایتلەرى يالنىز مادى قازانچ اوغرۇندا ائتمىشلەر. اونلار بىر ياندان ساواش ياراغى ساتماقدان، بىر ياندان ساواشا گىرن اۆلکەلرین وارىن تالاماقدان، بىر ياندان اۆز ماللارين اونلارا ساتماقدان، بىر ياندان ساواشдан سونرا داغىلىميش اۆلکەلرى آبادلاماق، ھامىدان اۋنملى دە يازىق- يوخسۇل ائل- اۆلکەلرى داها يازىق، داها يوخسۇل ائدبىب، دالى قويماقدان قازانمىشلار. قىساجا اونلار قان سالىب، قان تؤكوب، قان اىچمكىلە گۆستەرمىشلەر انسانىن، انسانلىيغىن ان بؤيوك دوشمنىدىرلەر. چاغداش دنيادا امپريالىزمىن باشىندا داييانان آمريكا دولتىدىر. سەندە آچىق- آشكار بو دولتدىن اولان آجىغىن دىلە گتيرمىش، اونون تۈرەتىدىيى جنایتلەرىندەن سۆز آچمىشدىر. امپريالىيست آمريكا دولتى اويدورما ھابئلە بوش بەھانەلرلە دنيانىن او بىرى باشىندا، بو بىرى باشىنا قوشۇن چكىب، يازىق- يوخسۇل ويتنم خلقىن قىرىب- اۆلدۈرۈپ، او اۆلکەنى ويران ائدبىب، ساغ قالانلارين ايسە دىدرگىن ائتمىشدىر. بو جنایت اومانىيىت- اينترناسيونالىيست سەندىن اورەيىن دردە گتىرىب، سبب اولموش دور آمريكا دولتىن ان آجي سۆزلەرلە قىنايىب- دانلاسىن:

«بو گون ويتناما سوخولانلارين
 فاشيست اوردوسيولا فرقى هاردادير؟
 او دا انسان قانى ايچيردى بو دا
 باخسان همان آشدير، همان كاسادير
 اينديييه قدر هئچ فكرلشميسن
 ويتنامدا نه گزيب، نه آختاريرسان؟
 ماشانى چكىرن دوشوندون مو هئچ
 كيملىرين اوستونه آتش آچيرسان؟»

سهند باشقابير شعرىيندە يئنه ده امپرياليست آمريكا دولتىنин ويتنامدا
 تؤرەتىدىيى جنايىتلەرن سؤيلەميش دىرى:

«بىرلىك الى وئرير امپرياليزمە
 آزادلىغا قارشى ال آتىب كىنه
 تەھلكە تؤرەدىر خائىجەسىنە
 بىنالمىل چىلىك آبىدەسىنە
 يارالى ويتنام خلقىنى حتى
 قىرىب تؤكمكلىكىدن چكىنمير آخماق
 دونن اود ايچىنдин قورتولانلارا
 يئنى اود ياندىرىرى، قودوزلۇغا باخ!
 نەلر دوغولور بو قودورغانلىقدان
 قورتولوش گونلرى داها اوزانىر

دۇستلار كىرلىنير، سئوينىر دوشمن
تارىخىن مدارى دورور - دايانيير»

قۇدورغان، قودوز امپرياليزمىن تۈرەتدىيى جىايىتلر دوغرو آزادلىغا اينانىب،
اونون اوغرۇندا چالىشان سەندى، سەند كىمىلىرى كىرلىندىرىيپ، غم
دنىزىنە جومدورمۇش دور. سەند قورتولوش گۈنلىرىن داها اوzacىدا گۈررەن
داها آرتىق سىخىلىمىش دىر.

٢- ناسيوناليزم:

ناسيوناليزم ملتچيليك، ائل سئورليك آنلاميندادير. باشقى سؤزله آنا يوردون، آنا ديلين سئومك، بونلارين گلىشمەسىن، چىچكلنىب- گۈزللشىمەسىن ھابئله پارلاماسىن ديلەيىب- اىستەين، ھابئله بو ديلەيىن اوغرۇندا جاندان- مالدان كئچىب، اللشىب- چالىشماغا ناسيوناليزم يا ملتچيليك دئييلر. بو دوشونجە، بو ديلك، بو دويغۇ اولدوقجا دوغال- دوغرو بير دوشونجە، ديلكدىر. بوتون انسانلار دانىشدىغى ديلين گلىشمەسىن اىستەر. دنيانىن ھەچ چاغىندا، ھەچ يانىندا، ھەچ بير كىس يوردىسئورلىيە، ائل سئورلىيە پىس باخمامىشدىر. آذربايجانىن اولمز اولو شاعرى سهند ايسە دوغرو- دوزگون بير ناسيونالىست، ملتچى اولموش دور. اونون اورك ديلەيى آذربايغانىن باش اوجالىيغى، آبادلىيغى ھابئله گۈزلىيى اولموش دور. اونون اىستەيى آنا ديلى، آذربايغان توركجهسىنىن گلىشمەسى، دولغۇن اثرلرلە زىگىنلىشمەسى ھابئله بو ديلدە يازىب- او خوماغا امكان ياراتماق او لموش دور. او ھەچ بير آن ناسيوناليزم يولوندان آزىب، شونىزم، فاشىزم ھابئله راسىزم يولونا كئچمەمىشدىر. اونون گۈزوندە بوتون انسانلار، بوتون ائللر بىردىر. ھەچ بير ائل باشقاسىندان اوستون دئييل. او بوتون ائللر، دىللرە سايىغى ايله ياناشمىشدىر. اونون ناسيوناليزم موضوعوندا دئدىيى سؤزلر بوتونلوكجه، باشدان باشا عقل، علم ھابئله منطق اساسىندادىر. بونا گۈره دە كيمسىنinin حقى يوخدور سهندى آنا ديلين سئومك يا دا دوغما يوردون اويمك اوچون سوچلايىب، پىسلەسىن. سهندە پىس باخان يا شونىست يا

فاشيست يا دا راسيستدир. سنهندين ان آغىر، ان آجى دردى آنا ديلينىدە يازىب - او خوماق امکانى اولماق او لموش دور. سنهندين اورك يانغىسىن آنلاماق اوچون اونون ملى مسئلە حقىنide يازدىغى شعرلىرى او خوماق گرگدىر. او هئچ بير ائله، ديله هابئلە يوردا اسگىك با خامadan آذربايجان، آذربايجانلىلار هابئلە آذربايجان توركجهسىنىن وورغۇنو اولماгин سؤليلەميشدىر:

«بو اورك سۆزۈمدور دۇئنمەرم سىندىن
بوغسا دا گر منى دار، آذربايجان.»

بو بىتىدە سنهنده وورغۇلا迪غى كىيمى او يورد يولوندا ھر نەدن كېچمەيە حاضر او لموش دور. بو مسئلە اونون يورد سئوگىسىنىن بؤيوكلويون گؤسترىر. او آنا ديلين ياساق، آنا يوردون پوزغۇن ھابئلە دوغما ائلين داردا گۇرر كن سىخىلىمىشدىر.

«بىر اووج كىلکباز، قمارباز ايله
پاكباز او لموشوق، پاك او تۈزموشوق
مرد ايكن نامىرە رحم ائيلەميشىك
ايىدى نامىرلەرە محتاج او لموشوق
دولتلىيە ساخسى لازم او لاندا
ووروب سىندىرەميشىق اۋز كۈزەمىزى
چىخدىغىمۇز قىنى بىنەمەميشىك
بىز ائلى آتمىشىق، ائل آتىب بىزى
ائلىمۇز نە گون آغلامىشىق بىز
باغىن شاختا ووروب، بوسنانى يانىب

٣٣ / سهند ايله قارداش آندي

ايل بيزه نئيلهسيين، نه گون آغلاسين؟

آغزى قيفيللانيب، ديلي باغلانيب.»

آذربايجان ائلى ايراندا اولان ديرهنيشلر، قالخىشلار هابئله ترىپنيشلرده
قونشو ائللرلە ئىل بىر اولوب، اؤلکەنى آغ‌گونە، ايشيقلىغا چاتدىرماق
ايستەميشدىر. او بىر شعرىيندە بئله سؤيلەميشدىر:

«ايندى اولان اولوب، كىچنلر كىچىب
جالانان سو بىر ده كوزەيە دولماز
دالدان آتىلان داش توپوغا دەير
گۆز ياشى تۈكۈملە يارا ساغالماز
بو گون من سهندىم، سەن شەھرىيارسان
گل باشىن او جاداق قوجا تبرىزىن
بىر كە يادلارين داشىنى آتاق
چىك قايىغىسىنى، اۋز ائلىمېزىن
شاعرىيم، دىنيانى نىجە گۈرۈرسىن؟
دوز يئىىب، دوز قابىن سىندىرالنلار وار
قدىر بىلەن يارا، جان قربان ايلە
قدىر بىلەمەينە حىفدىر ايلقار
اۋزگە چىراغىينا ياغ اولماق بىسدىر
دوغما ائللارىمېز قارانلىق دادىر
يانىب ياندىرماياق يادىن او جاغىن
ائويمىز سويوق دور، قىشدىر شاختادىر

دئمیرم يانماياق، آلاولانماياق
يانماسين نئيلەسىن يازىق پروانە
يانماياق وفاسىز يارين اودونا
ياناق ئەليمىزە، ياناق وطنە!»

سەند شەرياردان اىستەميش كەچمىش يانلىشلارى نە تىكار ائتسىن، نە
اونلار اوچون سىخىلىسىن. بلکە اونلارين اوستۇن اۇرتىمك، ھابىلە ئىل - او با
بورجون اۋەدمك اوچون اۆز آنا دىلىنىدە، آذربايجان توركىجەسىنده يازماقلار
ائلىنىن - يوردونون باشىن اوجالتسىن. آنا دىلىنىدە يازىب - اوخوماق ھر
انسانىن، ھر ئىلين ان اىلكىن، ان دوغال حقىدىر. آنجاق منلىك اسىرى
اولان انسان، گۈزو دارلىق، پاخىليلق، گىچىك اوزوندن اوزىدە بېرىلىك،
بېرىگەلىك، عدالت شعاري وئرسە دە، دىل ايله كىمسەنىن حقىن اۋەدمك
اىستەمەميشدىر. او ھمىشە اۆزون، ئىلىن، يوردون، دىلىن، مەدىنتىن
اوستۇن، گوجلو، باشقىلارين ايسە ال آلتى، يازىق گۈرمك اىستەميشدىر.
بو مسئىلە آيرىلىقلار، دوشمنلىكلىر، ساواشلار، اۇلوملره ھابىلە دىنجللىپىن،
شىلىپىن، بارىشىن پوزولماسىنا، گولوشون اونودولماسىنا، قىساجا دىنانيڭ
جهنمە، ياشامىن دا عذابا چئورىلمەسىنە نەدن اولموشدور. آذربايغان
توركلىرىنىن دىلى پەللوى رژىمەنىن اىش اوستە گلمەسىلە ياساق
اولونموشدور. بو اىش بؤيووك امپر ياپىست دولت، قوجا استعمارچى
انگلىسىن گؤسترىشى ايله باش توتموشدور. پەللوى دولتىنىن بو
شونىستى، فاشىستى حتى بعضاً راسىستى سىاستى آذربايغان توركلىرىن
سيخىب، اينجيitimishدىر. سەند دوشونجەلى بىر آذربايغان تورك اولاق

٣٤ / سهند ايله قارداش آندى

داها چوخ سيخيلميش دير. او تك باشينا بو عذابا دؤزه بيلمه دىيى اوچون
أونو بوتون دنيا ايله پايلاشماق ايسته ميش دير:

«من، سفره دن ده آچيق، سينه مى آچماق ايسته ييرم، بو سفره نين
دوره سينه، بوتون عالمى ييغماق ايسته ييرم. قوناقلىق اوچون يوخ، ددهمه
احسان اوچون يوخ، يئديييم تاتورانى، ايچدىييم زققому، هامىيا
دادىزدىرماق اوچون، هامىيا گؤسترىب، تانىتماق اوچون دردىمى، آجىمى!
آخى بيليرسن من كىمم؟ من دىلى - آغيزى قيفيللى دردلىيم»

سهندىن باخىشىندا آنا دىلىنده يازىب - او خوماغىن ياساقلىغى بؤيوك درد،
دؤزولمز آجى هابئلە ئولدوروجو زهردىر. او شعر صنعتىنдин يارالاناراق
باڭرىپ، اۋز دردىن دنيا قولاغىنا چاتدىرماق ايسته ميش دير. او اۋز
دىنلە يېجىلىرىندين چوخ بىر زاد ايسته مەميش دير.

«اورە يىيم بىر ذره قايىغى، بىر ذره محبت اوچون، افىل - افىل اسىر، اينانىن،
منى ئولدورمور يانغى، بىر جە ذره عدالت اوچون، جان وئيرىم، دردىمى
قانىن! سۈزۈمە اينانىن! بىرسىز نىيە، من اۋز دوغولدوغۇم ائودە، اۋز آنا
دىيارىمدا، آتا - بابا اوЛАرىمدا، يادا، يادا! شىرىنىنى، يادلار قوينونا
بوراخمىش، فرهادام، فرهاد!»

سهندىن ايسته يى سئوگى، سايىغى، بىرلىك - بىرگەلىك ايله عدالت
اولموش دور. اونون دردى آيرى سئچگىلىك، سايىسىزلىق، عدالتسىزلىك
هابئلە اۋز دوغما يوردوندا ياد كىمى، اۋزگە كىمى، اۋگە كىمى ياشاماق
اولموش دور. او شىرىن دىلىن آتىلىميش، ياساق اولونموش گۈرنىدە
آلېشىب - يانميش دير. فرهاد اۋز سئوگىلىسى شىرىنى ياد قوينوندا
گۈرنىدە آلىشىدىغى كىمى، سهند ده هر يئردىن الى اوزولوب، او مودۇ
كسيلىدىيى آن دا اۋز بختىنдин، طالعىنдин گىلئىنib، كوسىمۇش دور.

«طالعىمە سەن باخ! دوشونجەلرىم ياساق، دويغولارىم ياساق.
كئچمىشىمدىن سۆز آچماغىم ياساق. گله جەيىمىدىن دانىشماغىم ياساق.
آنامدان آد آپارماغىم ياساق. بابا ديارىم ايسە، بىدارق، بىدرارق. بىلىرسىن؟
آنادان دوغولاندا بىلە، اوزۇم بىلمە يە، دىل آچىب دانىشىدىغىم
دىل دە، دانىشماغىم دا ياساق ايمىش، ياساق!»

بلكە دە ان آغىر ھابئلە دۆزۈلۈز ياساق، دويغۇ - دوشونجە ياساقلىغى دىر.
نئىجە اولا بىلەر انسان باشقاسىنىن اىستەيى ايلە دوشونمەسىن؟ نئجە اولا
بىلەر انسان اوز سئوگىسىندىن واز كىچىب، باشقاسىنىن گۈستريشى ايلە
بىرىن سئوسين؟ نئجە اولا بىلەر انسان گۈزلەنلارى، سئودىيى انسانلارى،
ياشادىغى اىل - اوبانى آتىپ - اونوتسون؟ انسان گۈرمەمك اوچون اللرىنى
گۈزلەنلىرىنىن قاباغينا توتا بىلەر. اشىتىممەمك اوچون بارماقلارين قولاغينا تېھ
بىلەر. آنجاق دوشونمەمك اوچون، سئومەمك اوچون، دويغولانماماق اوچون
نئىلە يە بىلەر؟ سۆزسوز هەچ نە ائدە بىلەز. انسان هەچ بىر آن دويغۇ -
دوشونجەسىنىن قارشىسىن آلا بىلەز. آنجاق نە يازىق بونو آنلاماييان دار
گۈزلەر، انسانلارين دويغۇ - دوشونجەسىن دە ياساق ائتمىشلەر. هر انسان
اوچون آنا، آنا يورد ھابئلە آنا دىل سئوگىسى اولدوقجا دوغال بىر دويغۇ -
دوشونجەدىر. بو سئوگىنىن اؤلدۈرمە يە چالىشانلار، آنانى، آنا يوردو ھابئلە
آنا دىلى اونوتدورماق اىستەينلەر ھەونگەدە سو دؤيىموشلەر. اونلارين ايشى
بوش ھابئلە سونوجسوزدۇر. اونلار بىلەلىدىر هەچ بىر ساغلام انسان بىلە
دوغان سئوگىلىرى اونوتماز. آنجاق انسان ايلە انسانلىق دوشىمنلىرى بونو
بىلەدىن، امپريالىزمىن اويونونا اوپىاراق، آذربايچانى، آذربايچان
تۈركىجەسىن ھابئلە آذربايچان مەنتىتىن، آذربايچانلىلارا اونوتدورماق

٣٦ / سهند ايله قارداش آندى

ايسته ميشلر. بونا گؤره ده پهلوى رژيمى دوروندە سهندىن شعرى ٥٥، سۆزو ده، ديلى ده ياساق اولموش دور.

«بو قارا يازى شاعرين آنجاق، آدى دا، اوزو ده، شعرى ٥٥، سۆزو ٥٥، دانىشدىغى ديلينه گؤره، ياساق دير، ياساق!»

سهندىن ان بئيوک سوچو آنا ديلينده، آذربايچان توركجه سىيندە يازماق اولموش دور. بونونلا بئله او گۈزونون او يولماسىندان، دوستاقدا چۈرۈمكدىن، ديلى نىن دالىدان چىخارىلماسىندان قورخوب- چكىنمه دن اۋز اورك سۆزۈن دئمكدىن واز كىچمە مىشدىر. چوخلارى استعمارلا ظلم اسىرى اولسالار دا، چوخلارى نىن حقلرى تاپدالانىب- آيقلانسا دا، هئچ بىر ائل، آذربايچان تورك ائلى كىمى، هئچ بىر يورد آذربايچان كىمى، هئچ بىر ديل ده آذربايچان توركجه سى كىمى ازىلىب، تاپدالانما مىشدىر.

«دئميرم دنيادا اسارت يوخدور
چوخ يئرلەر سونگو تاخميش استعمار
آنjac بىزىم كىمى ازىلن آزدىر
هاردا «حق وئرمىز» وار، «حق باتىرماز» وار
كره، ويتنام، آلمان بئلونوب اما
دنيا بىلير بئله بئلونمەلر وار
سۆز گلىب چاتاندا آذربايچانا
فارس دا بىر مثل وار: «انگار نه انگار»

سهندى ياندىران بوتون دنيانين آذربايچانى آتىب- اونتماسى اولموش دور. هئچ بىر اولكە آذربايچانىن بئلونمە سىيندەن، ديلى نىن،

مدنیتی نین یاساقلیغیندان هابئله یوردون پوزوغونلوغوندان سؤز آچماق ایسته مه میش دیر. سهندین باخیشیندا بونون یالنیز بیر نهدنی واردیر، او دا قاغیسیز لیق دیر.

«بو شرف، بو شوکت، بو قدرت، بو شان
هورا، دوغرودان دا بیزه عار اولسون
حیاتین آمانسیز بیر قانونو وار
تعصیبیوز ملت گر ک خوار اولسون.»

آذربایجان ائلی اۆز ائلینه، يوردونا ھابئله دیلينه ياخشى دهير وئریب، اونون قايغى سين چكىب، اونون كىشىيىنده دايانيib، اونو قوروماغا چالىشمادىغى اوچون ياد ائللر ده، اۆزگە اۈلکەلر ده، اونو سايمايىب، آنib- اونوتوموشلار. سەند آذربایجان توركلىرنىن ملى شعورون يوكسلتمك اوچون عمر بويو چالىشمىشدىر. بونا گۈرە ده گاهدان پىيس آنلامدا ملتچىلىككە سوچلاندىرىلىميشدىر. او بو سوچلاندىرىمالار قارشى سىيندا سىسىز قالمايىب، اۆزون بئلە سوووننمۇش دور:

«ملی تعصبدن دانیشدیم، اولسون
اصلینی ایتیرن حرامزادادیر
مرد اوغول وطنین حقین ایتیرمز
وطن انسانا ان بؤیوک آنادیر
قویون محاکوم اولوم ملتچیلییه
دنیادا ملتین سئومه بن کیمددیر؟

۳۸ / سهند ايله قارداش آندى

ديلين، ائلين، يوردون تالان ائسەلر

آجييپ باشينا دئيمەين كيمدير

گرك گۆزلىيندن گۆز اورته بير كس

قارغا يوواسينا ياناشسا اگر

نييه وطنىمى سئومەييم، نيء

من بير قارغادان دا اسگىيم مگ؟»

اونون باخىشىندا كۈكۈنو ايتىرىپ - دانان آتا - آناسىز بىچدىر. چون دنيدا
هامى اۋز دوغما ائل - اوباسىن سئور، اونون گلىشىمەسىن دىلەير، ترسىنه
اونون پۇزغۇنلۇغۇندان، سىخىنتىسىندا، داغىلىماسىندا، اينجىيپ،
سيخىلار. سهندىن دئىبىي كىمى ائل - اوبا قايقىسىن چكمك چوخ
دوغالدىر. بوتون جانلىلار اۋز يوواسىنىن، اۋز عائلەسىنىن قايقىسىن
چكىپ، اونو قوروماق اوچون ان بؤيوک دوشمنلىرىن قارشىسىندا دايانيپ،
اونلارى قاچىردىب ياخىپ ئىتمىك اوچون جانين وئرمىكن ده اسىرگەمز.
بئلەلىكىله ائل قايقىسىن چكمك، يوردىسۇرلىك طبىعتىن انسانا
اوېرتىدىيى بىر ايشدىر. بونا گۈرە ده ائل - اوباسىن سئون يوخ، بلکە
بونلارى آتان سوچلاندىريلمالى ھابئلە دانلاق ائشىتىملىدىر. سهندىن
دئىبىي كىمى ائل - اوبا قايقىسىن چكمەين حيوندان دا اسگىكدىر.
بونونلا بئلە سهند ناسىيونالىزم يولوندا اولدوچجا گۆزو آچىق يئرىيپ، چوخ
گۆزلەميشدىر، آياڭى بودرهىيىپ، شونىزىم - فاشىزىم درەسىنە يىخىلىپ،
آتىلىماسىن. او ائل سئور، يوردىسۇر، ياخشى آنلامدا ملتچى اولدوقدا،
اور كىدىن اينانميش، ايش ده گۆسترەميش بىر انسان سئور، ائللەسۇر،
اومانىست - اينترناسىيونالىست انسان اولموش دور.

«من دئمیرم اوستون نژاددانام من
دئمیرم ائلریم ائلردن باش دیر
منیم مسلکیم ده، منیم يولومدا
ملتلر هامی سی دوست دور، قارداش دیر
چاپماق ایسته میرم من هئچ ملتین
نه دیلین، نه یئرین، نه ده امه یین
تحقیر ائتمه ییرم، هدهله میرم
کئچمیشین، ایندی سین، یا گله جه یین
من آییر ما ییرام، آیری سالمیرام
قارداشی قارداشдан، آروادی اردن
آتانی، بالادان، اتی دیرن اقدان
اوره بی اورکدن، قانادی پردن
پوزماق ایسته میرم من بیرلیکلری
انسانلیق بیرلیبی ایده آلیم دیر
قارداشلیق، يولداشلیق، ابدی باریش
دنیادا ان بؤیوک آرزولایم دیر»

سەندىن باخىمىندا بوتۇن انسانلار، بوتۇن ائللر، بوتۇن سوپەلار بىردىر. هېچ بىرى او بىرى سىينىن اوسىتون يى دا اسگىك دېيىل. اونون اوسىتون سايدىغى سوی انسانلىق سوپىودور. اونون گۆزوندە آغلا قارانىن، وارلى ايلە يو خسۇلۇن، مسلمانلار مسلمان اولمايانىن، آذربايجانلى ايلە آفرىقالى نىن، تۈرك ايلە فارسىن هېچ فرقى، يۇ خىدور. اوسىتون يالنىز انسان اولوب،

٤٠ / سهند ايله قارداش آندى

انسانلىق اوغروندا چالىشان دير. بو اوزدن ده ائزلىرىن اوستون، باشقالارين ايسه اسگىك سايالنلارى قىنايىب- دانلامىش دير. او هئچ بير ائلين مادى- معنوى دەيرلىرىن چالىپ- چاپماق اىستەمەمىش دير. او هئچ زمان بير ائلين يئرinen، وارينا يىيەلنمەيى دوشۇننمەمىش دير. او هئچ ائلى، هئچ دىلى گولونج ائدىپ، هئچ ائلى قورخوتىمامىش دير. او انسانلارين، ائللرىن- اولكەلرىن آيرىلىغىن اىستەمەمىش دير. او سوپوقلوق، آيرىلىق، دوشىمنلىك ھابىلە ساواش سالانلاردان آجىقلانمىش دير. او عمر بويو بىرلىك- بىرگەلىك، انسانلىق، قارداشلىق، يولداشلىق، بارىش اوغروندا چالىشمىش دير. قىساجا او، اومنىزىم- اينترناسيونالىزمىن اؤندرى، ائرنەيى اولموش دور. آنجاق بونلارين هئچ بيرى آنا دىلىن، آنا يوردون، دوغما ائلين اونا اونوتدورا بىلەمىش دير. او بوتون دىللەر سايغى ايله ياناشسا دا، اۆز آنا دىلىيندە يازماقدان واز كىچەمەمىش دير. او بوتون اولكەلرىن آبادلىغىن اىستەسەدە آنا يوردونون پوزغۇنلۇغۇنا دۆزە بىلەمىش دير. او بوتون ائللرىن باش اوجالىغىن اىستەسە ده يوردداشلارىنىن ازىلىپ، سىخىلماسىنا دايانانمىش دير. او اوجا سىلسە انسانلىق شعاري وئىندىن سونرا، اۆزۈن ده بىر انسان ساياراق، دوغال حقلرىن اىستەمكدىن چكىنەمىش دير:

«آنجاق بير سۈزۈم وار، من ده انسانام
دىلىيم وار، خلقىيم وار، يوردوم- يوواام وار
يئىردىن چىخىمامىشام گۆبلەك كىيمى
آدامام حقىيم وار، ائلىيم- اوپام وار
قول يارانمامىشام ياراناندا من
ھئچ كىسە اولمارام نە قول، نە اسىر

قورتولوش عصرى دىر انسانا بو عصر
اسىر اولانلاردا بوخۇوون كسىر»

ھېچ بىر ائل يئردىن گۆبلەك كىمى بىردىن بىرە گۆيرمەميش دىر. هر ائلين
اۋزونە گۈرە تارىخى، كىچمەميشى، يوردو- يوواسى، دىلى ھابئلە مەدениتى
اولمۇش دور. ھېچ بىر ائل باشقا ائلە قول كىمى، اسىر كىمى باخا بىلمىز.
آنجاق نە يازىق ھله دە ازىنلەر- ازىنلار، بوغانلار- بوغولانلار ھابئلە سىخانلار
سىخىلانلار واردىر.

سەندەن اوز ائلين ازىلن، بوغولان، سىخىلان ائللەر جووغا سىيندا گۈرمۇش دور:

«عمرلوك زىدانميش بىس منىم طالعيم
قارادان قارايىميش آلىنەمەن يازىسى
دنىادا مندىن دە يازىغى اولامى
آرزىسى، دىلىيندە دانىشماق آرزىسى
اگر آه يئرىنە سىنه مەدن اود چىخسا
اگر بىر اود اولسام، ياندىرسام عالمى
يئر- گۆيىو، دنىانى، انسانى قارغاسام
قارداشىم قىناما، قىناما سن منى
ضحاكلار، نرونلار، ھىتلەر دنىادا
نىيلەسە، نىيلەسە، نىيلەسە، نىيلەسە
آچىگىلان تارىخى واراقلا باخگىلان
دىلىيندە دانىشما! دئمەدى بىر كسە
اووجولار اوولارى، قوشلارى اوولا يىب

٤٢ / سهند ايله قارداش آندي
توکونو داغيديب ايچسەلر قانيندان
اوردەيە قارغا تك قاريلدا دئمزىلر
ھئچ زمان، ھئچ زمان، ھئچ زمان، ھئچ زمان
يوردو مو ئيليمى دوستاغا سالانلار
سۈيلىھىن من داشام، تورپاگام، آخ نەيم؟
قويمورلار سۆزۈمۈ آنامىن دىلىنده
سۈيلىھىم ، سۈيلىھىم، سۈيلىھىم، سۈيلىھىم»

سهند آلنى نىن يازىسىن قارا، اۋزوندە عمرلوك قارانلىق زندان اىچره بىر
قارا بخت گۈرموش دور. چون اوونۇن ال چاتماز آرزوسو، باشقۇ ئىللرىن ھئچ
زمان يوخلوغۇن دوشۇنمەدىيى، ان ايلكىن دوغال انسان حقى، آنا دىلىنده
يازىب - او خوماق اولموش دور. اوونۇ باخىمىنдан بو حقى اوونۇ ھابىلە
ئىلى نىن اليىندىن آلانلار دنىانىن ان بؤيووك قان تۈكىنلىرىنىن دە پىيس
اولموشلار. چون او نلار انسانلار قانىن تۈكىسەلر دە، آنا دىلىن ياساق
ائتىمەمىشلر. آنا دىلىن ياساق ائدىنلر يېرىتىجى حیوانلاردان دا پىيس دىرلر.
چون ھئچ يېرىتىجى او ووچو، او وو باشقۇ بىر حیوان كىيمى سىس چىخارتماغا
مجبور ائتىمەمىش دىر. بونا گۈرە دە او اۋز دىنلە يېرىجى سىندىن اىستەمىش
اونو آجيقلانىب، انسانلىق دوشىمنلىرىن قىنادىغىينا گۈرە قىناماسىن.
سهندىن آجيقلانىمىسى، او جا سىلە ظالملر باشىينا باغىرماسى، ھئچ دە
يېرىسىز دئىيل. چون يارادانىن پاي وئرىدىيى دىلە قىفيلى وورانلار، انساندان
علاوه يارادانا دا قارشى دورموش، اوونۇ قاباغىندا دايىنمىش، اونا قاباراراق،
اوونۇ يازىسىن پوزماق اىستەمىشلر:

«يارادان دىل وئریب انسان دانىشا
ال- قولو وئریب حيات اوچون ووروشا
اورك وئریب سئوه، كوسه، باريشا
آمان دوستلار، من تبريزدن گلمىشىم
گناھيم: ثروتىم، دوشونجەم، ديليم
اوره يىم شان- شان دىير، باغلى دىير ديليم
آمان دوستلار، من تبريزدن گلمىشىم.»

انسانلىق دوشمنلىرى سەندەن ھابئله ملى آزادلىق اوغرۇندا آياغا قالخىب، حق
سىسىن اوجالىدان قوچاق ايگىدلەر لىغ ياخىب، آد قويوب، دامغا ووروب،
سونرا دا سىلىرىن بوغماق اىستەمىشلىر:

«نهدن كىچىك بىر خلق قالخىب، اويانىب
طالعىن حل ائتمك اىستەين زمان
اومانىزىمە قارشى تەلکە سانىب
قيشقىريق سالىرسىز ھر دؤرد بىر ياندان
حال بو كى منلىك، يورد، وطن آختارماق
ان طبىعى حق دىير، ھر بىر انسانا
حرىتىلە انسان كمال تاپاجاق
قوش قفسدن اوچا بىلمز بىر يانا
كۈلەلىيە قارشى ووروشان بىر خلق
مطلق نە ملتچى نە شۇنىسىت دىير
استعمار چىلىغا قارشى دوروشماق

٤٤ / سهند ايله قارداش آندى

انسان پرورلىيىن اوزو، ايچى دير

انسانلار بىرلىيى گۈزلى دير لكن

دنيا ئوشى، وطن او دادىر دئمك

أئوده نئچە قارداش اولسا، هر كسىن

آيرىجا او داسى، ديرلىيى گرك

طبعىي حس دير وطن پرورلىك

ملتچىلىك آدى وئريلمز اونا

دوغما بىر سئوگى دير تورپاق سئورلىك

تورپاق انسانلارا آنادرىر، آنا

هر كىس دنيا بويو خوش دولانسا دا

يئنه وطن دئير، وطن چاغىرار

قوشلار هاوالارا هاوالانسا دا

يئنه يئنر، گلر يوواسىن آرار.»

ملى حقلرى اىستەمك او مانىزمە قارشى بىر ايش دئىيل. بلکە او مانىزم
أوزودور. نئجه اولا بىلر انسان ھاميدان دانىشىسىن، آنجاق اوزوندن دانىشا
بىلەمىسىن. آنا دىلىيندە يازىب، او خويوب، دانىشماق ھر انسانىن ان ايلكىن،
دوغال حقى دير. او مانىزم انسان سئورلىك دئمك دير. بىر انسانىن اوز آنا
دىلىيندە يازىب- او خوماسى باشقۇا ئىللارلە دىللرە دوشمنلىك ساييلا بىلمىز.
آنا دىلى نىن گلىشىب، چىچكلىنمەسى باشقۇا دىللرین ازىلمەسى دئىيل.
انسان، ھامى نىن دىنجلېيى ايله ياناشى اوزونە دىنجلېك اىستەمەسى،
آرتىق يا دا يېرسىز بىر اىستە ك دئىيل. بوتون دنيانىن آبادلىغى ايله
بىرلىك دە آنا يوردون گۈزلىيى ايله آبادلىغىن اىستەمە يە هەچ كىمسە

پىيس دئىيە بىلەمز. شۇنىيىست اۆز ائل - اوباسى نىن او جالماسىن ترسىينە باشقا ائل - او بالارىن پۇزغۇنلۇغۇن دوشۇن دىر. فاشىيىست اۆز ائلى نىن او ستونلۇيو ترسىينە باشقا ئىللەرىن ال آلتىلىقى، كۈلەلىيى اوغرۇندا ساواشان دىر. راسىيىست اىسە او ستونلۇيو - بؤيو كلويو سويا - قانا با غلاماڭ اىستەين دىر. سەندەن بونلارىن هەچ بىرى دئىيل. او يالنىز اۆز دوغال انسانلىق حقىن آلماق اىستەين بىر انسان دىر. او او مانىيىست - اينترناسيونالىيىست اولدوقدا منطقى دوشۇنجه اساسىيىندا بىر ناسىيونالىيىست دىر. بو دا سەندەن دوشۇنجه سى نىن، يۈلونون دوغرو - دوزگۇن او لماسىن گۈستەرير.

٣- اومانيزم - اينترناسيوناليزم:

اومانيزم انسانليق، انسان سئورليك، هابئله سئوگى - سايغى ايله باشقما انسانلارلا داورانмагا دئييلر. اومانيست ايسيه اوزون بوتون انسانلارلا بير ساييان، آرتيق پاي، آرتيق دهير، هابئله اوستونلوك آختارمايان، باشقالارينا اوره بى يانان انسان دير. اينترناسيوناليزم بوتون سويilarى، ائللرى، ديللىرى بير گۈزدە گۈرمە يە، بيرلىك - بيرگەلىك، عدالت ايله داورانмагا دئييلر. اينترناسيوناليست ايسيه اوز سويون، ائلين هابئله ديلين باشقالارينكىنдан اوستون گۈرمەين انسان دير. يئر اوزونده هئچ انسان، هئچ ائل بو اينانجلارا قارشى دورا بىلمز. هئچ كيمىسى انسان سئورلىيە، باشقما سۆزلى اومانيزمە، اينترناسيوناليزمە پىيس باخا بىلمز. بو اينانجلارا پىيس باخان اوزون پىيس گۈستريپ، گۈزدن سالماقدان سونرا باشقما بير قازانچ آپارا بىلمز. آنجاق بعضىلر بو ايکى سۆزون آنلامىن يانلىش باشا دوشدوكلرى اوچون اونلارا ايليشديرىپ، قارشى دورموشلار. سونرا دا چئورهسىنده كىلىرى بو اينانجلارдан اوذاقلاشدىرماغا چالىشمىشلار. اونلار بئله بىلمىشلر اومانيست اولان اوزون اونودوب باشقما انسانلارى دوشونملى دير. اينترناسيوناليست اولان دا اوز ائلى نىن دردلرىن بوراخىب، باشقما ائللرىن دردى ايله اوغراسمالى دير. آنجاق هئچ ده بئله دئييل. اومانيست بوتون انسانلارين ياشامىن دوشونملى اولسا دا، هاميدان اونجە اوز ياشامىن دوشونملى دير. اينترناسيوناليست ايسيه بوتون دنيا ائللرىن دوشونرك، اوز ائلين اونوتمامالى دير. سهندە گلدىكده او قايغىلى بير ناسيوناليست اولسا دا، اوز ائلى نىن باش اوجالىغىن، يوردونون گۈزلىشىمەسىن، ديلى نىن گلىشىمەسىن اىستەسە دە، بوتون انسانلارى قارداش - يولداش سايىب، اونلارين

آغرىسىن اۆز آغرىسى بىلمكىلە، بوتون سوبىلارى، ئىللرى بىر گۈزىدە
گۈروب، اونلارىن آجىسىنا آجىماقلە، اۆزۈنۈن دوغرو- دوزگۈن بىر
اومانىست- اينترناسيونالىيىت اولماغانىن گۈستەرمىشدىر.

اومانىزم- اينترناسيونالىيىزلىرىن دوغرو آنلامىن آنلاماق اوچۇن، دوشۇنجهنى
دوغرو- دوزگۈن يېنلىنىدىرىمك اوچۇن، سەندىن شىرىن اوخوماق
گىركلىدىر:

«من انسان گۈرمە يە تلهسىرم، دوشۇرسىن؟ انسان! اۆزلىك، اۆزگەلىك
حد- سىدىنى آشىب، اوجالارا، اوجالارا دىرىماشىب، اۆزۈنۈ ھامىلار،
ھامىلارى اۆزو كىمى، گۈروب بىلەن انسان!»

سەندىن باخىشىندا اوجالماغانىن، اوللوغۇن تىكىجە يولو اۆزو ايلە اۆزگەلىرى
آپىرمىيان، ھامىنى انسان گۈرن انساندىر. بلکە دە بو، اومانىزلىرىن ان
ياخشى آچىقلاماسىدىر. سەندىن باشقىا بىر شىرىدە اومانىزىمە، ايشىقلىق،
ايستىلىك، ھابئلە سئوگى گۈزۈنده باخمىشدىر:

«ايشىقدان دوغورسا، ايستىلىك، ايستەك
قارانلىقدان دوغور، سويوق، آلدانىش
محبت آختاران، انسانلىق دئمك
اونا باش ائدىرىمىش، بونو قارغامىش!»

سەندىن باخىشىندا اولو انسانلارىن تارىخ بويو آختاردىغى حقىقت
انسانلىقدىر.

«تکامل آدلانان او بؤيوك قوت

٤٨ / سهند ايله قارداش آندي

ابدى ياشايير، بو بقالرده

انسانليق آدلانان، پارلاق حقيقت

گون به گون گؤتورور، او زوندن پرده»

سهندىن گۈزوندە انسانىن سون آماجى انسانلارا، انسانلىغا قوللۇق ائدىب،

يا خىشىلىق گۈستەرمك دىر.

«بئله ده اولماسا بير گون او لاجاق

يارادان اللرين امه يى بيردىر

مقدىد انسانلىغا خدمتدىر آنجاق

با خماز بو فەلەدىرى مىنىيىستىرىدىر.»

انسانلار، ئىللر، ھابئله دولتلر انسانلىق اساسىيندا ياشايىب، داورانماسالار دا،

او، او مودون ايتىرمە يىب، گلەجە يى آيدىن گۈرۈپ، او مانىزمىن

او ستونلۇيونه اينانمىش دىر. بو اينانچ سهند اوچون ھەلەلىك بير دىلک او لسا

دا، بو دىلکىدىن وا ز كىچىمە مىش دىر.

«بئلهدىر قارداشلىق، بئلهدىرى ايلقار

قارداشلىق سۈزۈنندە درين معنا وار

نه او لا گۈرۈشە بوتون قارداشلار

خصوصاً بىزىيم تك قارغىنيلەميشلار

پار تلايىب داغىيلا دانقا ز قايالار

يئرلە يىكسان او لا دمير قالالار

سۆزلۈكدىن پوزولا آيرىلىق سۆزو
 يوللاردان قازىلا آيرىلىق اىزى
 قارداش دئىيە قالخىب قوووشما انسان
 قانى يوما يالار داها قانىلان
 نە قال ما قال اولا، نە دە گىلئىلىك
 تارىخدن سىلىنىه دوغما- ئوگئىلىك
 قارداش تالاماييا قارداش امەيىن
 بىر- بىرى اىلە بؤلە حلال اكەمەيىن
 علمى، كمالينا خدمت ائىلە يە
 انسان، انسانلىغا ياراشا بىلە
 قانلار آخيتىمايا باشلى - باشينا
 وبالا دۇئىنمە يە علمى باشينا
 بومبا عوضىنىه درمان قايىرا
 هر كسىن حقىچە پايىن آيىرا
 نە توب، نە تانك اولا، نە دە كى ياراق
 تك جراح الينه وئرىلە پىچاق
 كسه اوركىلدەن كىن - كدورتى
 يېرىنە ياما ياما عشقى - الفتى
 دىنيانى بورو يە دوستلوق، محبت
 قارداشلىق، يولداشلىق، صداقت، حرمت
 اللرده ساز اولا، دىلە دە سۆز اولا
 آچىق اورك اولا، گولر اوز اولا
 من همت دىلەيىم، سىز دئىيىن آمین

٥٠ / سهند ايله قارداش آندى
حق انبيائكم اجمعين»

سهند بو شعرده انسانليق- او مانيزم ديله يين، گئنيش او لاراق آچيقلاميش دير. او دانقاز قايالارين داغيلماسى، دمير قالالارين سؤكولمه سى ايله آيرى دوشموش قارداشلارين، انسانلارين گئروشون ديله ميش دير. او نيسگيل ائتميش دير دئيشمەلر، ديديشمەلر، آتىشمالار هابئله ساواشلارين كؤكۇ قوروماقلا انسانلار بىر- بىرين اولدورمكден، قان تۈكمكден، سونرا دا قانى، قانلا يوماقدان ال چكسينلر. او اىستەميش دير اۆزلۈك - اۆزگەلىك، اۆگئى - دوغماليق كيمى انسانلارى بىر- بىريندن آييران آنلامالار انسانلارين دوشونجەسىيندن سىلينسىن. او آرزو ائتميش دير بىلگى انسانا انسانليق آماجينا چاتماقدا ياردىم ائتمك يېرىنە، او نا ساواش ياراقلارى قاييرماقدا ياردىم ائديب، داها آرتىق قان تۈكۈلمە يە نەدن اولماسىن. بىلەلىكلە آغرى- آجي، غم- غصە گئدىب، يولداشلىق، قارداشلىق، سئوگى، سايىغى، دوزلۇك، هابئله آريلىق- دورولوق اونون يېرىنinde او تورماقلا، گولوش قىنچاسى دوداقلاردا آچىلا، اور كلرە ايشيق ساچىلا، قىساجا يئر اوزو گرچىكىن بىر جنتە چئوريلىه.

«سېلىكىنك نخوتىن كىن- كدورتىن
اۋپوشك، گئروشك بىر باغير اولاقد
يا خامىز قورتارسىن بو فلاكتىن
داملالىقىدان چىخاقد، دنىزە دولاق
اڭل گوجو- سئل گوجو دئمىش آتالار
انسانلار بىرلىشىسى دنيا جنتدىر

نه آجليق، نه اولوم، نه دهشت قالار
بو نه قير ها قيردىر، بو نه وحشتدىر؟
حيفدىر بولۇغنىش، بو گۈزىل دنيا
دارالا انسانا جهنم اولا
درىلە، آيرىلا گول قىنچا- قىنچا
آچمامىش سارالا، آچمامىش سولا»

سەندىن آرزو سو انسانىن مەنلىكىدىن، اۋىزلىكدىن قورتولوب، انسانلىغا اوز
گتىرمەسى، كىن - كدورتلرىن، ساواشلارين كۆكۈ قوروپىوب، انسانىن يئر
او زوندە آجليق، اۋلۇم ھابىلە قورخو دولو ياراتدىغى جەنمەين، جىنتە
چئورىلمەسى او لموش دور. سەندىن اينانمىش دىر درە بەيلىك، منچىلىك،
منلىك - اۋىزلىك آختارما سورەسى بىر گون سونا چاتىب، ظالىملار گورا
گۈندىرىلىپ، ظىلم تىللى سارايىلار ايسە يىخىلىپ، ياخىلار.

«درە بەيلىك دۈزىرگەسى دولانسا
گورا گۈندىرىلىر منم دئىنلەر
ظولوم سارايىلارى آليشىسا يانسا
زاواللى انسانلىق بىر نفس چىكىر.»

سەندىن باخىشىندا انسانلىق انسانىن ان بؤيوك دىلە يىدىر:

«افسانە، انسانلىق سىن- سىن آختاران
ايدهآل دنيانىن تېسومودور

٥٢ / سهند ايله قارداش آندى
حيات دا تجسم تاپيپ - تاپمايان
بئيوک آرزو لارين تر نمودور.»

انسان اوزون تانييان گوندن بو گونه جه، مين ايللر بويو آخтарديغى
حقiqet، مدineh i فاصله، ايده آل دنيا، سعادت، هامىسى انسانلىقدان باشقا
بىر زاد دئىيل. او گرچك دنیادا اوز آخтарديغىن تاپا بىلمە يىب، ديله يىنه
چاتا بىلمە دىكده اوز ايستە دىيىن خيال دنياسىيندا ياراتماقى
دوشونموش دور. بو يول ايله درين آنلاملى، اينجه دويغولو ناغىللار هابئله
اسانه لر يارانميش دير.

«نه ايندىدەن، نه دونندىن، بشريت دوغان گوندىن. قودوزلارلا چىنگە لشىمك،
عصرلردىن، عصرلره، ياشايىشدان آيرىلمايان، آردېجىل بىر واقعە دير، ايلك
ازلدىن، ايش بئلە دير. بشريت ان قدىمىدىن، بو مقدس تلاشىنى، قودوزلۇغا،
ظللمە قارشى، دايىنمايان ساواشىنى، اسنانه لر بىچىمىنىدە، قورا شىدىرىميش،
نشان وئرمىش.»

نه يازيق قودوزو، ظالمى، دىليلە، دينجىلىكىلە يئرىنىدە او تور تماق
اولمامىش دير. بونا گئورە دە انسان دينجىلىيە چاتماق اوچون دينجىلىك
پوزانلارين دينجىلىيەن پوزوب، اونلارلا آتىشىپ، ساواشماغا مجبور
اولموش دور. انسان بو سونسوز ساواشى اسنانه لر، ناغىللار بىچىمىنىدە
قورا شىدىرىپ، يازمىش دير. سهند انسانلىق تمللى يئنى قورولوشلارين
قورولماسى اوچون يالنىز آرزو ائتمە مىش دير. او بوتون انسانلارى، بوتون
ائللرى، انسانلىق يولوندا آتدىم آتماغا، بو قوتىسال آماج اوغرۇندا چالىشماڭا
چاغىرمىش دير:

آزغین هوسلره قاپانیب، جوشوب
قورد کیمی سوساما قارداش قانینا
تمیز دویغولارا دوغرو اوغراشیب
مرهم قوى انسانین يارلارينا
تاريخلرین هر بير قانلى واراغى
انسانلىق اته يىنه لکه دىر، لکه
آغانات هر طرفه چايى - ايرماگى
لکه لر يويولسون سوilarدا بلکه
انسانا ياراشيق سئوگى - ايسته كدىر
ياراماز خصلت دىر، كين باغلاماقلار
انسانا ياراشان كؤورك اور كدىر
وجдан خسته سى دىر، بوتون شيلتاقلار»

سنهن انساندان ايسته ميش آزغين اورک ايسته کلرينه آلدانيب، بويون
ايملله، قودوز قورد كيمى باشقان انسانلارين قانين تؤکوب، تاريخين قانلا
بويانميش وارقلارى نين سايىن آرتيرىب، انسانلىغىن باتيق اته يىن داها
آرتيق باتيرماسىن. اونون باخىشىندا انسانا ياراشان سئوگى- سايىغى هابىلە
كؤورك اورك دىر. بونا گئورە ده او انساندان ايسته ميش آرى- دورو
دويغولارلا يارالى انسانلارين ياراسينا مرهم قويوب، بو يول ايلە انسانلىق
اته يىن باتيرميش كىرلرى يوسون. سنهن دونه- دونه انسانى انسانلىغا
چاغير ماقدان يورولما ميش دىر:

»اودور کی انسانیق بیر پری کیمی

٥٤ / سهند ايله قارداش آندى

داغلارين باشيندان بيزى سىسلە يير

بعضاً ده بورونور گؤيرچىن دونو

ساحلسىز گؤيرلردن او مود دىلە يير!»

«گل انسان اولادى، وئرك الـ الله

سيخيرام اليوي قارداش الى تك

اور كلريميزلە، اللريميزلە

انسانلىق آدىنا آبىدە تىك

بىرلىك ده انسانلىق بويلارىن چالاق

وآللاھى، حقين ده گۈزو بىزدىد

قارداشىم وورغوندان سۆز ده بورج آلاق

سعادت چىрагىي اليمىزدىد.

ان او جا داغلارдан او جالىقدا، ساحلسىز گؤيلردن حق سىسين او جالدىب،

انسانلىق بايراغىن قالدىرىب، انسانى انسانلىغا چاغىرانلارдан بىرى سهند

اولموش دور. اونون باخىشىندا سعادته، آغ گونه چاتماغانىن تكجه يولو،

انسانلارين قارداشلىقى، ال بىرلىبى، انسانلىق دېرلىرىنه سايغى گؤسترىب،

او اساسدا داورانىب، ياشاماڭدىر. او بويول ايله انسانلىق تمللى يئنى

قورو لوش قوروب، انسانلىق آبىدەسىن تىكمك ايستەميشدىر.

اومانىزمىلە اينترناسيونالىزم بىر- بىريندىن آيرىلان دئىيل. انسان اۆزۈ كىمى

بوتون انسانلارى ھابئله اۆز ائلى كىمى بوتون ائللارى سئوملىدىر. سهند

بئله بىر انسان اولموش دور:

«پوزماق ايستەمیرم من بىرلىكلىرى

انسانلىق بيرليبيي ايده آليم دير
قارداشلىق، يولداشلىق، ابدى باريش
دنىادا ان بؤيوك آرزولاريم دير.»

سنهندين ان بؤيوك ديله يى، انسانلار بيرليبيي، قارداشلىق، يولداشلىق،
ابدى باريش اولموش دور. او هئچ اولكەنин داغىلماسىن، هئچ ساواشىن
يارانماسىن، هئچ قارداشلىغىن پوزولماسىن اىستەمه مىش دير.

«بوتون انسان، خيردا، كلان، بير باغير تك قوووشمادان، قارداش دئىه آند
ايچىمەدن، بو قورتولوش يولوندان من، دئۇننمەرم ھرگز بير آن، ھله- ھله
عىرق بيرليبيي، قان بيرليبيي زىرناسىنى چالانلار وار دنيامىزدا! قان
قارداشىم، وطنداشىم، محكوم انسان دردى دئىه، هر آغريوى، هر
دردىوي، چكىرم اوز دردىم كىمى. شىلىيىن ده، غمىن ده ده، سىنىلەيم،
سىنىلەيم. تام انسانلار بشرىت، آغ، قىرمىزى، سارى، قارا، قارداش دئىه،
سىرداش دئىه، قوجاقلاشىب اوپوشىمەدن، دوغمالىقلار، قارداشلىقلار، دوام
ائدىب ياشا ياجاق!»

سنهندين باخىشىندا سوى بيرلىيىندىن، قان بيرلىيىندىن دانىشماق،
انسانلارى بير- بيريندىن آييرىب، اوذاقلاشدىرىپ، بير- بىرىنىن جانىنا
سالار، بونا گئره ده او بوتون انسان سوپىلارى نىن، بوتون ئىللرىن
بىرلشمەسىن اىستەميش دير. اونون باخىشىندا بو بيرلىك باش توتمايىنجا
أوزلوك- أوز گەلىك ساواشى سونا چاتمايىب، انسان بارىشا، دىنجلەيە
شنلىيە، قىساجا سعادته چاتمايا جاق.

«ساى دا چوخلوق ھم ده اورك ده بيرلىك

٥٦ / سهند ايله قارداش آندى
چو خلوق دئديكده بيز بونو گزيريك
بو چو خلوق دا انسان بختيار اوilar
هر بير چتىنلىيە انسان غلبه چالار
بو چو خلوق يعني كى، دوستلوق، محبت
بو چو خلوقدان دوغور يالنيز حقيقىت
چو خلوق نه كى ووروب- ووروشماق اوچون
انسان بير- بيرينه قوووشماق اوچون
حيات ميدانيна بيرلىكده وارماق
دومانلى داغلارين باغرىنى يارماق
قەھار قوهلرلە چىنگەلشىرك
انسان دوشمنى نىن باغرىن دئشىرك
انسانا دىنج حيات قوروب ياراتماق
كمال ذىروهسىنە دىرماشىب چاتماق
بىرلىكده چالىشماق، بىرلىكده يئمك
هامىنى بير، بيرى، هامىدا بىلمك»

سهند انسانلارين يولداش، آرخاداش، اوركبير، هابئله ال بير اولماسىن دىلەميش دىر. او بو بىرلىكدىن يارارلاناراق دنيا او زرىننده سئوگى، سايغى تىلللى يئنى بير قورولوش قورماق ايستەميش دىر. اونون باخىشىندا انسانىن مىن ايللر بويو گىلى - گىلى آختاردىغى حقيقىت انسانلىق، سعادت ايسيه انسانلىق اساسىندا ياشاماقي دىر. او انسانلاردان ايستەميش بو بىرلىبى ياراتماقا بوتون قارانلىقلارين، بوتون دومانلىقلارين هابئله بوتون انسانلىق دوشمنلىرى نىن باغرىن يارىب، دئشىب، بوتون انسانلارى اونلارين اليىدىن

سەندەن اىلە قارداش آندى / 57

ھابىلە اونلارين اليلە يارانميش قارانلىقىدان چىخارىب، آغ گونه، ايشيقلىغا، دىنج حياتا، قىساجا سعادتە چاتدىرسىنلار. سەندەن عمر بويو بو دىلكلە ياشامىشدىر. اونون اىستەيى بوندان سونرا آيرى بىر زاد اولمامىشدىر.

«كىك دنياميزدان كىنهنىن كؤكون
عشقدن يئنى بىر قورولوش قوراق
ۋئرك شمشىكلە قاناد - قانادا
گئدك اولدوزلار، گونشه قوناق»

سەندەن باخىشىندا اوجالىغا، ايشيقلىغا چاتىماغانىن تكجه يولو كىنه- كدرىن كؤكون قورو دوب، انسان سئوگىسىن، انسانلىق سئوگىسىن اونون يېرىنinde او تور تماقدىر. بۇ يېنى قورولوشون قورو لماسى اوچون سەند يازىق كوتلەلرین، ال آلتى ائللەرین ال بىر اولوب، انسانلىق دوشمنلىرى اىلە بىرلىك دە ساواشماغانىن گۈكلى بىلمىشدىر.

«انسانىن دردىنى آختارىب - آرا
آغرييان يئرى گئور هاردادىر، هاردا؟
درد تاپىلما يىنجا تاپىلماز چارا
سۆزلە يوخ درمانلا ساغالار يارا
سيىنib، او وخار لانىب، ازىللىرە
دورو شماق، دىرىشمك يولونو گؤستر
آنلات منلىيىنى ايتىرنلەر
دلى، دلى گۈرسە، چوماغىن گىزىلر

٥٨ / سهند ايله قارداش آندى

قويون اولماق اولماز، قورد اولان يئرده!

پاسيو انسانچيليق مطلق يانليش دير

درمان اولا بيلمز، يالوارماق درده

انسانين قورتولوش يولو ووروش دور»

سهندىن باخىشىندا ئالمىرىنىڭدىن قورتولماق اوچۇن انسانلىقدان
دانىشماق يئتمىز، چون ياوان سۆزدىن هەنج نە چىخماز. دالدادا اوتوروب
اومانىزىمدىن دانىشىب، انسانلىغى ئويوب، استعمارى پىسلەمكىلە بىر يئرە
چاتماق اولماز. بو بؤيووك دىلەيى گرچىلىشىرىمك اوچۇن دايانيب،
دېرىنمك ھابئلە ساواشىب- دؤيوشمىك گرک دير.

«قوى يايىلىسىن قوجا شرقە

بو چوو، بو سىس باشدان- باشا

بىز ستمكىش خلقلىرى

چاغىرىرىق قورتولوشا

گلىن ئىللەر ال بىر اولاق

وراق، يىخاق غصبكارى

قودوز دىشلى اشغالچيدان

تميزلەيىك ھر ديارى

بر باد ائدك يئر اوزوندىن

بايقوشلارىن يوواسىنى

ساهمانلاياق سعادتىن

قارداشلىغىن دنياسىنى.»

نەدنسە يوخسوللوق، بىلگىسىزلىك، گوجسوزلوك، قىساجا يازىقليق دوغۇ ائللرین، وار - دولت، بىلگى، گوج قىساجا اوغور ايسە باتى ائللرین گلىب تاپميش دىر. دوغۇ ائللرىنىن دالى قالماسى نىن نەدلرین بىلمك اوچون گئنىش آراشدىرمالار آپارىلىپ، يئنە ده آپارىلمالى دىر. آنجاق بورادا بو يازىقلىغىن نەدلرېندىن يوخ، اونلارى آرادان آپارماق يوللارىندان سۆز گئدىر. سەندىن دوشونجەسىنە دايىتاراق بو يازىقلىغى آرادان آپارماق يولوندا آتىلان ايلك آتدىم، يازىق كوتلەلرى اوپالدىب، ال بىرلىبىه چاغىرماق، سونرا دا بىرلىك ده، ال - الله دوغۇ اۋلۇكھەلرین، باتى استعمارچىلارى نىن اليىدىن قورتارىب، بو قان تؤكىن قودوز قوردلارى، وېرانلىق سئۇن بايقوشلارى بورادان قوووب، دوغۇ ائللرین اونلارين اليىدىن قورتارىب، آغ گونه چاتدىرماق دىر.

باتى امپرياليزمىن يانلىش يولدا يئرىمەسى نىن نەدنسى، اونون يېرىتىجىلىق اۋزلىيىنىن قايىناغى، ھابئلە تۈرەتتىبىي جنايىتلرىن سببى اونون ايناندىغى يانلىش فلسفة دىر. سەندىن دا يانلىش فلسفة نى بوتون پىسىلىكلىرىن قايىناغى سانمىش دىر. بونا گۈرە ده ائللرى آيىدىب، او فلسفة نىن پىسىلىيى ايله تانىش ائدىب، انسانلارдан اىستەميش اونا اوپوب، آلدانماسىنلار.

«دوزدور موھوم اينام يولو كىسن دىر
اينامسىز انسان دا بىر اھرىمن دىر
كيمسىدە اينامقا ايمان او لماسا
انسانلىق نە حالا قالار، نە حالا؟
بىر يىغىن مقصدىز، هدفسىز قىسراق

۶۰ / سهند ايله قارداش آندى
ايشى دال - قاباغين، قارنىن اوتارماق
نه وطن، نه مسلك، نه يول نه آيىن
نه ايستەك، نه ايلقار، نه دوستلوق، نه كين
نه قايىنى، نه كمك، نه زحمت، نه ايش
نه گئوروش، نه گولوش، نه گلىش - گئدىش
حياتا، وارلىغا ديرك دير ايمان
بىلمىرم هر نه يه اينانسان اينان»

سهندىن يانلىش ھابئلە پىسىلىك قايناغى ساندىغى باتى فلسفةسى
نهيليزم يا پوچلوق فلسفةسى دير. بو فلسفة يه گئورە دنىانىن نه ايلكى وار،
نه سونو. ياشام ايسە آماجىسىزدىر. انسان هئچ نه اوچون، هئچ كيم اوچون
بوخ، يالنىز اوزو اوچون ياشامالى دير. اوونون اوچون اونملى اولان داها چوخ
قازانماق، داها چوخ ماديات، وار - دولت توپلايىب، اونلاردان بارىنماقلار
بوللوق اىچىنده اولدوقدا دىنج ھابئلە شن ياشاماق دير. بو فلسفة يه
اينانمىش انسان اوچون اومنىزىم - اينترناسيونالىزم بوتونلو كجه دەيردىن
دوشر. چون باشقۇ انسانلارى، باشقۇ ئىللرى دوشۇن انسان چوخ قازانىب،
چوخ پارا توپلايىب، وار اىچىنده اوينايىب، مادى ياشامىن دادىن چىخاردا
بىلمىز. بونون اوچون ده بو فلسفة يه اينانانلار انسانلىقدان اوذاقلاشىب،
حىوانلىغا ياخىنلاشىرارلار. باشقۇ سۆزلە وار - دولت اوچون بوتون انسانلىق
دەيرلىرىن پوزوب، انسان حقلرىن تاپدالا يىب، ھر اسگىكىيە، ھر اسگىكلىيە
بويون ايرلر. بئلەلىككە منلىك ايله اوزلوک آختارماق، انسانلىق آختارماгин
يېرىن توتار. بوتون ساواشلارين قايناغى - كؤك بودور.

«اودور منم- منم دئىيە بانلادىق
مامىز يارار- يارماز، خورۇزا دؤندوک
اۆزۈمۈز دىمىدىكىلەدىك، قانلادىق
قان تۈكۈدۈك، قان اىچدىك، قودۇزا دؤندوک
بو قودۇرغانلىقىدان، بو آزغىنىلىقىدان
درە بەيلىك قورولوشو تاپىلىدى
توبپۇم حىيات اوچۇن يارانان انسان
فردىتە سارى دؤندو قاپىلىدى
اودور كى انسانلار اۆزۈ، اۆز- اۆزۈن
بىر تىجى قوردلارلا دەيىشىك سالىر
ياراماز ھوسلىر كور ائدىر گۈزۈن
دومانلار اىچىنده بوغولۇر قالىر»

امپرياليزمىن تۈرەتدىيى جنايىتلەر، قان- قان دئىيىب، قان تۈكۈب، قان
ايچىب، قانلى ساواشلارا نەدن اولماسى، هېچ نە يە اينانماقىدان، هېچ نە يە
باغلى اولماقىدان، اۆزۈندىن سونرا هېچ كىمسەنى دوشۇنەمكىن، ھەر نە يى
وار- دولت دە گۈرمىكىن قايقاقلانمىش دىر. داها چوخ قازانىب، وارلانماق
اوچۇن گوجىلىمك گىركىدىر. گوجىلىمك اوچۇن دە اىش باشىينا كىنچىب،
باشچىلىغا چاتىب، انسانلارى- ائللرى ال آلتى، قول- كۈلە ائدىب، بوتون
قازانچ يوللارين الله كىنچىرىب، انسانلارين- ائللرىن چۈرەيىن كىسىب،
قازانجىن- گلىرىن يىيەلىنىب، اولدوچجا چوخ وار- دولت الله گتىرمك
گىركىدىر. بو ايشلەر دنيا امپرياليزمىنىن يوز اىللر بويو گۈردويو ايشلەردىر.

٦٢ / سهند ايله قارداش آندي

«بئش گونلوك باشچىلىق دالىجا قاچان
بىر پارا دار گؤزلۇ يول گؤسترنىلر
نهدن ال چكمىرلە بىلەم انساندان
نه وئىپىلر؟ آلا بىلەمەرلە مىگە؟
اويدورما سۆزلىلە بوش شىلتاقلىقلە
قارداشى قارداشلا ووروشدورلار!
تام حىاسىزلىقلە، تام آلچاقلىقلە
آرا قاتىب، آرا قارىشدىرىرلار
قارداش دوشمنلىيى دەشتدىر، دەشت
امك قارداشلارى ايچەرە خصوصاً
بوتون امكداشلار قارداشدىر البت
بو آسىلى دئىيل سويودان، وطندىن»

امپرياليزمىن پوچلوق فلسفەسى، وار - دولته چاتماق، اونون اوچون سون
اماچا چئورىلمىشدىر. بو آماچا چاتماق اوچون او، انسانلارى، ئىللرى،
اوزلىكىلە قارداشلارى - يولداشلارى بىر - بىرىنە دوشمن ئىدىب، بىر -
بىرىنinin جانينا سالىب، قانلى ساواشلارا نەدن اولماقدان چكىنمه مىشدىر.

«گۈردوک نىچە سوخدو اوزۇن آرایا
قارداشى، قارداشا دوشمن ئىليلەدى
سولارى آخىتدى اوز يوخارىيا
انسانلىق اورەيىن آل قان ئىليلەدى

...

بىرلىك الى وئيرىمپريالىزىمە
آزادلىغا قارشى ال آتىپ كىنه
تەھلکە تۈرەدىر خايىنجەسىنە
بىن اللەللچىلىك آبىدەسىنە»

سەندەن انسانلارى سوپەلارىندان آسيلى اولاق بىر- بىریندىن آييرمامامىش دىر.
اونون باخىشىندا يئر- يورد اسir ائللىرى بىر- بىریندىن آيىرا بىلمىز. آنچاق
امپريالىزىم بو حقيقتىلىرى سايىمادان- گۈرمەدن انسانلارى ائللىرى بىر-
بىرىنىن جانينا سالىب، اومانىزىم- اينترناسيونالىزىملە اولان دوشمنلىيin
دۇنەلرچە گؤستەرمىش دىر. هېچ بىر ائل امپريالىزىم الىلە سوبولوب،
داغىلىماق اوچون اونا قوجاق آچىب، اونو اوز يوردونا چاغىرمامامىش دىر.
امپريالىزىم تارىخ بويو ھمىشە چاغىريلما مامىش قوناق كىمى يازىق
كوتلەلرین، يوخسول اۆلکەلرین يوردونا سوخۇلموش دور. اونلار ائلى
سويماق، انسانلارين قانىن سورماق آدىنا يوخ بلکە انسان حفلرىن
اودەمك، آزادلىق اساسىندا قورولوشلار ياراتماق ھابئلە اۆلکەلرى آبادلاماق
آدىنا بو ايشى گۈرمۇشلر. اونلارين بوتون سۆزلىرى باشدان باشا، بوش،
يالان ھابئلە اويدورما اولموش دور. سەندەن بو يالانچى اومانىسىت-
دموكراتلارى بىلە تانىتدىرىمەش دىر:

«چاغىريلما مامىش قوناق كىمى، يوردو موزا سوخۇلۇلار، گۈردو ك اىكى
گۈزلىرى وار، بىزە بىلە دئىيلر كى: لىنگى او زون ارسىن بوغاز، اوتورار كىن
آياقلارين ماسا اوستە دير ماشدىران، بو دايلاقلار، انسانلىغى، آزادلىغى،
قوروماقدچون، وطنىندىن باش گۈتۈرۈپ، ديار- ديار، گزىشىرلىر، دولانىرلار!»

٦٤ / سهند ايله قارداش آندى

امپرياليزم هئچ بير آن دئديي سؤزلره اينانماميشدир. اونون ايسلرى نين
هامىسى اينانج اووزوندن يوخ، بلكه قازانج اووزوندن اولموش دور.

«دؤندوم سؤزلريمە دوام ائدرک
بوغازدان يوخارى انسانچىلارا
منيمكىن اويناداق، سينكىن يئيك
دئين استعمارچى يالانچىلار!!
آمانسيز اومانىست اينتلگىتىر
انسانچىلىق داشىن دؤشه وورانلار
بىن المللچىلر، امپرياليستلىر
مدنىت كىشىيىيندە دورانلار»

يالانچى استعمارچىلارين انسانچىلىق، اومانىزم - اينترناسيونالىزم ھابئله
مدنىت شعارلارى، يازيق كوتلەلرىن يوردونا سوخلوب، اونلارين يئر آلتى -
يئر اوستو وارين تالايىب، ائلين قانين زلى كىمى سورماق اوچون بير
ياراغا، چوماغا چئورىلمىش دىر.

«نهدن كىچىك بير خلق قالخىب، اويانىب
طالعىن حل ائتمك ايستەين زمان
اومانىزمە قارشى تەلکە سانىب
قيشقىريق سالىرسىز ھر دؤرد بير ياندان»

سنهنده اومانيزم شعاري وئرن انسانليق دوشمنلرى اولان استعمارچى
امپرياليستلره بئله اوپيود وئرمىشدىز:

بورنوز يئللنمەسىن چوخلۇقدان، زوردان
انسانپرور گىدىشلەردە تاپىلىن
انسان اولا بىلمز، انسان آلدادان
اومنىزىمىن اىچ اوزونە قاپىلىن.»

استعمارچیلار سهندین اوپودون ائشیتىسەلرده، اونون سۆزلىرىن بو قولاقدان آليب، او بىرى قولاقدان اۇتۇرمۇشلار. سهند ايسە اۋەز اينانجىنidan دۈنمەميشدىر. نئجه اولسا دا او انسانچىلىق بايراغىن بىر آن يئرە قويمايىب، اومانىزىم- اينترناسيونالىزم اينانجىندا دايامىشدىر.

«مiliyon اورك چىرپىنir! من او كېنەيم كى، دنيادا حىات آدلى، شعلەيە وورولموشام. يانسام دا باكىم يوخدور، ازلەن بو سئودادا، يانماغا دوغولموشام. اىچىمەد اورھىيىمەد، انسان ايدەآلىنىن، افقسوز دنياسى وار. عشقىمەن، اينانجىمەن، دالغاسى داغلار بويوندا، ساحلسىز درياسى وار!» سهند اومانىزىمى، اينترناسيونالىزمى باشقى سۆزلە بوتون انسانلارى، بوتون ئىللەرى دوشۇنرک، اۆز يورد داشلارىن، اۆز ئائىلەن اونوتىمامىشدىر. اونون باخىشىندا اينترناسيونالىزمە ناسيونالىزمەن ھەرسىنىن اۆز يئرى واردىر. دوغىما ئائى دوشۇنرک باشقى ئىللەرى اونوتىماق يا دا بوتون دنيا ئىللەرىن توتوب، دوغىما ئائى آتماق دوز دئىيل. بونلارىن ھر ايکىسى ده يانلىش ايش، هابىلە آزغىنلىقدىر.

٦٦ / سهند ایله قارداش آندى

«كۈلەلىيە قارشى ووروشان بىر خلق

مطلق نه ملتچى، نه شونىست دير

استعمارچىلىغا قارشى دوروشماق

انسان پرورلىيىن اۋزو، ايچى دير

انسانلار بىرلىيى گۆزل دير لەن

دەنيا ئوسمە، وطن اوادا دير دئمك

أئودە نئچە قارداش اولسا ھەر كىسين

آيرىجا اواداسى، ديرلىيى گرگ

طېبىعى حس دير وطن پرورلىك

ملتچىلىك آدى وئريلمز اونا

دوغما بىر سئوگى دير تورپاق سئورلىك

تورپاق انسانلارا آنادىر آنا»

بعضىل اينترناسيونالىزمىن آنلامىن پىيس باشا دوشدوكلرى اوچۇن بئلە
بىلەمىشلر ناسيونالىزمدن، ملى اىستەكلەرنى، آنا دىلىنىدىن، آنا يوردوندان
دائىشىب، اونلارىن يولوندا آتىدىم آتىب، ايش گۈرمك اينترناسيونالىزم
يولوندان چىخماق دير. باشقۇ سۆزلە بو كىمىلىرىن باخىشىندا
اينترناسيونالىزم، ناسيونالىزمىن قارشىلىغى اولدوغو اوچۇن هېچ بىر
اينترناسيونالىيىت، ناسيونالىيىت اولا بىلەمىز. آنجاق سەندە ئوركىدىن اينامىش
بىر اينترناسيونالىيىت اولالى، اۆز آنا يوردون، آنا دىلىنى سئون بىر
ناسيونالىيىت اولموش دور. بونا گۈرە دە تاپدالانمىش ملى حقلر اوغرۇندا
دايانىب، دىرەشمك، استعمارىن كۈلەلىيىنىدىن قورتولماق يولوندا
چالىشىب، ساواشماق، اونون گۈزۈنده انسانلىق يولوندان چىخماق

سايىلمامىش دىر. ترسىنە سەندە بۇ ايشلىرى انسانلىق يولوندا دىيرەنىش سانمىش دىر. باشقۇا ئىللەرى كىچىك گۈرمەدن، هەچ بىر ئىلە توخونوب، ضرر يئىرەتىمىش دىر، دوغما ئىلىن باش او جالىغى اوغرۇندا چالىشماق ياخشى آنلامدا ناسىيونالىزم دىر. شۇنىزىم باشقۇا ئىللەرى كىچىك گۈرۈب، آشاغى سايىماق دوشۇنجهسى دىر. هەچ بىر آن سەندىدە بئەلە بىر دوشۇنجه اولمادىغى اوچۇن اونا شونىست آدى وئرمك يئرسىز ھابئلە يانلىش دىر. ئائىلە عضولىرى نىن ھر بىرى او اىپچە آىرىجىا بىر او تاقدا ياشاماسى اونلارىن دوشىمنلىبى، ھابئلە او عائىلەنىن داغىلىماسى آنلامىندا اولمادىغى كىمى دەنیا ئىللەرى نىن يوردىسئورلىبى، ئىل سئورلىبى ايىسە اونلارىن دوشىمنلىبى آنلامىندا او لا بىلمىز. سەندە، ايناندىغى ناسىيونالىزمە قارداش آندى آد وئرمىش دىر:

«مدنیيت يو كىسلسە دە، او زاڭ يوللار قىسالسا دا، علم - صنعت انسانلارى، بىر - بىرينه باغلاسا دا، انسانلىغا چوخ ياراشان، او مانىزىمە، انسانچىلىق، مترقى، اينترنشنال، فكىلرى، حسلرى، حقى سئور، انسان پرور، اور كىلىرى قاپساسا دا، يوز افسوس كى قارداش آندى كىمى بىر حياتى نىن، نابالغلىق عادتلرى، ھله - ھله زورلولارين ملتچىلىك دويغولارى، قارشى سىندا لازمى بىر، سلاح كىمى ساخلانىلىر. بۇ ياراماز چاخناشمانىن آغا جىينى كىملىر يىتىرى؟ وارى - يوخو اوغرۇلانيش، دالى قالماشىش، دوغرانىلىميش، كىچىك ئىللە بىز كىملىر. انگلستان، آمئريكا، فرانسا يى ايتاليا، اسرائىللى، عرب، زىمن، ھەنگام دا، بۇ گون، دونن، ملتچىلىك آندلارىندا، دايىناراق بىلە آنجاق، ھۇنكۈرۈرلەر، گۇوهنىرلەر. كىمسە بونو آچىق - آيدىن، اورت - باسى دىرسىز دئمەسە دە، بىرىت دورەسى نىن، قانۇنلارى ھله - ھله، شدت

۶۸ / سهند ايله قارداش آندى

ايلن حكم سورور. ائل- آرخاسىز مليتلر، هله گوجلو چوخلوقلارين،
طعمهسى دير، كؤلهسى دير...»

وارى- يوخو اوغورلانميس، يوردو دوغرانىلىميش، دالى ساخلانىلىميش،
دنيانىن وارلى- گوجلو اولكەلرىنىن يئمينه- كؤلهسىنە چئورىلىميش،
يوخسول، گوجسوز، آرخاسىز يازيق ائللرین اليىنده قالان تكجه ياراق
قارداش آندىنا بااغلى قالماق اۆز ائلىنە آرخالانماق اولموشدور. سهند
قارداش آندىنا داياناراق ايسلرى قاباغا آپارماغا، اوشاقلىق، كاللىق آدى
ۋئرسە دە امپرياليستلىرين، استعمارچىلارين يولونا ايسە بىرىت- وحشىت
آدى وئرمىشدىر. سهندىن باخىشىندا بو وحشىلىيىن قارشىسىنا
اوشاقلىق اۋېرنىجى ايله چىخماق، او قدر دە پىيس سايىلمايير. سهندىن
باخىشىندا اومانىزىم- اينترناسيونالىزم دوشونجەسى يايىلىب، اوركلرددە
اوزونە يئر آچسا دا هله لىك هئچ ائلين، هئچ دولتىن ياشامىن- ايشىن
يۈنلەندىرە بىلەمىشدىر. آنجاق او گلەجه يە او مودله باخمىشدىر. او آرزو
ائتىميشدىر بو وحشىلىك ھابئلە بو اوشاقلىق چاغى سوووشوب، انسان
بؤيوىوب، دوشونوب، بىر عائلە كىمى بىر- بىر يە قوووشسون.

«قىيلەچىلىكدىن، بىرىتىدىن
مدىنى حياتا يوكىلىن بىر
بىر گون دە ال چكىب كىن- كدورتىدىن
بىر عائلە كىمى قوووشما بىر
ھلە دە- ھلە دە انسان اوشاقدىر
ھر يئر دە اۋۇزونە يانچى آختارىر
ھمىشە نابالغ قالمايا جاقدىر

باخسان ياواش- ياواش ساققال چيخاردير.»

سنهند انسانلارين آييليب، دوشونوب، يئتگين لشمەسى اوغرۇندا عمر بويو
چالىشمىش دىر:

«من، انسانلار بير- بيرىنىن، قارداشى دىر، سيرداشى دىر، دئيه بير گون،
ايکى گون يوخ، عمر بويو هاراى چىك، قلم چالىب، بوغاز يېرىتىپ، شعر
يازىپ، ياراتمىشام. حياتىمىن كتابچاسىن، واراقلا باخ، گؤر كى آنجاق،
ھئچ دردىمى، ھئچ آغريمى، محكوم انسان دردلىيندن، آييرىيان
بؤلمەميشم. من اۋزومو، اۋز ائلىمى، ياخىن- اوزاق انسانلىقدان، ھئچ ده
آرتىق سئومەميشم. من ياغلىمى، ياوانىمى، هر يئردىنسە، هر ائلدنسە،
اولور- اولسون، هر گون، هر آن، آج- يالاوج انسانلارلا بؤلمكلىيە حاضر
اولوب، بو سۈزۈمەدە صادق دوروب، تام وارلىقلار دايامىشام. لكن هله يازىق
دنيا، ملتچىلىك خولياسينا، عنادينا دوام ائدير. اومانىزمى ساييان كىم دىر.
من قدرتلى قولو زوربا، بير ملتىن شاعرى تك، حياسىزجا اۋيونوبن،
ائللرىمە اوستون نىزاد خولياسينا حاكم اولماق، انسانلارى چالىب- چاپماق
، درسلرىنى وئرمەميشم. من ازىلەميش، حقى ايتمىش، وارى- يوخو الدن
گئتمىش، آغىر- آغىر سىتلەرە معروض قالماش، اسىر دوشموش،
ملتىمىن، ملتلىرين، عمرە محكوم انسانلارين انسانلىغىن شاعرىيم.
اوخوجوم، من قارداش آندي، دئيه، بو گون سۈز آچسام دا، حقلە منى،
حق وئر منه، اۋز دردىمى چىكىمەسم من، بو وانفسا زمانە دە دردلىرمى كىم
چكە جك؟ وطن داشىم، يول يولداشىم، قارداش آندى فرقلىنير، ملتچىلىك
آندى ايله. سۈزلىرمى آرتىق دوشون، درين- درين فكر ائيله، بوتون انسان
كوتلەلرى، بير- بيرىنە قارداش دئيه، قايغى چكە، غەمین گۈره، بىلەن يولا

٧٠ / سهند ايله قارداش آندي

اوغرامادان، دوننمهرم اوز آنديمدان. هله كيچيك ملتله، قارداش آندي،
مقدسدير.»

سهندين قارداش آندينا مقدس باخماسي، هابئله بو آنددان دونمهمهسى
ائلىنين اوستون، گوجلو، وارلى اولماسى اوچون يوخ، بلكه ائلينى ال آلتى
هابئله يازيق ائتمەيە چالىشان، اوزون اوستون بىلنلرين اليىدىن قورتولماق
اوچون اولموش دور. سهند اوركدن اومانىزمه اينانىب، عمر بويو اونون
اوچون يازسا دا، آنلامىشدير كيمسە اومانىزمى ساييان دئيىل. او دوغما
ائلينى اولوم حالىندا بوراخىب، باشقى ائللرىن ايشى ايله اوغراشىماغى دوز
بىلەمىشدير. اونون باخىشىندا اومانىزم- اينترناسيونالىزم ناسيونالىزمدن
باشلايىر. يازيق كوتلەر بىرلشمەسە، ال آلتى ائللر قارداش كىمى بىر-

بىرينه دايىناسا انسانچىلىق گونشى پارلاما ياجاق:

«محكوم اولموش مليتلر، بىزىم كىمى فنا ائللر، قارداش دئيە بىر- بىرينه،
دaiانىسا، هؤنكورمەسە، باش قويوبان جان وئرمەسە، انسانچىلىق گونشى
پس، هاردا- هاچان، نور ساچاجاق، پارلا ياجاق؟!؟»

٤- سوسياليزم:

سوسياليزم بير جووغانين بير اولكى يە حکومت ائتمەسىنە دئىيلر. دنيا اوزرىنده ان بىرىنجى ھابئلە ان بؤيوك سوسىالىستى اولكە شوروى يَا سوۋەت حکومتى اولموش دور. بو حکومت ١٩١٧- نجى ايلين اكتىر انقلابىندان سونرا ياراندى. يئنى حکومتىن قورولماسى ايلە تزار امپريالىزمى داغىلدى. اونون يئرinen روسىيەدە قورولان يئنى حکومت، ماركسىزم دوشونجەسى تىلى اوزرىنده قورولدو. بو حکومتىن ان بؤيوك اىستەيى اقتصادى عدالتىن ياراتماسى ايدى. بو حکومت دە چىشىدىلى حزبلىر، يئرinen يالنىز ايشچىلىر حزبى بوتون اولكە يە حکم سورمه يە باشلادى. بو حکومت دە بوتون اۋىزلىكلىرى پوزولوب، بوتون اقتصاد دولتلينە كېچدى. دولت ايسە هامىيا ايش قوشوب، ياشام ياراقلارين ياراتماق گۈرەويىن بويۇنۇ آلدى. شوروى اولكەسىنده ايشسىزلىك، يوخسوللوق، سوادسىزلىق آنلامسىز اولسادا، هامى اوچون ايلكىن ياشام ياراقلارى وئرىلسە دە، بو اولكە چوخلارينا مدینەي فاضلە يە چئورىلسە دە، اونون باشىندا دايىنان قورولوش، دوغرودان دا عىبسىز، پىىسلىك سىز بير قورولوش اولا بىلمەدى. بو اوزدن دە اونا گووهن، اونونلا اۋيوننلىرىن چوخۇ اونا اىلىشىدىرمە يە باشلادىلار. سنهندي انسانلىغا، عدالتە اوركىن ايناندىغى سوسىالىزم، انسانلىق، ھابئلە عدالت گۈردوکدە او دولتە وورولوب، اونو ائيمە يە باشلامىش دىر. آنچاق سونرا بو دولتىن ايشىنده آخساقلارى، چاتىشمازلىقلارى گۈرركن اونا اىلىشىدىرمە يە باشلامىش دىر. سوسىالىزم،

هابئله شوروی حقينىد سهندىن دوشونجه سىلە تانىش اولماق اوچون اونون «قارداش آندى» آدلى شعر توپلوسون اوخويوب، آراشدىرماق گرگدىر.

سهندىن آرايىب - آختاردىغى، مدینەسى فاضلە بىلدىبى، آرزولار آبىدەسى هابئله سعادتىن ذىروھى ساندىغى يئرده، هر كس اۆز امەيىنىن چۈرەيىن يئىيب، كىمسەنىن مالىينا گۆز تىكمەيىب، ھامى دىنجلەك دە ياشامىشدىر. سهند خىال دنياسىندا ناغىللاردان ئاشىتىدىبى تولو قوشوندان اىستەميش اونو آرخاسىنا آلىب، قاف داغىن آشىب، اونو مدینەسى فاضلە يە چاتدىرسىن:

«آپار گۈرۈم، تىكىب، يارادىب، باش اوزادا بىلمەيە جك، بىشىرىب، دوشوروب، دادا بىلمەيە جك، زىحتمە، مەننە گلنده، قىلمن يايىلمايان، نۇمەتە، راحتە گلنده، سايىلمايان، فلاكتە سون قوياسى انسان. نىجە حلال سفرەسىنى قارشى سينا آچىر، نىجە ال قابارى، آلين ترى ايلە، قازاندىغى ياغلىسىنى، ياوانينى، قاباغينا قويور، نىجە اودور؟ آپار گۈرۈم بىر ٥٥، گوندەلىك شرفلى چالىشماسىندا سونرا، قابار ايلە، حلال امەيى ايلە، تىكىدىيى ائودە، اوجىك دە، نئيلەيىر، نئيلەيىر، نىجە قولون- قىچىن اوزادىر، نىجە دىنجلەر. نىجە، نىجە، يورقۇنلۇغۇنو جانىندان چىخاردىر؟»

سهندىن مدینەسى فاضلە سىنەدە ئۇ تىكىن تىكىدىيى ائودە دىنجلە بىلىر، يئمك پىشىرن، پىشىرىدىيىن دادا بىلىر، امك چكىب، ايشلەين ايسە اۆز امكلىيىن الله گتىرىب، اونونلا اۆزو اوچون دىنچ بىر ياشام قورا بىلىر. سهندىن خىال دنياسىندا قوردوغو بو مدینەسى فاضلەدە انسانلار اىش چاغى، امك چاغى اوندولمادىغى كىمى قازانچ چاغى، ياشام چاغى دا ياددان چىخمايىر لار.

سنهنديله قارداش آندى / 73

سنهندين خيال دنياسيندا ياراتماق ايستهديبي بو يئنى قورولوش گرچك
دنيدا بير اللهسيز پيغمبرين اليله قورولوور، بو يولون باشچىسى، بو
وروولوشون قورووجوسو، بو عدالت جارچىسى، تانرى طرفيندن پيغمبر
سئچىلمەسە دە، اونا تانرىيدان وحى گۈندىرىلەمەسە دە، اونون اورتايى
چىخارتىدىغى قرآن اوز اليله يازىلسا دا، سنهندي اووسونلايىب اوزونه سارى
چكمەيى باشارمىش دير:

«وحىين، الهامين حياتدان آلان، اللهسيز بير پيغمبر، بو يولون، بو
مذهبىن، رهبرى دير دئدىلر، جان آتدىم، آختاردىم قرآنин تاپدىم!
اوخدوم كلمه- كلمه، سطر- سطر، واراق- واراق... دائما فكره دالدىغىم،
هر ياندان سوراغىنى آلدigiيم، سين- سين آختاردىغىم، فضىلت
دنىاسى نين، سعادت رؤياسى نين، نشانهلىرين اوندا تاپدىم. غريبه دىل ده
يازىلمىشدى بى قرآن، آغ، قارا، سارى، عرب، تورك، عجم، روس، فرانسيز،
سوادلى، سوادسىز، دنيانين هر بئش قطعەسىنده، آمئريكا دا، آوروپا دا،
هندوستان دا، چين ده، اوخويابىلدى اونو هامى. چوخ قيسا، چوخ دا
آيدىن ايدى سۆزلىرى. واقع ده تكجه بير كلمه، تكجه بير، اگر هر كسىن
امەيى اوزونه وئىلىسە، كىمسەنин حقىنى آلماسا كىمسە، دنيادا
سامانسىزلىق اولماز، فلاكتدن، رذالتدن ايز- اثر قالماز. بونونسا بيرجە يولو
وار دئمك. دنيادا، يئر اوزوندە، حقسىزلىر چالىشىب، آج ياتانلارلا،
بىرلىشىن گر ك!»

سنهندر هر آن دوشوندويو، هر ياندان آختاردىغى فضىلت دنىاسى نين،
سعادت رؤياسى نين ايزلىرين، يئنى قورو لموش حكومت دە، اونون
ورووجوسونون سۆزلىيندە گۈروب، تاپدىغى اوچون اونا وورولوب، اونونلا
اووسونلانمىش دير. بو اولو اوندر اوز قورولوشون بىرلىك- بىرگەلىك هابئلە

٧٤ / سهند ايله قارداش آندى

انسانلىق تملی اوزىنinde قورموشدور. بو يئنى قوروولوشدا انسانلارين دىلىينه، دىينىنه، درى بوياغينا، ياشادىغى يئره باخماياراق ھامىسىنا بير گؤزدە باخىلىميشدىر. بونا گۈرە دە بوتون انسانلار، بوتون ائللر اونو آنلايىب، اونو باشا دوشە بىلىرىدى. بو يئنى قوروولوشون، ھابئله اونون قورووجوسونون اينانج- آماجى چوخ آيدىن ايدى. بو اينانجا گۈرە ھر كس اۆز امه يىيندن يارارلاناراق ياشامالى ايدى. هەچ كيمسه باشقاسىنىن امه يىينه گۈز تىكىب، توخونا بىلمەملى ايدى. بئله بير قوروولوشدا چتىنلىكىدەن، سىخىنتىدان، يوخسۇللوقدان، آجلىقدان اىز گۈرونە بىلمىزدى. بو حکومت يازىق- يوخسۇل ايشچىلر كوتلەسىنىن امه يىي ايله يارانمىشدىر:

«بؤيوك روس ملتىنىن
صبرى باشدان آشاندا
زحمتکش كوتلەلرى
دنىز كىمى داشاندا
بؤيوك پتروگراددا
آل بايراقلار اسىنده
قابار اللر تزارىن
نفسىنى كسىنده
روس زحمت كىشىرىلە
دوست دئىيە، يولداش دئىيە
قانلى ووروشمالاردا
جان دئىيە، قارداش دئىيە
البىر اولوب دؤيوشدو

يىخدى ظلمون بناسىن
غالبىتلە قوردو
مساواتىن دنياسىن
بؤيوڭ پرولتاريانىن
يوكسلىدى آل بايراغين
اسارتىن قورتاردى
دوغما وطن تورپاغين
داغىتىدى خانىن، بەيىن
قارا حاكىميتىن
افتخارلا ياراندى
شورا جمهوريتىن
غالبىت قازاندى
انسانىن پاك املى
يئنى بير دوران قوردو
زحمت كشىن مرد الى»

بو دىرىنهنىش، بو ترپنىش روسىيە ئۆلکەسىننە ايشچىلر ايلە، يازىق كوتلەلر
اليلە باشلاندى. اونون نەدنى تزار حكومتىنин ظلمو، بو حكومتىن ال آلتى
خانلارين، بەيلرىن يازىق كوتلەنلى اسارتە، كۈلەلىيىھ چىكمەسى
اولموش دور. بو ظلملىرى سونۇندا يازىق كوتلەنلىن، اللرى قابارلى ايشچىلرىن
صېرىنى داشىرىپ، بىرلىك- بىرگەلىك شعاري ايلە اورتايىا چىخمىش
اوندرىن دالىسيجا سالدى. آياغا قالخمىش ائل، آل بايراقلارى عدالت
گؤسترىجىسى كىمى قالدىرىپ، دنيز كىمى آشىپ- داشىپ، تزارىن

٧٦ / سهند ايله قارداش آندى

نفسيينى كسيب، ائللرى اسارتىن قورتارىب، ظلمون بناسىن يىخدى.
بئلهلىكىلە شورالار حاكمىتى، ايشچىلەر ايلە، عدالت شعاري ايلە قورولدو.
بو، يوز ايللر بويو، بلکە دە مىن ايللر بويو، عدالت سئورلىرىن آرزو-
دىلەيىنىن گرچىكلىشمەسى ايدى. قافقاز ائللرى شورالار حاكمىتى آلتىندا
اولدوقلارى اوچون اولدوقجا خوشبخت ياشامىشلار.

«داريخما، ايندى اوغول
اسير دئيىلدىر قافقاز
بو دئدىيىم سۆزلىرى
دېنلەيىب كۈنلۈنە ياز
ھر كىيم كى امەيىنه
مالكدىر بو دنيادا
اونا محكوم و اسir
دئمك اولماز ابدا
ايندى قافقاز ائللرى
مالكدىر وارلىغىنا
هامى خوشبخت ياشايير
آزادلىق ساغلىغىنا»

سهندىن باخىشىندا قافقاز ائللرى اۋۇز امەيىنه يىيەلندييى اوچون، اۋۇز وارىن
اۋۇزلىك كىچىرىدىيى اوچون، آزادلىق دا ياشادىغى اوچون، اسir ھابئلە محكوم
سايىلا بىلمىز.

«گۈر کى اسىر بىزلىرىك
اسىر دئىيىل دىير قافقاز
سوسىالىزم اولكەسىيندە
بىل كى اسارت اولماز
قافقازدا چوخدان دىير كى
اسارت گىئدىپ بادا
سعادت گولو آچىب
هە داشدا، هە قىيادا
قاپىلاردان قووولوب
وقتىسيز اۇلوم، فلاكت
لغىتلەرن پوزولوب
آجلىق، ذلت، سفالت
عصرلەر ظلمتىيندن
آيدىنلىغا چىخىب ائل
آزاد حىيات، آزاد دىيل
آزاد نعمە، آزاد تىل
ايىشىزلىكىندا، آجلىقدان
قالمامىش دىير بىر اثر
سعادت قوجاغىيندا
هامى اولوب بختەور
گئتمىش داغلارىن قارى
قىشلارى دونموش يازا
قىزىل گونش نور ساچىر

٧٨ / سهند ايله قارداش آندى

بيزيم عزيز قافقازا

ظلمكار خانين، به يين

كسيلىپ قانلى الى

واعييته چاتىب

كوتله لرين املى

شاھلارین قىزىل تاجى

موزھلرە آتىلىپ

آدامجىل قوزغۇنلارين

قانادلارى چاتىلىپ

باشدان آتىب انسانلار

جهلين تھلکەسىنى

يويوب اۋز اته يىندن

رذالت لکەسىنى «

سهند شوروينى مدinehی فاضله سانديغى اوچون هابئله سوسىاليزمى ان اولو اينانج بىلدىيى اوچون او ئولكەدە هئچ پىسىلىك، هئچ اىرى- اسگىك، هئچ چاتىشمازلىق گۈرمەميشدىر. اونون باخىشىندا اسارت، آجليق، ذلت، سفالت، فلاكت، اولوم، ايسىسىزلىك، ظلم، استبداد هابئله جهالت اورادا اولا بىلmez. او اورانين ائلين هر ايش ده بوتونلو كجه آزاد گۈردويو اوچون اونلارى خوشبخت سانميشدىر. سهندىن گۈزوندە او رؤيالار دنياسىندان، قارا قىش گئتمىش، داغلارين قارى اريمىش، قىزىل گونش نور ساچمىش، سعادت گوللرى ئولكەنин باشا باشىن بزەميش، دوشونجەلر پارلامىش، انسانلار ايسە دينجلىيە چاتمىشلار.

«آرازىن اوتاينىا
او امك دنياسينا
سوسيالىزم او جاغينا
سعادت يوواسينا
...

گۈروردو او شىن ديار
بىزەنمىش باشدان باشا
سعادت قوشۇ قۇنوموش
ھەر قايىيا، ھەر داشا
آليردى چوبانلارين
نغمەلى نى سسىنى
آزاد آذر قىيزىنىن
آزادلىق نغمەسىنى
قاچىپ قوجاقلاييردى
كامىمولچو آيدىنى
اۋز دوغما قارداشىنى
سوسيالىزم اولادىنى»

جمهورى آذربايجاندا اولان دىل، دين، قادىن، موسىقى، مدنىيت، قىساجا
ياشام آزادلىغى دوغروداندا سەندى هو يوخدوروب، او مدوروردو. دئمك
اولار سوسيالىزم سەند اوچون ان اولو، ان بؤيوك بىر ايستەك- دىلەيە

۸۰ / سهند ايله قارداش آندى

چئورىلمىشدىر. سهند، جمهورى آذربايجاندا كى بير يورداداشينا اوز توئاراق اوز اورك نيسگىللرىن بئله ديلينه گتيرميشدىر:

«سعادتلى بير حيات
سنين چكير نازىنى
قارا قىش قاپسامايير
باھارىنى يازىنى
قاقيقىلداشير، اویناشير
گۈزل كەھلىك قايدا
گوندە توىدور، بايرامدىر
ھر ائل دە، ھر اوپادا
چالىنير صىفلە ساز
چىرپىنير آزاد اورك
دئىير بىرده بو ديار
يامان گون گۈرمە يەجك
جوشور شاعرين قلبى
سۇينجى آشىر، داشير
ائل دئىيه، وطن دئىيه
مىن بير نغمه لر قوشور
چمنلىرى اوینادىر
بولبوللىرىن نغمەسى
داغا- داشا سىس سالىر
چوبانلارىن نى سىسى

مین ظفرلر قورولور
بو آزادلیق جنتى
طبیعتى دەپىشىر
انسانلارين قدرتى
انسانىن جومرد الى
درىالاردان باج آلير
يارىر ماوى گئيلرى
اولدوز لارا يول سالىي «

سنهند جمهوری آذربایجاندا ياشایان بورداداشلارین سعادت، سئوينج ايچره هابئله هر گون توى دا، بايرامدا، چال- اويناسيندا گئروب، اورانى اييل بويو ياز چيچكلىرى ايله بزه نميش سانميش دير. سنهند بئله دوشونموش دور. آراzin او تايىندا ياشايانلارين اوره يىنه غم- غصه يول تاپا بىلمىز. جمهورى آذربایجاندا اولان آزادلىق موسىقيچىلىرى، شاعرلرى ذوقا گتىريپ، گؤزل موسىقيلىر، گؤزل شعرلر يازماغا آلقىشلايىب چاغىرىپ. قىساجا سنهند جمهورى آذربایجانى آزادلىق جنتى سانميش دير. سنهند بير يول آرازى كئچىپ، رؤيالار دنياسينا آتدىيم باسا بىلمىش دير. او اورادا گئردويو گؤزل قادىن بنانى سوۋەت گؤزلى آدى ايله ئويىمه يە ياشلامىش دير.

«ای سووئت گؤزلی، سووئت گؤزلی
نئجه وصف ائلیه ییم من سنی، نئجه؟
عشقیندن اولموشام دیوانه، دلی

سنهند ايله قارداش آندي / ۸۲
سنی ایناناماز گؤز گۈرمە يىنجە»

سنهند گوردويو قادينين اوزونده- گوزونده هابئله قاشيندا- باشينداكى گوزلليسى اويسه 55، دوغرودان دوغروسو اونون گوركمىنه وورولمامىشدىر. بو چئشيد سئوگى سنهند كىمى دوشونجە دنيزىنە ياراشا بىلمىزدى. او گوردويو روس قىزىنин ياشامىن، ايشين، داورانىشىن، هابئله دوشونجە- اينامىن سئومىشدىر.

«بو گون سحر، گؤزون سئچ ها سئچیندە
فعله پالتاریندا بير قىزى گؤردونم
سانكى ميليون - ميليون ايشيق ايچيندە
هاميدان پاريلداق بير اولدوز گؤردونم
حسن ملاحت ده بير مرىم كىمى
معصوملوق ياغىرىدى سير - صفتىندين
ايىنinde پالچىغا باتمىش گئىيمى
سانكى آى چىخمىش دير بولود ايچيندە
واله - واله باخار قالدىم دالىنجا
سونا كھلىك كىمى سكىبن گئتدى
هامىييا او تىكىن او گؤزل بىنى
منيم قلب اۋىيمى سؤكوبىن گئتدى»

سنهن سوئت قیزی نین بیر کیشی کیمی آزاد یاشامین، گوجون-
با جاریغین، ائل - اولکه اوغروندا چالیشماسین، دوشونجه - داورانیش

گۆزللىيىنە قاش - باش گۆزللىيىنەن آرتىق دەپر وئرمەسىن، يۈنگوللوكىن - پېسىلىكىن آرى - دورو اولماسىن، ھابىلە وار - دولتە، پار پالتارا، قىر قىزىلا دەپر وئرمەمىسىن سئومىش دىر.

«دایان قوى اوپوم او ايشيق آلنیندان
قىشقيربان نەلر سۈپىلەيىم، نەلر!
سنين او چامورلو پالتارلاريندان
اوتابسىنلار بلکە بو ايلنجهلر
قولچاق تك رنگبەرنگ پالتار گئىينىن
ادا وثىرپ، اتىن - بودون گۆستىرن
حياتى يئمكده، ياتماق دا بىلەن
گۈروب تانىسىنلار، بىلسىنلر كيمىن
پالتارى چامورلو بنا تىكىن قىز
منه يولوموزون معناسى سىنسن
اي كەشكشانلارا نور ساچان اولدوز
اذن وئر اوپوم او قابار اليىدىن!»

سەندەن سوۋەت گۆزلىنىن آلين ترى ايلە ايشلەيىب، آلىنى آچىق - اوزو آغ ياشاماسىن سئومىش دىر. سەندەن، پارپالتارا، قىرقىزىلا بورونموش، انلىك - كىريشانلا بويانمىش، اىين - باشىن، قولون - قىچىن گۆستىرپ، قىرجانىب، يۇنگوللوكىلە اۇنجه اوزۇن سۇنرا دا كىشىلىرى يولдан ائديب، كىرلەندىرمه يە چالىشان، كىرلى پارچا كىمىي اللرده گىزنى يازىقلارلا اونو توتوشدۇراراق اونلارى حيوان گۆزوندە، اونو ايسە قادىنلىق اورنه يى كىمىي گۈرموش دور.

٨٤ / سهند ايله قارداش آندى

سهند سووئت گۆزلى نين گول ياناقلاريندان يوخ بلکه قابارلى اللريندن اوپىك ايستەميش دير. بو ايش آيدىنجاسينا سهندىن دوشونجه- اينامىن اوze چىخارتمىش دير. سهندىن باخىشىندا گۆزلىك اوركىدە، بئىين ده هابئله دويغو- دوشونجه ده اولمالى دير.

«گئىيمىنده كى بىر چامور لكهسى
اينان ايشىقلى دير مىن بىلياندان
مردىك معبدى نين پاك الھەسى
منه حرمتلىيسن هر كىسىن اينان
سنه ياراشماز دير حرمخانالار
بو آزاد وجданا، سينماز وقارا
زرنگار قفسىلر، زرلى پالتارلار
آرزو لايانلارا بوراخ قوى قالا...»

سهند سووئت گۆزلى نين ايش پالتارينا يايپىشان پالچىغى، قولچاق كىمى گئىينىب، بىزەنېب، آرا لا دوشموش قادىنلارين سىنه سىنده كى اينجىدىن ده يىرىلى سانمىش دير. او حيوانلىق ياشامىن سووئت گۆزلىنىه ياراشدىرا بىلەمەميش دير. بونا گۈرە ده او بو چئشىد ياشامى دوشونجه سىز، اينانجىسىز، آما جىسىز، بىر تەھر! ياشايىب، حيوان كىمى عمر كېچىرن قادىنلارا بوراخماڭى ايستەميش دير.

سهند ۱۳۲۴- اونجو ايلين آذر آىي نين ۲۱- ينجى گونوندە ایران آذربايجانىندا قوروغان حکومتى ايشچى - اكينچىلر، يازيق كوتلەلر هابئله آيدىن دوشونجه لىليرين حکومتى بىلەمەميش دير.

«او گون حقى اىتمىش مەحکوم ئىللەر
زنجىرىلى قوللار، باغلى دىللەر
بوردان او جالىردى آزادلىق سىسى
قورتولوش نغمەسى، حىات نغمەسى
يۇخسۇل اكىنچىلار، حقسىز فعلەلر
محروم ضىاپىللار، مەحکوم كوتلەلر
بو سىسى دىنلەيىب، هەر بىر ياندان
نە تك آذربايچان، بوتون ايراندان
توفنگ گۇتۇرۇردو، سلاح تاخىردى
سئى كىمىمى هەر ياندان بورا آخىردى»

ملى حەكومت آذربايچان خلقىنдин علاوه بوتون ايران ئىللەينە قورتولوش
ھابئلە آزادلىق گىرەمك اىستەيىردى. سەندە بىلە بىلەردى بىلەردى بو آزادلىق
سىسى ايراندان دا ئاشىيە چىخىپ، بوتون دوغۇ ئىللەرين او يالدىپ، ئىلمە
قارشى آياغا قالخىرا جاق دىر.

«قوى يايىلىسىن قوجا شرقە
بو چوو، بو سىس باشدان - باشا
بىز سەتكەش خلقلىرى
چاغىرىرىق قورتولوشما
گلىن ئىللەر ال بىر اولاقدا
ووراق، يىخاڭ غصبكارى

۸۶ / سهند ایله قارداش آندی
قودوز دیشلی اشغالچیدان
تمیزله یک هر دیاری
بر باد اندک یئر او زوندن
بایقوشلارین یوواسینی
ساهمانلایاق سعادتین
قارداشلیغین دنیاسینی»

سهند اؤز ائلی ایله بیرلیک ده بوتون دوغو ائللرین استعمارین، امپریالیزمین
ظلموندن قورتاریب، قارداشلیق اساسیندا بیر دنیا هابئله سعادت دولو بیر
یاشام قورماق ایسته میش دیر. آذربایجانی، ایرانی، بوتون دوغو اولکه لرین
قودوز دیشلی غصب کارلاردان، بایقوشلاردان، اشغالچیلاردان آرتیلاماق
اوچون ائللرین ال بیرلیکین ایسته میش دیر. سهند او مانیزم-
اینترناسیونالیزم اساسیندا ائللری بیرلیکه چاغیر میش، سوسیالیزم
اساسیندا قوروشلارین قورو لماسین دیله میش دیر. سهند ایران
آذربایجانی ایله شوروی آذربایجانین بئله تو توش دور موش دور:

«بوردا ایکی دنیا دور موش او ز- او زه
بوردا چاخناشیری گئجه گوندو زه
بیر یان دا آزادلیق، حیات، سعادت
بیر یان دا اسارت، اؤلوم، فلاکت
چایین او تاییندا قایناییر حیات
بو تایی چولعامیش قارا ظلمات
او تای دا باهار وار، بو تای دا قیش وار

اوردا سونا كهليك، بوردا بايقوش وار!»

بلى اولدوغو كيمى سنهنداوغروداندا شوروى ده قورولموش سوسياليزم حکومتى نين وورغونو اولموش دور. چون او، اورانين هر نه يين ياخشى، بورانين ايسه هر نه يين پيس گؤرموش دور. سنهندا جمهوري آذربايجاندا هابئله بوتون شوروى ده هئچ بير پيسليك، آخساقليق، ايرى-اسكىكلىك، هابئله چاتىشمازلىق گؤره بىلمەميش دير.

«قسمت اولدو قوش تك قانادلاناراق

هم باكىيا گلديم هم مسکووايا

آرزولاريم ايله قوجاقلاشاراق

دئمك حقiqته قوووشدو رؤيا

هم باكىنى گردىم هم مسکووانى

گۈزلىكىن باشقابير شى گۈرمەدىم

دولاندىم من قارىش - قارىش هر يانى

باخدىم - باخدىم آنجاق دويا بىلمەدىم

موسکووا نه بؤيوك محتشم شهر

هر يانا باخىرسان ياغ تؤك بال يالا

جنت باغى كيمى حورى، پريلر

خىالا بنزه يير يالنىز خىالا

ايىجهلىك گۈزلىك ياغىر هر شىدين

هر يانا باخىرسان باغچادىر، باغ دىر

ائله بىل طراوت تۈكۈلۈر گۈيدىن

۸۸ / سهند ایله قارداش آندی
بنالار دئیهسن یونولموش داغدیر

...

بیلمیرم، دئینلر نه دئیر دئسین
شاعر گؤزللیکدن باشقاشی گورمز
او بئیوک سعدی نین دئدییی تکین
عاشق معشووقوندا هئچ عیب بیلمز.»

بوتون بونلارین ترسینه اونون دوغما يوردوندا، ایران آذربایجانیندا امكچى-
ايشچىيە هابئله اونلارين گوردويو ايشه، چكدييى امه يه دهير وئريلمە يير.
بونا گورە ده گاهدان اولور بير عمر چالىشىپ، ايشلەيىپ، امك چكمىش
اكينچى، ائوين چۈرەيىندن اۇترو، يانا جاغىيندان اۇترو، اونا- بونا ال آچىپ،
دىلەنسىن. بو ايسە سەندىن اورەيىن سىخىپ، دردە گتىرمىشدىر. سەند
بىر دوپغولو شاعر، كۈورك اوركلى انسان، اينانجلى اومانىست، هابئله
دوشونجەلى سوسىاليست اولاراق ايشىن- امه يىن دهيرلىرىمىشدىر:
آنلاياراق، ايشچىنى، اكينچىنى بئله دهيرلىرىمىشدىر:

«او بير سعادتلى رحمت الى دىر
وطن قىنچاسى دىر، وطن گولودور
اونون دور بو عالم، اونون دور جهان
اونون امه يىيلە ياشايىر انسان

...

سنین دير حياتىم، يئدىيىم چۈرك
سنین دير كۈكسومدە چىرىپىنان اورك

سنین دير ايلىييم، سنين دير قانىم
سنین دير وارلىغىم، سنين دير جانىم
سنین زحمتىن دير منى يارادان
سنین محتىن دير منى اوپادان
بو، گونشدن آيدىن بىر حقىقت دير
انسانىن وارلىغى سنه منت دير
او قابار اللر كى قاب-قارا يانمىش
او يورغۇن گۆزىل كى، غەمدەن او سانمىش
او، قارا قويلانان دونموش آياقلار
كۈمور تك قارالان يانمىش دوداقلار
بۇتون كېچىرىدىيىن او قارا گونلر
اوره يىنى سىخان آغىر دويمىنلر
دەميرچى خانادا دەيدەدویون دەمير
بۇتون مشقىلە سوردویون عمر
ايىتىسى جسمىنى ياندىران گونش
شوملا دېغىن يېرلەر، دردىيىن كولش
ايىشغىندا بوغدا سووردوغۇن آى
عمرۇنۇ چورودن ياز، پايسىز، قىش، ياي
قولونا باغلانان اىپلىرىن يئرى
تۈرپاغا تؤكدویون آلنى نىن ترى
اوزرىنده كىلە قوردوغۇن داغلار
اكىب بئجردىيىن صفالى باغلار
هامىسى، هامىسى شاهددىر كى من

۹۰ / سهند ايله قارداش آندي
سنه منتدارام دوغولان گوندن
بير تک من دئييلم، دنيا بيلير کي
سن بشريته روزى وئرنسن
اينان کي حياتين اوجاغى سؤنر
اگر سن اكمەسەن، سن ايشلەمهسەن.»

سهند ايشچى - اكينچىلىرىن امكلرىن، چتىنلىكلىرىن، ايشلىرىن بير - بير ساياراق، اوزونون، ئىلىنىن بلکە دە بوتون انسانلارىن، بوتون ئىللرىن ياشامىن اونلارا باغلى بىلمىشدىر. اونون وورغولادىغى كىمىي ايشچىلىرىن ايشىيلە دنيا دولانىر. اونلار اللرىن ايشدن چكى كىمىي ياشام دايىثار، دنيا دورار. بونا گۈرە دە سهند هامىنى ايشچى - اكينچىلىر بور جلو بىلمىشدىر. بئلهلىكىلە دئمك اوilar اونون گۈزۈنده ايشچىلىر انسانلارى ياشاتدىقلارى اوچون كوتلەنىن ان دە يېرىلى جووغاسى دىر. سوسىالىزم دوشۇنجهسىنە گۈرە ايشچىلىر داها آرتىق دە يېر وئرمك گرگىدىر. بو اينانچ تملى اوزرىنinde قورو لموش قورو لوشلاردا ايشچىلىر بېرىلىيى ئۆلکە يە باشچىلىق ائدىپ، اون دولانىدىرىمىشدىر. سهند اينانجلى بير سوسىالىست اولاراق بو قدر ايشە - ايشچىيە دە يېر وئرمىشدىر.

چىن قورو لوشو ايسە بير سوسىالىستى قورو لوش دور. بو قورو لوش چىن خلقىنىن دىرىھنىشى ايله قورو لموش دور. بو اۆلکەدە ايسە ايشچىلىر بېرىلىيى ايش باشىندا دىر. بونا گۈرە دە سهند، شوروى حكومتىن اويدويو كىمى، چىن حكومتىن دە اويموش دور.

«اوندا کى چىن خلقى، چىن ايگىدلرى

جاندان كىچمكلىكلە، چتىنلىكىلرلە
بؤيوڭ حىمسەنин شەھيد ارلىرى
آزاد حىات حقين كىچىرىدى الە
امپرياليستلىرىن بئلى بوكولدو
اۇلۇم تىترەتمەسى توتدۇ ياخاسىن
آزادلىق دنياسى، گول آچدى گولدو
سارسىلماز بىر داغا وئردى آرخاسىن
حق سئون انسانلار آز سئوينمەدى!
گووهندى بو بؤيوڭ غالبيتە
مگر دؤش وئرمەدى، يا اوپيونمەدى
بؤيوڭ بايرام اولدو بشرىتە
زمانىن قورقۇدو شادلىق چالاراق
عصيانچى كىتايىن بويون بويلادى
بوتون اۆلکەلرە هاراي سالاراق
بؤيوڭ گله جەيىن توپون توپلادى
دئىدik: ھامار لادىق نجات يوللارىن
سۈكوب داغىداراق كەنە دنىيانى
سعادت پرىسى آچىپ قوللارىن
چاغىریر قوينونا مەحکوم انسانى»

سەندەن چىن انقلابىن بىر حىمسە، بو انقلابىن يولۇندا جاندان كىچنلىرى
ايىسە شەھيد بىلەمىش دىر. اونون باخىشىندا چىن خلقى اۋز دىرەنىشى اىلە
امپرياليزمى اۋز يوردوندان قۇرووب، اونلارىن جانىن تىترەتمەيە سالىب،

آزاد ياشام حقين الله كىچىرىپ، آزادلىق اساسىندا بىر حكومت ياراتدى. بو دىرىنهنىشىن اوغور قازانماسى سەندى، ھابئلە بوتون حق سئور انسانلارى سئويندىردى. اونلار بو اوغۇرا گۈوهنىپ، اونو بايرام كىمى آغيزلا دىيلار. سەندى ايسە اوزون چاغداش دده قورقۇد سانىپ، بو اوغور اوچون شىلىك ئائىپ، بوى بويلايىپ، توى تويلايدى. او بئلە دوشۇنوردو بو دىرىنهنىشىن اوغور قازانماسى نىن آردىجا باشقا يازىق كوتلەلرده آياغا قالخىب اسکى دىنيانى پوزاراق يېنى دنيا يارادا جاقلار. بئلە لىكىلە ظلم ائوى يىخىلىپ، انسانلار ئالىملىر الىيندن قورتولوب، آزادلىغا چاتا جاقلار. آنجاق بئلە اولمادى! يېنە دە شىطانلار انسانلارى اويدوروب، آلداتماگى باشاردى. اونلار انسانلارى انسانلىق يولوندان آزدىرىپ، انسانلىق اوره يېن آل قان ائتدىلر.

«قارغىش شىطانلار يېز و سو سەسىنە

قارغىش، آزغىنلارا، اكويىستلىرى

قارغیش دوشمنلرین دسیسه سینه

کمونیستم دئین شونپیستله!

قِچىندان آسلامىر شىطان داش تكىن

انسان دیرماشدیقجا کمالا ساری

يئنجير، يئنجىشدىرىر اىپىن، اۇرکنىن

آرتیق یوکسلمه یه قویما یا باری

گاه قادا قووزايير، گاه دا خلقلره

دولا ماج يول لاردا تله تو خويور

گاہ شبھه تؤردیں، گاہ قولاقلاء

ایکیجهلیک، نفاق ویردی او خویور

گۇردوک نېچە سوخدو اۋۇزون آرایا
قارداشى قارداشا دوشمن ائىلەدى
سولارى آخىتىدى اوز يوخارىيَا
انسانلىق اورهېيىن آل قان ائىلەدى.»

كمونىست اولاراق شۇنىيىت ھابئلە فاشىيىت كىمى داورانماق اومانىزم-
ايىترناسىيونالىزم يولوندان ھابئلە دوغرو سوسىيالىزم يولوندان آزماقدىر.
كمونىزم شعاري ايلە قورولمۇش بو اۋلۇكە، سەھىدىن دئدىيى كىمى
امپریالىزم- كاپيتالىزمىن اويدورما سۆزلىرىنە اوياراق فاشىزم دوشونجەسىنە
اويعون داورانماغا باشلامىشدىر.

«تولك دوشمن قول- قاناد آچدى، ئۇلومجۇللر دىرچىلدى، قارغىش- نفترت
چاناقلارى، حرمت تاپدى. ايشيق اوركلىرىن آبىدەسىننە، پرسىتش اولۇنان
لەر، شىطانلارين فوعونلارين الىين سىخدى. بلى! گووهندىيمىز داغلارا قار
ياغدى. كور اولمۇش گۈزلىرىم داها نەلر گۈرمەدى؟! بولول پىالەلر دولو آل
ايچىگى، قورتوم- قورتوم، دولاب- دولاب، جىرىنچ- جىرىنچ، ساغلىق!
ساغلىق! قان تۈكىن لەر يورولماسىن! ايلقارىيندان دۈئىنلەر عشق اولسۇن!
تارىخ ھمىشە جلادلارا بويون اىيەجك؟ يوخ، يوخ! اى حق سئور انسانلارين،
قبلەسى اولان عزيز ديار! اى زنجىرلىرىن قىرانلارين، احتشاملى چىخىشىينا
تانيق اولان قىزىيل ميدان! بىر گون قورخونج ايوانلارين، باشىنا كۈلگە
سالدىيغى گونبىزدىن اوستە، نازلانا- نازلانا اسن بايراق! زىارت ائتدىيىم
قدس تابوت!... اۋتىرىدىر، اۋتىرىدىر بۇ حال! بىر داها دۆزۈمە، دۆزۈم
داشى اولمايا جاق سەندى!»

٩٤ / سهند ايله قارداش آندي

شوروي دولتى نين شيطانلار الين، فرعونلار الين سيخماسى، امپرياليزمله سؤز بير اولماسى، هابئله اونون كيمى قان تؤكوب، فاشيست كيمى داورانماسى، ايلقاردان دؤنمك آنلاميندا ايدي. بو ايش قبله يه دؤنموش شوروينى سهند گؤزونده بير تابوتا چئويردى. اونون گووندييى داغلارا دا قار ياغدى. بونونلا بئله سهند ايناميندان دؤنوب، يولون ده ييشمهدى. اونون دوشوندويونه گئره بو دوروم اوترى اولوب، تاريخ هميشه جلالدارا بويون ايمه يەجك. بير گون ئىللرین دؤزومو توکنib، ظلم ئوين يىخىب، آزاد بير دنيا قوراجاق دير.

٥- وارلىق:

بو دنيا اولدوچجا بئيوك دور. اونون بئيو كلويو انسانين عقلينه سىغان دئييل. اونون اولچوسو، نئجهلىيى هابئله ايلكى - سونو تارىخ بويو انسانين ان بئيوك، ان ائنملى سورغوسو اولموشدور. انسان ھر چاغدا اوز بىلگىسىنه گۈره بى سورغولارى جوابلاندىرماغا، ياشادىغى دنيانى داها ياخشى تانيماغا هابئله بى تاپماجانى، بى كور دويونو آچماغا چالىشمىشدىر. انسانين اوزو ايسە داها بئيوك بىر تاپماجا اولموشدور. او ھر آن اوزون تانىيىب، آنلاماق اوچون دوشونموشدور. بى دوشونمكلر بعضًا اونو قارانلىقدان چىخارىب، ايشيقلىغا چكىسى دە، بعضًا دە اونون آزىب - چاشماسىنا نەدن اولموشدور. چوخ بىلگىلر، چوخ بىلەجىلر بى يول اىلە يارانىب، اورتاييا چىخىمىشلار.

سەندە آذربايجان ادبىيات گؤيونون پارلاق اولدوزو، آذربايجان ئىلىنىن ان بئيوك، ان درين دوشونجهلى شاعرى اولموشدور. اونون شعرلىرى ادبى گۈزلىكىلر، اينجه دويغولارلا دولو اولماقلاب ياناشى، درين دوشونجه اىلە زىگىن اولموشدور. او اوز شعرلىرىنده دنيانى، انسانى، هابئله ياشامى دوشونوب - آنلاماغا، اوز ئيلين ايسە دوشوندۇرمە يە چالىشمىشدىر. سەندە وارلىقى، دنيانى گۈردو كەھ هويو خوب، گۈزلەر تېھسىنە چىخىمىشدىر. او، بۇ ان - بۇيىدا، او جسوز - بوجاقسىز دنيانىن وارلىغىن دانا بىلمەسە دە، اونو اينانماقدا، آنلاماقدا چتىنلىك چككىمىشدىر:

«وارلىق! بلى مدهش بىر واقعىت!
عجب دوغرودان دا وار ايمىشام من؟!

۹۶ / سهند ایله قارداش آندي
بو دا کي دنيادير، بلی دنيادير!
گؤزلريم كله مه چىخىر حىرتدى!
اولانماز، اولانماز، يوخ بو اولانماز!
اولانماز سؤيلەيير، سن وارا بىر باخ
ممكىن اينانمایا هئچ نېيە انسان
نئجه اۋازلىپونە اينانمایا جاق؟!
اولانماز، اولانماز، يوخ بو اولانماز!
نئجه كى من وارام؟ نه تەھر، هاردان؟
دئىيە، حقيقىتدىن قاچسام دا بىر آن
وارلىغىم ال چىكمىر، توپۇر ياخامدان
يئنه پىندام اولموش، بوغولموش سو تك
بىغىلىرام اۋاز اىچىمە دولورام
اۋاز يئرىننە قالىر بوتۇن سۈللار
اۋزوم اۋاز - اۋزومە سؤال اولورام
بو نە قوروپوش دور، من كىمم، نەيم
بو ممكىنە سبب ھانسى امکان دىرى?
دئىيرلر عالمىن يارادانى وار
اولسا وارلىغىينا او دا حىران دىرى!
بو سۆز كفر اولسا دا، ھذيان اولسا دا
آنjac تفکرون باش ذىروهسى دىرى
ھر نە دىرى دنياجا يوكون آلتىندا
عقل آراباسى نىن نالھ سىسى دىرى.»

سنهند دوشونجهلى بير انسان اولدوغو اوچون دوشونمهدن، سالىپ-
چىخىب، اينجەلەمەدن هئچ نەيە اينانا بىلمەمېشدىر. او بؤيوك بير
فيلىسوف كىمى دىيانىن، انسانىن، قىساجا بوتون وارلىغىن نئجەلىيىن،
قايىغىن، ھابئلە ئۆزلىكلىرىن دوشۇنماش دور. او اۋز سورغولارين
جوابلاندىرما يىنجا دينجلىيە چاتا بىلمەمېشدىر. او باش نەدەنин، يارادانىن،
تانرىنин كىيم اولدوغۇن، نە اولدوغۇن آنلاماغا چالىشمىشدىر.
دوشونجهسىزلىر، باشى چووالا، گۈز- قولاغى باagli اولانلار، بئىينى
چالىشمايانلار بو قونودا دوشونمهىي آزىغىنىلىق يا دا يولسوزلوق سانسالار
دا، سنهند بو قونودا دوشونمكدىن واز كئچمەمېشدىر. او هر نەيىن نەدەنин،
كۈكون، قايىغىن آختارىب، ھر نەيى درىندىن ھابئلە دوغرو- دوزگۇن
آنلاماغا چالىشمىشدىر. اونون باخىشىندا دوغرو- دوزگۇن دوشونجه يە
يىيەلنمك اوچون ھر نەيىن اوزون يوخ بلکە ايچىن آنلاماق گرકدىر.
سنهندىن گۈزوندە ان بؤيوك تاپماجا انساندىر:

«حال بو کی، انسانین هله لاپ اؤزو

بوتون عجلردن عجب دير دينمز

چون کی وارلیق کیمی اساس معما

یقین هئچ آرشینا دوز گله بیلمز

هئچ آچار بو سرین خزینه‌سی نین

قاپی سین هله ده آچماییب- آچماز!

بو گونشدن ايشيق واقعيتين

ایشیغی نه دنسه انسانا ساچماز.»

٩٨ / سهند ايله قارداش آندى

سهند وارليغى آنلاماق اوچون انسانى آنلايىب، دريندن تانيماقى چوخ اؤنملى، بلكه ده گركلى سانميشدىر. او وارليغى، دنيانى، انسانى اوز درين دوشونجه سيله آنلاسادا، اونو آنلاماقى چوخ راحت بىلسەدە، انسانلارين بئيوك چوكلوغو، بو گونشدن ايشيق گرچەبى آنلايا بىلمەميشلر. سهند اوزون باش بىليجى سانماسا دا ان چتىن سورغولارا جواب تاپماقدا اوغور قازانميشدىر:

«چاتماميشام آيدىن بير حقيقته
آنjac بير سؤز دئسم قيناما منى
بوتون وارليقلارى گئروب كئچركن
هر يئرده گئرموشم اوزومو، سنى...
فكتسيز - دويغوسوز چوخ شى گئرموشم
بير يوخ، ايکى يوخ، بو دنيا عالمجه
لكن هئچ حالتده فكرى، دويغونو
آيرى گئرمەميشم فكرلشندن
قورو بوش فكر يوخ، فكرلشندىر
بوتون وارليقلارى دويور - آنلايىر
آنلانان اولماسا نه آنلاشىلار؟
ايش آنلايىشدا يوخ، آنلانان دادىرى!»

او بئيوك عارفلره تاي هر نه يى انسان بىلمىش، هر نه يى انساندان گئرموش، هر نه يى انسان دا تاپمىشدىر. اونون گؤزوندە دنيانى، بوتون وارليغى تانيماق اوچون انسانى تانيماق يئترلىدىر:

«او دور کى يوزه - يوز آيە دئىيە من
دنىانى، انسانى، دانا بىلمىرم
باش وئرن ان كىچىك حادثەنى ده
معناسىز، سببىسىز، سانا بىلمىرم
 يولۇن چكىپ گىدىن بو قافلەنinin
كمال آدلى يوكسک بىر مقصدى وار
بو گىدىش ده انسان ھم يول كىسن دىر
ھم قافلەدەير، ھم قافلە سالار!
شىطان دا، ملک ده، جن ده، پرى ده
اونون يونوغودور، ياراتدىغى دىر
ھر نەدىر اۋۇزدور خىر ده، شر ده
اۋز ياتىرتدىغى دىر، اوياتدىغى دىر!»

او وارلىق يولۇنۇن سونۇن ھابئلە انسانىن آماجىن دوغرو لماق، بوتونلىشمك، باشقا سۈزلە كمالا چاتماق بىلمىش دىر. بو يول دا سەندە انسانى ھم يول آپاران، ھم يول گىدىن، ھم ده يول كىسن سانمىش دىر. ياشام يولۇندا گىدىن انسانى، دوشۇنجه ايلە ايستەك، قاباغا آپارىپ، نفس ايلە ھوس ايسە اونون قاباغىن آلىپ، يولۇن كىسمىش دىر. بوتون بونلار سبب اولموش سەندە انسانى بوتون پىسلىكلەرین، بوتون ياخشىلىقلارين قايىناغى- نەدىنى سانسىن. اونون گۆزۈنده پىسلىك قايىناغى سايىلان شىطان دا انسان اۋۇزدور، ياخشىلىق قايىناغى سايىلان تانرى دا. اونون ايناندىغىنا گۈرە بوتون ماۋراء الطبىعە يە باغلانان وارلىقلار انسانىن يۇنوب- ياراتدىغى دىر.

۱۰۰ / سهند ايله قارداش آندي

باشقى سؤزله بونلارين هئچ بيرىنин وارلىغى اولماميشدىر. شيطان دا، ملک ده، جن ده، پرى ده اونون دوشونجهسىندن چىخمىشدىر. بير- بيرىنин قارشىليغى اولان خيرله شرى، پىسلىكله ياخشىليغى، بيرلىكده اوزوندە گۈرن انسان، اونلارين قايياغىن اوزوندن ائشىكده آختارماغا باسلامىش، سونرا دا بئله بىلەمىش دىيانى يارادان، دولاندىران، چئشىدىلى دوروملا سالان ايکى گوج، ايکى تانرىدىر. او ياخشىلىق قايياغينا تانرى، پىسلىك قايياغينا ايسە شيطان آدى وئرمىشدىر. آنجاق سهند بو اينانجى بوش بىلەمىشدىر. اونون باخىشىندا شيطان دا، تانرى دا انسان اوزودور. پىسلىكىن ده ياخشىلىغىن دا قايياغى او اوزودور.

«چوخلار بو حال - خويو سن ده گۈرنده
سنە ايکى تانرى، يونوب - يونتايىب
هر نە ايش گۈرۈبسەن خيردن - شردىن
اونلارين آدینا يوزوب، باغلابىب
حال بو كى، هر بير ايش، ياخشيدان - پىسدىن
اوزوندىن باش وئرير، يالنىز اوزوندىن
اوزونسىن ميدان دا آت گزدىرىرسن
بىلەمىرم تانرىسان، شيطانسان، نەسن؟»

بوتونلو كجه سهندىن باخىشىندا انسان گوجسوزلو كدىن، اومودسوزلوقدان، آرخاسىزلىقدان تانرىلارى يونوب - ياراتماغا باسلامىشدىر:

«انسانىن قدرتسىز - ضعيف چاغىندا

قدرتلى تانريلار يونوب ياراتميش
بعضاً ده انسانا قاناد وئەرك
آلېجى قوش كيمى گؤئىيە چىخارتمىش»

انسان اۆز دوشونجه سىلە تانريلار ياراتماقلا طبىعت قارشىسىندا، دوشمنلر قارشىسىندا گوجلنەمك، اوئلەرلا ساواشدا گوجلو آرخا، بئۇوك ياردىم تاپماق، چتىن گونلار اوچون سىغىنلاجاق تىكمك اىستەميش دىر. انسان الى چاتىمادىغى، گوجو يئتمەدەيىي اىشلىرى تانريدان دىلەمكىلە ياشاماق اوچون اوەمود تاپىپ، گوجلنەميش دىر. سەندە بئەلە بىلىميش انسان اوشاقلېقىدان قورتولموش دور. بونا گۈرە دە اوندان اىستەميش دىر انسانلىق آماجىنا چاتىب، ياشامدا اوغۇر قازانىب، آغ گونە چاتىب، سعادتە اوغراماق اوچون بئىينىن اىشلەدېب، دوشونمەيە باشلاسىن. سەندە انساندان اىستەميش اۆزۈن تانىماقلا، ياشام يولۇندا يالنىز اۆزۈنە آرخالانىب، اۆز الىلە يونوب - ياراتدىغى تانريلارдан ياردىم دىلەمك يىرىنە اۆز دوشونجه سىلە اىشلىرى قاباغا آپارسىن.

«دوشوننمەسە، آنلاق قازانانماسا
اولدوزو، طالعى پارلايا بىلمز
چاشىب اۆز - اۆزۈنۈ تانىيانماسا
سعادتە دوغرو اوغرىيا بىلمز

...

سن داها دونن كى اوشاق دئىيلىسن
آنلايىب اۆزۈنۈ تاپا بىلىرسن

۱۰۲ / سهند ايله قارداش آندي
عقلوي - هوشورو ايسلهده بيلسن
او توروب، داها گؤز گؤئيه تيكمزىن»

سهندىن دئىيىينه گۈرە انسان دىلكلرىن خىال دنياسىندا جانلاندىرماق يېرىنە گرچك دنيادا جانلاندىرمالى دير. گؤئىيە باخماق يېرىنە يېرە باخىب، خىال دنياسىندا ياشاماق يېرىنە دوغرو - گرچك دنيادا ياشامالى دير. او دوشونجە گوجوئىيە طبىعتى رام ائدىب، اوندان يارارلاناراق چتىنلىكلىرىنى دايانمالى دير.

«چتىنلىكلىرىنى دايانمالى دير سلاخسىز دئىيل دير حياتدا انسان طبىعت توکىمىز قوهلىرىنى اونا قول يارادىب يارادان زمان»

سهندىن باخىشىندا انسان دوشونجە گوجو ايله طبىعتىن ياراتدىقلارىندان يارارلانىب، اوزو اوچون ياشام ياراغى دوزلده بىلر. گاھدان طبىعت انسانى چتىنلىيە سالسا دا، بو چتىنلىيەن قارشى سىندا دايانماق اوچون ياراتدىقلارين اونون اليئە وئرمىش دير. سهندىن گۈزوندە وارلىق كىلىپ چوخ پيرتلاشىق بىر كىلە دوغۇ اوچون انسان اونون اوچون هله تاپا بىلەمە مىش دير. هلهلىك اونون تىترە ك الى بو كور دوبونو، بو چتىن تاپماجانى آچماقدان عاجزدىر. سهند بولىپ كىلىپ تاپماغا، بو كور دوبونو آچماغا، اينانا بىلەمە مىش دير. اونون باخىمەندا بو قورولوشون ھانسى گوجله، نئجه ياراتماسىندا، اونون ايلكىندىن - سونوندان دانىشماق يالنىز

يانليش خيال دير، هامىسى بوش سؤزلىرىدیر. چون انسانىن دوشونجه-
بىلگىسى هلهلىك بو آنلامى آنلايىب، آچىقلاماقدا اونا ياردىيم ائده بىلمز.

«تانيماق اولسا دا كۈكۈنو يقين
ازل قوپاريوي تاپماق محال دير
هر كىس نه سؤيلەسە، سؤيلەسىن، دئىسين
هلهلىك هامىسى يانليش خيال دير
كىمسە خاطرلايا بىلمز هله ده
قالخىيان دوشوبسن يولا هارادان
وارىيان گىدىرسن ھانسى مقصده
آنjac بللى دير كى يول دادىر كروان!
ھانسى قدرت يولو ايشيقلاندىرىرىر
قوت وئرير، قول - قىچ وئرير يولچويا؟
بو سؤنمز او جاغى كىم دير ياندىرىرىر
گىرمك اولارمى، بو، درين قويويا؟»

سنهندىن باخىشىندا انسانىن يارانىشى، اولومدن سونراسى، يارانىش آماجى
قارانلىق دير. هنج بىر انسان اونو دوغرو- دوزگون آنلايا بىلمەميش دير.
انسانى، دنيانى، بوتون يارانىشى - قورولوشو دولاندىران گوجو تانيماق ايسە
امكانىزىدىر. بونا گۇرە ده بو گونودا بو گونەجە دئىيلەن سؤزلىين هامىسى
دەرسىزدىر. بللى اولان يالنىز ياشامىن دوام ائتمەسى، انسانلارىن اولوب-
اولمەسى، گلىب - گئتمەسى دير.

۱۰۴ / سهند ایله قارداش آندي

«اگر چيixa بيلسەك مجردىكىدن
حياتى حقيقت گۈزۈلە گۈرسك
اولوم حيات دئىيە، يئنيليك دئىيە
بىر دەيىشىكلىيە چئورىلەجك
بىر دەيىشىكلىيک كى، نتىجهسىنده
چوروک چئورىلېرى جوان قدرته
قاڤله يئنى گوج، يئنى قوتلن
 يولون چكىپ گئدير ابديتە
دئمك خىاملارين اسفلنەمى
ئيرسىز اولماسا دا، آنجاق يانلىش دير
كوزەچى يئنى بىر قىدح دوزلدىر
دالىجا كەنهنى چالىر سىندىرىر!»

انسان اۆز ايلكىن - سونون، يارانيش - قورتولوشون ھابئله دنيانين ازلين -
ابدىن آنلايا بىلمەدىيى اوچون بعضاً يارانيشى - قورولوشو نەدنسىز،
آماجسىز گۈرموش دور. فلسفى رباعىلە شاعرى خيام، بئلە انسانلاردان
اولموش دور. انسانلارين ايستەمەدن، بىلمەدن دوغىمىسى، سونرا بىللى آماجا
چاتىمادان اولمەسى، داها سونرا ايسە باشقۇ انسانلارين دوغۇمۇ، بو بئىوک
فارس شاعرين دوشۇندورمۇش دور. او اۆز شعرلىرىنده دئنە - دئنە اۆز
آجىغىن يارانيشدا، ھابئله ياراداندان اوژە چىخاردىب، دىلە گتىرمىش دير.
سهند خيامى باشا دوشەرك، اونون دويغو - دوشونجەسىن آنلاياراق، اونا
حق وئرسە دە، اونون دوشونجەسىن يانلىش ساييمىش دير. سهندىن
باخىشىندا يارانيشىن آماجي انسانى كمالا چاتدىرىپ، دوغرولتماق دير. بونا

گۈرە دە اولوب - اؤلمىكلىرى، گلىپ - گئتمىكلىرى بوشونا دېيىل. ياشام دوام ائتدىكىجە انسان، دنيا، بوتون وارلىق كىملا، دوغرو لماغا سارى گىدىرى. بونا گۈرە دە سەندە خىامىن ترسىينه ياشامى آماجسىز ھابئلە پوج گۈرە بىلەمە مىشدىر:

«گۇنلۇر عمر يولۇندا، سىيم آغا جىلارى كىمى، گلىپ كەچىر بىر بەبىر، ھامىلار گۈرە بىلەمېر، بو يولۇن، بو گىدىشىن، آخرى ھارا گىدىرى، بعضاً دوشگۇن خىاللار، زەھلەسىز شىج كىمى، منه دە قارشى دوروب، سارسىدىيچى دويغۇلار، اولوم زىنقىرۇو توڭ، قولاغىمدا زنگ وورور، مگر بو حىات نەدىرى؟ گۈرونزمىز بىر مقصدىن، داشلى - تورپاقلى يولو؟ يا خود دنيا آدلانان، بو سوسوز بىبابان دا، بىر يارىمچىق كۆزە سو؟ ھەر معناسىز بىر ھوس، ياندىرىرىپ اىچىمىزى، اىچدىرىپ اونو بىزە؟ ھوسلرىن سايى يوخ، عطش، بوشالىر ھە آن كۆزە؟ منه بئلە گلىر كى، بىر دوستاق مەحکوم كىمى، دىرىھىيە باغانلىمېشام. اجلين دلر اوخۇ، باغرىمى يارماق اوچۇن نوبته دايامېشام.»

بعضاً سارسىدىيچى دويغۇلار، دوشگۇن خىاللار، زەھلەسىز شىج كىمى سەندە اوز گتىريپ، اونو دا آياقدان سالماق اىستەمېشدىر. بعضاً اونون اوچۇن دنيا سونسوز - آماجسىز ياشام ايسە يوخلىغا، اولومە چاتان بىر يول گۈرونemos دور. بعضاً سەندەين گۆزۈنده دنيا سوسوز بىر چۈل، ياشام ايسە بو چۈلۈن داشلى - تورپاقلى يولۇندا، بوش كۆزە ايلە، قىزىمار گونش آلتىندا، سوسوزلوقلا، اورك يانغىسى ايلە، گۈرنزمىز بىر آماجا سورونمكىدن باشقى بىر زاد گۈروننمە مىشدىر. بئلە بىر يولا چىخان انسان عمرلوك دوستاق اسىرى كىمى، اولومو گودمكىدن، باشقى چارەسى اولما مىشدىر. بونلار خىال اولسا لار دا سەندە كىمى اولو انسانى سىخىپ، اينجىتىمىشدىر. آنجاق بو خىاللار سەندى يىخا بىلەمە مىشدىر. او گوجون توپلا ياراق بو بوش،

۱۰۶ / سهند ايله قارداش آندي

دوشگون خياللاري قوووب، گرچكلرى گئوروب، دوشونوب، دانىشماغا
باشلامىشدىر.

«من گئوردو يوم دنيادا، هر شى آشكار آيدىن دير، گونش وار، ايشيق سالير،
انسانلار مەحکوم دئىيل، چىچك آچىر، بار وئير، حياتىندان ذوق آلىر.
انسانلىق وار، دوستلوق وار، من گئوردو يوم دنيادا، تامتاراقلى بىر دستان،
طنطنهسى بىر عالم، عظمتى بىر معنا، انسان تك اۋزو دئىيل، كېچميشى،
گلهجەبى، عشقى وار، مقصدى وار، قورو بوش خيال دئىيل، بو عالم، بو
كايىنات، بو قىش، بو ياي، بو باهار. ايتىل اى دوشگون خيال! سفىل
رؤپالارينلا! دنيامدان چىخ تك دولان! گئىت وارلىغى، حياتى، عشقى،
دۇستو، انسانى، هر نه كى سانىرسان، سان!»

قارانلىق دنيانى بوروسەدە، سهند گونشىن دوغوشونا، پارلايىب، ايشيق
ساچماسىنا اينانمىشدىر. قىشىن شاختاسى بوتون دىرىلىرى كىرىتىسە دە
سهند يازىن گلىشىنە، داغلارين، باغلارين گول - چىچكىلە بىنمهسىنە،
آغاچلارين بار وئرمەسىنە اينانمىشدىر. انسانلار اولوب، اۆلمەيە، ياشاماغا
چارھەسىز اولسا دا سهند اونلارى اسىر كىمى يوخ، بلکە آزادلىقلە،
خوشبختىكىلە ياشامدان داد آلماق دا گئورموش دور. انسان، انسانلىق،
يولداشلىق، سئوگى - سايغى اساسىندا ياشاييان چاغ، ياشام اونون اوچون
آنلام تاپىب گۈزللەر. سهند انسانلارى انسانلىق اساسىندا ياشاماغا،
ياشامدان داد آلماغ، ياشاما آماج، آنلام باغيشلاماغا چاغىرمىشدىر. سهند
اۆلومو يوخلوق، ايتىب - باتماق كىمى گئورمەمىشدىر. اونون باخىشىندا هر
فنا بىر بقايا، هر اۆلوم ايسە بىر دوغوما نەدن اولور. ياشام كروانى دايامدان
قاباغا گئىدەر. انسانىن دوشونجهسى پارلايىب، بىلگىسى آرتىب، گۈزلرى
آچىلدىقجا حقىقت اوستوندن پerde گۆتۈرولوب، اونون داها خوشبخت

اولماغىنا نەدن اولور. سەندىدين پارلاق حقىقت ساندىغى اينانج انسانلىق دىر. او اينانمىش دىر چاغ ائتدو كجه، انسان ياشادىقجا بوتونلىشىپ، دوغرولوب، كمala چاتار.

«آغىزلارا دوشموش فنا سۆزۈنده
نە حقىقت واردىر، نە دە كى معنا
ھە بىر فانىلىيىن مرمۇز اىچىننە
كىزلىنىب ياتمىش دىر، يو كىك بىر بقا
تکامل آدلانان، او بؤيوك قوت
ابدى ياشايير بو بقالىردا
انسانلىق آدلانان، پارلاق حقىقت
گۈن بە گون گۈتۈرۈر، او زوندىن پردى.»

بئلەلىكىله دئمك اولور سەندىدين ياشام فلسەفسى تکامل ايلە كمala چاتماق او لموش دور. باشقىا سۆزلە سەندەن اوچون اۇنملى او لان انسان يوخ، انسانلىق دىر. بىر انسان اۇلوب، باشقاسى دوغا بىلر. آنجاق اۇنملى ياشامىن دوام ائتمەسى، انسانىن داها ياخشى، داها دوزگون دوشۇنەسى سۇنرا دا بۇ دوزگون دوشونجىيە دايىناراق، اينانجلى، آماجلى ياشاماسى دىر. بو دا چاغ ائتدو كجه، انسان گۈرۈب- گۈتۈرۈدۈ كجه، آنلايىب- دوشۇندۇ كجه او لاسى دىر. بو ايسە تکاملدىن، دوغرولماقدان باشقىا بىر زاد دئىيل.

بۇنۇنلا بئلە هر انسان اۋز قىسا عمرۇنده دوغرولوب، كمala چاتىپ، خوشبخت اولوب، سونسوزاجا ابدى او لاراق خوشبختلىك اىچرە ياشاماق اىستەميش دىر. انسان ايلك قوپارىن، كۈكون- قایناغىن قىساجا يارادانىن

۱۰۸ / سهند ايله قارداش آندي

تانيماسا يا دا تانيماق ايستهمهسه ۵، اوونون وارليغى، نئجهلىيى چوخ دا اوно دوشوندormese ده اۆز سونو، آماجى، چاتاجاغى اونو چوخ درين دوشوندوروب، هؤووشنهلنديرىب، قورخوييا سالمىشدىر:

«اختيارسيز اولسا يارانميшиمىز
چىخمامىش اولساق دا يولا اۇزوموز
مقدسىز اولانماز اوغرابىشىمىز
دويار بئىينىمز وار، گۈرر گۈزوموز
حياتى دادىيان تامسىنانادك
نه دىريلىك نه ده وارلىق آنلادىق
بو بارلى باغچانىن ميوهسىن يئجه ك
خوشلاندىق، ابدى حيات آختاردىق.»

انسان آنادان اولاندا وارليغى، اوونون ايلكىن- سونون ھابئله اۇزونون نه اولدوغون، نئجه ياراندىغىن دوشونه بىلمەمېشدىر. سونرا دا بئيىدوكجه دنىانىن ھابئله ياشامىن گوندەلىك ايشلرى، چتىنلىكلىرى، سئوبىنجى- كدرى اوونون باشىن قاتىب، اونو دوموك ائتمىشدىر. بئلەلىككە چوخلارى ائلumo اونو تموش، ياشامى، دىرىلىيى سونسوز سانمىشدىر. آنچاق چئورەسىنده كى انسانلارين ائلumo اونو دوشوندوروب، قورخوتىموش دور. اوونون اوچون ان بئيىك قورخو، ان بئيىك آغرى- آجى ايتىب- باتىب، ائلوب- قورتولوب، اوندولماق اولموش دور. بونا گۈرە ده سونسوز ياشام آختارماغا باشلامىشدىر. گاھ دىرىلىك سوپىونون وارليغينا اينانىب، اونو آختارىب، تاپىب، اوندان اىچمككە سونسوز ياشاما چاتىب، ائلومدىن

قورتولماق ايستەميش، گاھ دا دونبادونا اينانىب، اولومدن سونرا يئنىدىن
دوغولوب، ياشاماغا يول آچماغا چالىشمىشدىر.

«بونولا ھەر حال دا ياشايير انسان
ايستەيير كام آلا ياشايىشىندا
چوخ ايدەآللار کى ايش دە مقصىدىر
هامىسىن بو ساعت، بو آن ايستەيير
يوخلوغۇ دەشتلى ساندىغى اوچۇن
اولومدە دە حیات آختارىر سىن- سىن
وارلىغىن لىذتىن تامسىندا انسان
گۈك دە دەشتە دوشە يوخلوقدان
عشقى، ايدەآللى جاویدانلىق دىر
سرانجامى ايسه، قېرىستانلىق دىر
او قېرىستانلىقى مقصىد سانامىر
وارلىقدان يوخلوغۇ رجعت وارانمىر
حیاتى او مگر سادە جە تاپىپ؟
ازىزلىكىنلىك بىر باش آت چاپىپ
بو اوزون سفرىن آخرى عدم؟
دئىير بو دەشتە اينانمارام
بو اينامازلىغا انسان حقلى دىر
يازىغىن ھله نه اولمك وقتى دىر
بلى اولوم آجي بىر واقعىت
ھر نە دن ال اوزوب گئتمك، فلاكت»

انسان اوز قيسا عمرونده كمala چاتيب، خوشبخت اولوب، سونسوزاجا بو خوشبختليكده قالماق ايسته ميشدир. بونا گئره ده يو خلوقدان قورخوب، او لمدن قاچماق ايسته ميشدир. اونون ايسته ك - ديله يي سونسوز ياشام اولسا دا، او لمومو آجي گرچك كيمى گؤزونون قاباغيندا گئرموشدور. او بوتون ياشاملارين سونون او لموم، بوتون انسانلارин سون يئرين ايشه قيرستانليق گئرسه ده، اونو اينانماق ايسته مه ميشدир. قيرستانليق اونون اوچون مقصد، او لموم ايله يو خلوقدان ايشه ياشامين سونو ساييلا بيلمزدى. آنجاق بونو قبول ائتمىدن، بونا بويون ايمىDEN، باشقا چارهسى يوخ ايدى. انسان، گرچك دنيادا او لمدن قاچماغا، ديريلىيە يول آچماغا، يو خلوقدان وارلىغا قاييتماغا يول تاپا بىلمەدىكده، او زونه توختاقيق وئرمك اوچون خيال دنياسينا، رؤيالار دنياسينا سىغىنىپ، افسانه لر، ناغىللار قوشوب، ياراتىماغا باشلامىشدىرى. او اوز رؤيالاريندا، اوز خيالىندا اوزو اوچون يو خلوقدان وارلىغا، او لمدن ايشه ديريلىيە قاييتماغا يول تاپىپ، سونسوز ياشام آرزوسونا چاتمىشدىرى.

«اورادا كى هر نەدن او مودون او زور
آختارىب، آرايىر تسلى گىرى!
سۈكۈپ آچانمايىر چون تاپماجانى
حقىقتىن آرتىق سۈوير رؤيانى
شىرىن افسانه لر يوغورور، ياپىر
دۇئور افسانە دن اوز - او زون تاپىر
خىاللارا دالىر، فىكلر چكىر

بعضاً ده ايشى لاب اوھاما كئچير
درىن رؤيالارا جومور، خوشلانىر
گاه اوزون گئىدە، گاه جنتە سانىر
كاش واقعيتىن، ال اوزمەسە ايدى
آرايىب ايشين لاب دىيىن گۈرسە ايدى.»

سەھند نىسگىل ائدىر كاش انسان دوغرو- گرچە يى بوراخىب، افسانەلرە،
رؤيالارا اوز گتىرمە يە ايدى. كاش داها آرتىق دۆزوب، آرتىق دوشۇنوب،
ايشىن سونۇن، نه اولدوغۇن آنلايايدى. آنجاق نه يازىق انسان دۆزومسوز
اولدوغو اوچون، داها تئز آماجا چاتماق اوچون اوزاق دوغرونۇ بوراخىب،
ياخىن اوغرودان ياپىشمىش دىر. بوتون بونلارلا بئلە سەھند افسانەلرە
اسكىك باخماغى دوز بىلمەميش دىر. اونون باخىمىندا افسانەلر دالدارىندا
بئيوىك دوغولار گىزلىنە بىلر. او معادى - قايىدىشى افسانە بىلمەسە دە اونا
يىنى بىر آنلام وئرمىش، بو تاپماجانى، بو كور دويونو آچماغانى
باشارمىش دىر:

«معاد سر لوحەلى شعرىيمە دە من
انسان طالعىنى آراشدىراركىن
چوخدان دىر آچمىشام بو مۇمانى
ھلهلىك سن اونو افسانە تانى
ھەچ بىر افسانە يە خور باخماق اولماز
امكانسىز آرزولار فىكرە يول سالماز.»

۱۱۲ / سهند ايله قارداش آندي

سهند بو اسکى افسانه‌نى، بئيوک ايده‌آلى، ال چاتماز آرزوно، انسانلىقدان
باشقابير زاد گۈرمەميش دير:

«افسانه، انسانلىق سين- سين آختاران
ايده‌آل دنيانين تبسمودور
حياتدا تجسم تاپىب- تاپمايان
بئيوک آرزو لارين ترنمودور.»

سونسوز ياشاما چاتماغىن تكجه يولو انسانلىق اساسىندا داورانىب،
ياشاماق، ياخشى اىشلر گۈرۈپ ياخشى آد قازانماق دير:

«كىيم دئىير اولومدور جاندان ال چىكمك؟
بو اولومدن دوغار، باشقابير حيات
انسان اوز جانىيدان، كىچىمه سه دئمك
ابدى حياتا چاتارمى؟ هىيەت!
فرهاد دنياميىزدان اولوب گئتسە ده
ھله، كولونگونون سىسى گلىرى
ايستەك ده گىزلىن تو كىنمز قوه
ھله ده داغلارين باغرىن دلىرى
آغىزلارا دوشموش فنا سۆزۈنده
نه حقىقت واردىر، نه ده كى معنا
ھر بير فانىلىيىن، مرموز اىچىنده
گىزلىنىب ياتمىش دير، يوكسک بير بقا.»

انسانين انسانلىق اساسيندا ياشاماسى اونا آد قازاندىرىب، سونسوز ياشام باغيشلايىب، ئولوب، ايتبىپ، باتماقدان قورتارار، بئله انسان ھم اۋزۇن ھم دە باشقىلارين دوغرولغان، دوغروماغا چىكىر، هر حال دا سنهندي ئولومو يوخلوق يوخ، بلکە وارلىغا، دوغوما يول آچان بىر اولاي سانمىشدىرى:

«توفانلار ايچىنده قالسا دا گنجلىك
اوپلوب گىتمەيەجك قالخىب دوراجاق
كۈكون بركىتسە دە يېرلەدە چوروک
دنىادا چوخ زمان ياشاما ياجاق
آنjac دنهلىرىن سېپىب گؤيرىدىن
آغاچلار، هەچ زمان فانى اولمايىر
اۋزو چورو يورسە، گىدىرسە الدن
يئنى شووكەلرده دوروب ياشايىر
قوى بونو آنلاسىن حىات باغىندا
حاصلىسىز گئيرىن آزغىن وفاسىز
چىچكلىر، جوجرمز باهار چاغىندا
چوروموش يارپاغىن تۈكمەسە پايسىز.»

٦- انسان - دنيا

دوشۇنجهلى اولو انسانلار اوچون دنيا قالمالى، ياشامالى يئر سايىلمامىشدىرى. اونلارين باخىشىندا انسان ايستەمەدن بو دنيا ياخىلىمەشدىرى. هەچ انسان بو دنيادا بوتون ايستەكلرىنە چاتا بىلمىز، انسان بو گلمىشدىرى.

۱۱۴ / سهند ايله قارداش آندي

دنيادا ياشاديغى قيسا عمرونده ياخشيليقدان چوخ پيسليك گئورر. اونون ايتكى سى قازانجىندان چوخ، آغرى سى دينجلىيىيندن چوخ، آجي سى شيرينيندن چوخ، نيسكىلى ده اوغور- باشارى سيندان داها چوخ دور. اينانجسيز- آماجسيز، دوشونجه سيز، آنلاقسиз، ديري قالماغا چالىشان، بير چئشيد عمر كئچيردىب، حيوان كيمى ياشاييان انسانلارين سايىي انسانلىق اساسيندا انسان كيمى ياشاييان انسانلارдан قات- قات چوخ دور. انسان كيميلر آزلىقدان حيوان كيميلرين سوروسونون ايچيندە گۆزدن ايتميشرلر. بئله بير دنيادا ياشاماق دوغرودان دا دوشونجه لى انسانلار اوچون آغييردىر. بونا گئره ده اونلار بو دنياني قفسه، دوستاغا بنزتمىشلر:

«يئنه شاه پر آچىب خيال ترلانيم
يئنى افقلرين سينه سين يارير
شعريمله باغلابىب قاناد- قانادا
بىلمم هارالاردان نهلر آختارير
يئرده اوو باشينا قحط اولوبان
گئدير قاف داغىندان سىمرغ آختارا
يوخ! اوزون بىلنه دنيا قفس دير
blkhe ده جان آتىر، جانين قورتارا
قفس نه قدر ده گئنىش اولسا، قوش
يئنه ميله لره گئدر سوواشار
خيال هئچ اولچويه سىغىننان دئىيل
هر قابا تؤكولسە دولدورار داشار
نئجه جالانماسىن، نئجه داشماسىن؟»

ئىچە ئۆزلىيوندن چىخماسىن انسان؟

ئىچە بو دنيا ياخىلىپ - گىئدىم من،

باش آچا بىلەمىم نە اولدوغۇمدان؟»

بۇتون اولو انسانلار قفسە دوشۇوش قوش كىمى هر آن قورتولوشو دوشۇنوب، اۆزۈن قفسىن مىلەلرینە چىرپان اسىر قوش كىمى چىرىپىنىپ- چالىشىپ، قورتولوشما يول آختارمىش دىر. اونلار، دنيادا قورتولوش يولون تاپا بىلەمىدېكىدە، خىال دنياسىينا چكىلىپ، بو سىنيرسىز دنيادان قورتولماغا چالىشمىشلار. دنيا نە قدر بؤيوڭ، نە قدر گئنىش گۈرونسىدە اولو انسانلارى اۆزۈنە سىغىدىرا بىلەمىش دىر. اولو انسانلارين خىال ترلانى بو دنيانىن اوزدە گئنىش گۈرونن قابىينا يېرلىشىمەمىش دىر. انسان اۆزۈنون، دنيانىن، يارنىشىن باشىن- دىبىن، ايلكىن- سونون، نە اولدوغۇن، ھارادان گلىپ، ھارا ياخىلىپ دىلەمىش دىر. آنجاق بو سورغۇلارا ھەچ بىر آن دوغرو- دوزگۇن جواب تاپا بىلەمىش دىر. بو اوزدن دە دنيا گۈزۈنده بىر قفسە، دوستاتاغا چئورىلمىش دىر. ياشام ايسە اونون اوچۇن چىتىنلىك گۈروب، آجى چىكمىدىن باشقىا بىر زاد اولمامىش دىر.

«حيات بورغانينا آتىلان انسان

چوخدان ال- قول چالىر، چوخدان دىر، چوخدان

مقصدى نە قدر اولسا دا علوى

طالعى- گونو چوخ غەملى دىر، غەملى

ھەچ وقت دولانىماش دنيا كامىجا

مشقت داشىمەمىش عمر بويوجا

۱۱۶ / سهند ايله قارداش آندي

حيات، نئجه دئير، بال و تيكان دير

آزى شربت، چوخو ايرين دير، قان دير

ئينيشلر تئز كئچير، يوققوشلار اوzac

غم گونو اوazon دور، شن گونلر قيوراق

خوشلوقلار دا زمان يئل تك فيرلانير

دارليغا واراندا دورور، دايانيز»

سهندىن گؤزوندە ياشام دنيز ايچره اولان بورولغانما تاي دير. انسان ايسە اونون اورتاسىندا ال- قول چالماق دا، بوجولماق دادير. انسانىن عمرى- گونو غم- كدرله، چتىنىيكلە دولو اولموش دور. سهندىن دئىيىي كىمى ياشام يولونون چوخو، تىكانلارلا دولو اولان يورو جو يوخوشلاردىر. يول بوي او، چوخ چاغلار، قان- چركدن باشقىا ايچگى تاپا بىلمىز. بو او زدن ده اونون بختى- گونو قارا، اوره بى ايسە غملە دولو اولموش دور. اونون دار گونلىرى، غملى گونلىرى اوazon، خوشلوغۇ، شن گونو ايسە اولدو قجا قىيسا هابئلە كئچىجى اولموش دور. بونا گؤره ده اولو انسانلار دنيدان، ياشامدان، چاغдан آجيقلانىب، هئچ بير آن اونونلا باريشا بىلمەميشلر:

«لكن زمانه مىز پىس زمانه دير

قورخولو يوللارين كروانىييق بىز

تارىخىن اوچوروم كئچىدلرىندىن

كئچىب گئتملى دير محكوم نسل يمىز

اودور كى يورغونلار يورولوب قالىب

افسانە يە دونوب مردىلىك- اىگىدىلىك

كۆپ سىنيب، پىمانە يئرە جالانىب
 بوشلوقلاردان اوامود، قايغى گزيرىك
 اوزمۇم آغاچلارين چور ووروب بوتون
 باغى چايرى باسىب، هر يئر تىكان دىر
 سولار باشسىز آخرى، سو سوواران يوخ
 قوجا باغانىندا اورەيى قان دىر.»

سەھنەد چاغى پىسلەدىكىدە دىيانى، يارانىشى، قورو لوشۇ بوتون وارلىغى پىسلەمك اىستەميش دىر. پىسلە، پىسلېك دىنيا بويو، تارىخ بويو اولموش دور. بونا گۈرە دەھىچ بىر آن دىنيا پىسدن، انسان ايسە پىسلېكىدىن آرىنىب- دورولا بىلمەميش دىر. انسان يارانان گوندىن، دىنييا آتىلان گوندىن، ياشاماغا مجبور اولان گوندىن، دوستاغا، ايشكىنجىيە، آغرى- آجىيا دۇزمەيە محکوم اولان سوچلو كىمى، قورخولو يوللارдан كىچىمەيە، قورخونج اوچوروملاрдан آتلاماغا، چارەسىز اولموش دور. چوخ انسانلار يولون چىتىنلىيىندىن يورولوب، يولدا قالىب، آماجا چاتا بىلمەميش دىر. چوخ اىگىدلەر، اولولار دىيانىن اوپۇنلارينا اوپۇب، آلچاقلىقلا، اسگىكىلىكە ياشاماغا بويون ايمىشلەر. چوخ يول گۆستەرنلر بئزىب، آزىب، يورولوب يول آزدىرانا چئورىلەمىشلەر. چوخ اوامود وئريجىلىرىن اوامودو اوژولوب، قول- قانادى سىنيب، يئىيندە او تو روپ، كوتلەنى ياشامىن سوسوز، تىكانلى چۈلۈنده اوامود سوز بوراخمىشلار. انسانلارا انسانلىق اىچگىسى ايلە شىنىك، اوامود باغيشلايان چوخ قوجا باغانىلار، اوزمۇم آغاچلارين بىسلەمكىدىن، اوزمۇم درمكىدىن، چاخىر قويماقدان سونوندا ايسە اونو ائلە پايلا ماقا لە ئىلە شىنىك باغيشلاياماقدان بئزىب، يورولموشلار.

«دنيانين غريبه اويونلاري وار
انسان دا بو قدر تئز آلانارميش؟!
بو آلانامق دئيل، ساتيلقانليق دير
اشتايين بهى»ي ده آلماق اولامريش!؟»

آزغين اولولارين هامي سى بير نه دنه آزمamيشلار. اونلارين بعضى سى اينانج- آماج يانلىشىلەغىندان، بعضى سى درين اينانجىن يولوغوندان هابئله آماجى دوزگون تانيماماقدان، بعضى سى گوجسۇزلوكىن، دۆزۈمىسۇزلوكىن هابئله تلسىمكىن، بعضى سى ده دنيايا، كۈنۈل ايستەكلىرىنە باشقۇ سۈزلە وار- دولته، آد- سانا آلانامقدان انسانلىق يولوندان، دوزلوكىن آزىب، ايلقار پوزوب، حيوان كىمى ياشاماغا اوز گتىرمىشلر. انسان اولوب، انسانلىق اساسىندا ياشاماق اوچون انسان دنья، دنья وارينا بئل باغلامامالى دير. باشقۇ سۈزلە انسان يالنىز ديرى قالماق اوچون، ياشايىا بىلەك اوچون، انسانلىق آماجىنَا چاتماق اوچون يئملى دير. ياشام آماجىن يئمك ده- ياتماق دا گۈرن، دنья وارينا بئل باغلایان، دنيانى دئورد اللې توتنان، انسانلىق اساسىندا ياشايىب، دوغرو، اولو انسان اولا بىلە.

«دئورد اللې توتماديق بىز بو دنيانى
حياتى شرفده، مردىكىدە بىلدىك
ياشاديق شرفلى ياشاماق اوچون
ساواشدىق، ووروشودوق، اۇلدوردوک، اۇلدوك.»

سنهندي، ياشامي دوشونوب- دوشوندورمك، ياشاييب- ياشاتماق هابئله بو
قوتسال آماج اوغروندا چاليشيب، ساواشماق بيلنردن، بو يولدا جاندان-
مالدان، واردان- يوخدان كيچنلردن اولموش دور. بونا گؤره ده آنلى آچيق،
اوزو آغ، باش اوجا ياشاميش دير. آنجاق بو دنيادا سنهندي كيميلرين سايى
بارماق سايى قدر اولموش دور. ترسينه آلچاقلار، اسگىكلر، ايرى- اوغرولار،
پيسىلر ھميشه چوخلوق دا اولموشلار. بونا گؤره ده هر ياندا، هر چاغدا
پيسىليين قارانلىغى دنيانى بوروموش دور. بو دا سبب اولموش اولو
انسانلارين بير چوخو دنيادان، يارانيشدان آجيقلانسىن.

«بودور انسانلىغىن طالعى، گونو
بو قارا لوحەنى قازانا قارغىش
ازىزدىن ديرىلىك، حىات سۆزۈنۈ
انسانىن آلىنينا يازانا قارغىش»

سنهندين باخىشىندا انسانين قارا بختىلىكىله، قارانلىق دا ياشاماسىندان
ياشاماماسى داها ياخشى دير. بونا گؤره ده قارا بختى انسانين آلىنina يازانا،
اونو قارانلىق دولو دنيايا سالانا قارغىش ائتمىش دير. سنهندين بو
دوشونجه يە چاتماسى اۆز- اۆزونە، بىردىن بىرە هابئله يېرسىز، نەدنسىز
اولمامىش دير. او دنيانى پيسىلىكىله دولو، انسانلارى انسانلىقدان اوزاق،
ياخشىلىغى ايسيه اوندولموش بير آنلام گۈردو كده هابئله پيسىلرى ايش
باشىندا، ياخشىلارى ايسيه آياق آلتىندا گۈرركەن دنيا گۈزۈنده قارالمىش،
دنيادان، انساندان ال اوزموش، اومودسوزلوكى دنيانى- انسانى سؤىمه يە،
پيسىلەمە يە باشلامىش دير:

«تلانلار چو خدان دير دئونوب قوزغونا
 باخمير كىچميشينه، كيم اولدوغونا
 ايتيرميش منلييin، شرفين، آدين
 جمدكىلدەن گزير رزقىن، مرادين
 آزغىنلىق انسانى يامان چولغامىش
 دئونوب رذالته طرف اوغرامىش
 فضيلت تانيمير، ياخشى - پيس بىلمىر
 دال - قاباغىن، بىرده قارنىنى گودور
 شيطان تله قوروپ انسان توتماغا
 طعمهسىن باتىريپ بالا - قايماغا.»

اوغرولوق سىمگەسى شيطان، دوغرولوq سىمگەسى انسانى دوغرولوقدان،
 اوغرولوغا چىكمك اوچون مىن اويندان چىخمىشدىر. چىشىدلى يوللا لا
 اونو توللايىب، اويدوروب، ياندىريپ، كول ائتمىشدىر. انسان دوغرولوغون،
 انسانلىغىن جىغيريندا گىدرىن اونو آلدادىب، آياغىندان چكىب، آلچاقىق،
 اسگىكلىك، حيوانلىق درهسىنە يىخىب، سالمىشدىر. هر انسانىن
 اىچىنده، اورەيىنده، باشىندا اولان نفس، شيطان باشقىا سۆزىلە حيوانلىق
 اىستەكلىرى، ياشام فلسفەسىن حيوانى غربىزەلرە، آلچاق اىستەكلىرى بويون
 ايمكلىه، اولدوqجا چوخ پول - پارا قازانماق، داها ياخشى ياشام ياراقلارى الله
 گتىرمىك، سونرا دا بو ياراقلارىن ياردىمى ايله بوتون كؤنول اىستەكلىرىنە
 چانماق، سونوندا ايسە دىيانىن، ياشامىن دادىن چىخارتما
 گؤستردىرىميشدىر. بو فلسفە يە گۈره خوشبخت انسان، انسانلىقدان قىريلىب،

حیوانا چئورىلمىش كىمىسىدەر. بىلە بىر جانلى اوچون اوزو آغلىق، باشى اوجالىق، آنى آچىقلۇق آنلامسىز سايىلمىش، انسانلىق- ياخشىلىق ايسە يازىقلۇق - پخمهلىك آنلامىندا اولموش دور.

«انسانىن دهاسى، علمى گۈر نئجە
قايدىيەپ باشىنىن بلاسى اولوب
سعادت يارادان مىن جور وسىلە
نکبەت واسطەسى، قاداسى اولوب

...

نه هاوالار چالىر، نەلر اوخويور
انسان اۆز - اۇزۇنۇ تۇولاماق اوچون
شىطان تورو كىمى جله توخويور
قارداش قارداشىنى اوولاماق اوچون
نه اويدورمالار وار بىشىنەدە
واھ نە ساختاكاردىر مىن اوزلۇ انسان
يۇز تزویر گىزلىپ ھەنديشىنەدە
عمللەر ساخسىدىر سۆزلىرى قىزىلداڭ
حد چكىر، سد چكىر، گىنىش دنيانى
اۆزو، اۆز - اۇزۇنە زىدان ئىلە بىر
ستم قازماسىيلا قازىز ھەيانى
دوزنگاھلىقلارى يارغان ئىلە بىر

...

باخ گۈر يېرىن اوزو بويانىب قانا

۱۲۲ / سهند ايله قارداش آندي
 گور نه فاجعه لر تؤره دير انسان
 تؤره نه باخسانا، دؤله باخسانا
 بيلم داهما نهلر دوغاجاق اوندان
 اويدور مايا چئونوب حقيقت سؤزو
 دنيا زوردان باشقما بير حق تانيمير
 زورلو ميداندا تك اوزوودور، اوزو
 اوزووندن اوزگهسيين مطلق تانيمير
 انسان اراده سيز ماشينا دؤنوب
 كليدي پول، ثروت، اويدور ما سؤزلر
 وجданلار ساتيليش مالينا دؤنوب
 نه گونلر كچيرير انسان، نه گونلر
 جبهه لرده مين- مين گناه سيز عسگر
 تانيماز جاسينا بير- بيرين قيرير
 بو قيرغينا تانيش فرمان وئنلر
 سالنلاردا گيلاس- گيلاسا وورور.»

سهندين يولو، اينانجي، آماجي انسانليق اولموش دور. اونون اينانديغى
 حقيقىت يالنىز انسانليق دير. سعادته چاتماق اوچون انسان تكجه حقيقىت
 اولاق انسانلىغا اينانمالى دير. آنجاق آماج، مادى ياشامىن دادىن
 چىخارتماق اولاندا انسانىن بىلگىسى هابىلە اونون ياردىمىي ايله ياراتدىغى
 ياراقلار، باشينا قالخىنج اولوبان، اونون دينجلىيىن اليىدىن آلىب، اونو باريشا
 نيسگىل قويوب، سعادتى ال چاتماق بير ديلە يە چئويرىب اونو حيوانلىغا
 چىكىر. بىلە بير انسان يالنىز اوزون دوشونوب، هر نه يى اوزونه ايستە يىب،

اودو اۆز قاباغينا ائشر. بئلنچى بير انسان يالانچى، مين اوزلو، ايلقار پوزان، توپوردوپۇن يالايان، آيرىلىق سالان، قان تؤكىن، دنيانى جەنەمە چۈرۈن اوЛАر. سەندەيلە كىيمىلىرى چوخلۇق دا ھابىلە ايش باشىندا گۈرددوكدە، وجىانلارى ياتمىش، حقيقىتى اونودولموش، سعادتى ايسە كۈچمۇش گۈرددوكدە، انساندان - دنيادان ال اوزوب، اوMODون كىسىميش دىر. پىسلېك انسانىن اىچىنده، كۈكوندەدەير. انسان هەچ بير آن بوتونلوكجە پىسلېكىدىن آرىنىب - دورولا بىلەز. بونا گۈرە دە هەچ بير آن انسانلىق اوستۇن اولوب انسان سعادتە چاتىب، دنيا ايشىقلانا بىلمەيە جىك دىر. بونۇنلا بىلە هەچ بير آن انسانلىق يولو يولچوسوز قالمامىش دىر. هەچ بير آن انسان انسانلىغى، ياخشىلىغى بوراخىب، كمال، سعادت دىلەيىندىن واز كىچە بىلمەمېش دىر. بونا گۈرە دە هەچ بير آن يېر اوزو دوغرو انساندان اسگىك اولمامىش دىر. بوندان علاوه گاھдан پىسلېيە بولاشان انسانلاردا ياخشىلىغا، دوغرولغان، انسانلىغا چكىلىپ، قىسا سورە اوچون اولسادا، كىچىجي - اۋترى اولسادا، انسان كىمى ياشاماق اىستەمېشلەر. بو ضدىت ھمىشە انساندا اولموش دور. انسانىن بو اۆزلىيى سبب اولموش اونو درىندىن تائىماق داھا دا چتىنىشسىن. سەندەيلە كىمى دوشونجە قايىتاغى اولان اولو انسان، انسانى دوغرو - دوزگون آنلاماق دا چتىنىلىك چكمىش دىر:

«سنه آلقىشمى، قارغىشمى دئىييم؟
سنه اى وارلىغىن سىرداشى انسان
سەنین خلقىتىنى يانلىشمى دئىييم؟
نه سن؟! تانرى مىسان، يا شىطان مىسان؟!
بىلەم نە خميردىن يوغۇرۇلۇسان سەن

۱۲۴ / سهند ايله قارداش آندي

آغيدان آجي سان بالدان شيرينسن
اپكден يوموشاق اولورسان بعضاً
گاهدان قاتيليق دا پولاد كيميسن
ذاتيندا اولان بو ضديت نهدير؟
بو ايکي جوره ليک نهدير قانيين دا؟
بو علويت نهدير، دنائت نهدير؟
فكرين ده، ايشين ده، جسم و جانيين دا!
بعضاً قارانقولوق، ظلمت كانيسان
گاه، گون تک پارلايان حق ايشيغيisan
گاهدان نه ديل قانييب تانري تانيرسان
گاه دا كائناتين ياراشيغيisan.»

انسانى تانيماق نئجه چتىن اولسا دا، دنيانين ايشيندن- اويونوندان باش
چيخارتماق اولماسا دا، سهند اونلاري تانيبيب، ايشلرinden باش
چيخارميش دير.

«عؤمور بورغانينا آتيلان انسان
سانما ال- قول چالىپ آخر بوغولور
بو ووروشمالارдан، ضديتلردن
يئنيليك جو جرير كمال دوغولور
بوردا اؤلمز بير سؤز دوشدو ياديمما
صابردن او بئيوك اؤلمز انساندان
بو چاخناشمalarى ويرانلىق سانما

سەندەن ئىلە قارداش آندى / 125

چالخانىر، آيرىلىق كىرە آيراندان!»

۷- آنا- قادین:

قادین دا کیشى ده انسان دير. انسانلار ايسه هامىسى حقوق باخيمىدان بىرگە اولمالى دير. بئله ايسه قادين ايله کيши اورتاسىندا آيرى- سئچگىلىك اولمامالى دير. اونلارين هئچ بىرى اوستون يا دا اسگىك سايىلمامالى دير. اونلارين هر ايکى سينه ده جنسىندين آسيلى اولماياراق انسان كىمى باخيمالى دير. انسانلىق ھابئله انسان حقلرى باخيمىدان قادينلا کيши نين هئچ فرقى اولماسا دا جسمى- روحى باخيمىدان اونلارى فرقى چوخدور. بو فرقى اونلارين هئچ بىرى نين اوستون يا دا اسگىك سايىلماسينا نهدن اولمامالى دير. آنجاق اونلارين اۋزلىكلىرىن اونوتماق يا دا بو اۋزلىكلىرى دوشۇنمه دن اونلارين حقلرىنى دن، اىستەكلىرىنى دن، ھابئله ياشامىندان دانىشماق دوز دئىيل. بو ايش انسانلارين ياشامىندادا، ياسالاردا، ھابئله توپلومدا بؤيوك قارىشىقلىغا نهدن اوilar. بو دا ائو اىچره، ائل اىچره آجىناجاقلى پوزغۇنلوقلار، ھابئله آزغىنلىقلارا يول آچار. قادين دويغو كانى اولدوقدا، کيши قايغى كانى دير، عائلەنин گلىرى کيши اليندە اولراق، اونون چىخارى قادين اليندە اولموش دور. کيши ائل اىچره گوجلو اولمالى اولسا، قادين ايسه ائو اىچره گوجلو اولمالى دير. قىساجا دئمك اوilar کيши قادينسىز، قادين ايسه کيшиسىز يارى آدام دير. بونلارين هر بىرى بوتونلشمك اوچون او بىرى يارى سينا قوووشوب، اونونلا بىرلىشىب، بوتونلشملى دير. تك قانادلا قوش اوچا بىلمەدىيى كىمى يارسىز انسان دا يارىم قالىب، بىر ايشە ياراما يىيب، بؤيوك اوغور قازانا بىلمز.

آنچاق نەدنسە اوزون ايللر بويو كيشيلر جسمى گوجلرينىه ھابئله اۋزلىكلىرىنىه دايىناراڭ يانلىش يئرە اۋزلىرىن اوستۇن، قادىنلارى ايسە اسىگىك سايىمىشلار. نە يازيق اوزون ايللر بويو قادىنا، الالتنى، سوچلۇ، اسىر ھابئله كؤلە كىمى باخىلدىغينا گۈرە ئو اونون اوچون دوستاغا، ار دوستاقچىيا، ياشام ايسە آجى چكمە يە چئورىلمىشدىر. تارىخ بويو آيدىن دوشونجەلى، عدالتسىور، انسانلىق آماجلى انسانلار بو يانلىش قورو لوشا قارشى چىم خىرىپ، دىرىھنىپ، اونو دەيىشىمك اوچون جاندان- مالدان كىچىپ، چالىشمىشدىر. بئلە اولو انسانلارдан آذربايچاندا ايسە آز اولمامىشدىر. اونلارىن بىرى آذربايچانىن بؤيوک شاعرى سەھند اولموش دور. او يېرى گلمىشكىن آنا- قادىندان سۆز آچمىش، اونلارىن حقلرىندىن دئمىش، كىشىلرى دوشوندورمۇش، قادىنلارى ايسە انسانلىق درجه سينە چاتدىرماق اىستەميشدىر:

«بىر دە آنا حقى، تانرى حقىدىر
مگر وصىتىن اونوتماق اولا؟
آنا تاپشىرىيغىن يېرىنە يېتىرا!
مرد اىگىد بورج اوستە جانىنى قويار
آنانىن ھر سۆزون، ھر وصىتىن
گۈز اوستونە قويار جومىرد اىگىدلەر
نە قدر دە آغىر اولسا يَا چتىن
حلال سود امنلار اونودا بىلە!؟»

۱۲۸ / سهند ايله قارداش آندي

سهند بير دين تاپشىريغىينا دايىاناراق آنا حقين، تانرى حقى ايله بىرگە سانميشدىر. بونا گئورە دە هاميدان ايستەميشدىر آنا تاپشىريقلارين، تانرى تاپشىريقلارى بىلىپ، يئرينه گتىرسىنلر. سهندىن باخىشىندا يئرى وار انسان آنا سۈزۈنە باخماق، اوئون تاپشىريغىن يئرينه گتىرمك اوغرۇندا جاندان كىچسىن. يئرى وار آنانى دوشمن اليندن، آياق آلتىندان، چىتىنىكىن، داردان- دوستاقدان قورتارماق اوچون انسان ھر اسگىيە- آلچاغا كىچىلىپ، يالوارسىن:

«گووهنمە يىين بو گون يالواردىم سىزە
آنام آياق آلتىدا قالماماق اوچون
آنا مقدسدىر ازلدىن بىزە
قويماريق آياقلار آلتىنا دوشسىن»

آذربايجان اىگىدلەرى هەچ بير آن آنادان واز كىچمە يىب، اوئو دوشمنە بوراخمامىشلار. ددە قورقۇد بويلارىندا آدى چكىلىمىش اوغوز اىگىدى، قازان، اوئنلارдан بىرى اولمۇش دور. اوئون آناسى اوغوز ئىلىنىن دوشمنى، شوكلو ملکىن اسىرى اولاندا، او، بو اوغوز دوشمنى نىن آياغىندا گئدىپ، آناسىن اوئون آياغى آلتىندان قورتارماق ايستەميشدىر:

«سۈيلىھ يېير اىگىد قازان
مرە قاراجىق چوبان
گل آنامى ايستە يك
ۋئرسەلر آلاق گىندك

قارىچىق دىر يىخىلار
آياغ آلتىندا قالار
سۇنرا دا يانا- يانا
اوزون توتار دوشىمانا
مره آى شوكلو ملك
بئر كونون او جو دلىك!
آلتونلو بان اۋويمى
چاپىبسان سنين اولسون
پولومو خزىنەمى
قاپىبسان سنين اولسون

...

بىر دىلە يىيم وار سنه
آنامى قايتار منه
ساواشىمادان قايىدىم
 يولومو چكىم گىدىم.»

قازان بىر قايغىلى - دويغولو آذربايجان ايگىدى اولاراق آنا دوشگونو
اولموش دور. او بوتون وار - دولتىنдин، ياشامىندان، هر نەيىندىن ال چكىب،
اونلارى شوكلو ملكه وئرمە بە بوبون ايمىش دىر. بوتون بونلارين يئرىنە
قازان اوندان ايستەميش دىر، آناسىن قورتارىب، قايتارسىن. بونلار آنانىن
بئيوكلوپيون، اولولوغون ھابئلە دنيا اىلە اونون وارىندان اوستۇن اولماسىن
گؤسترن دىر. بو اولولوق يئرسىز - نەدىسىز دئىيل. آنا بوتون جانىن، عمرۇن،
ياشامىن بالا يولوندا قويىدۇغۇ اوچۇن، ياشام يولۇن بالا ياشىقلاندىرماقدان

۱۳۰ / سهند ايله قارداش آندي

اوترو اوز جانين شام كيمى اريتديي اوچون، اوز جان شيرهسيين، دومدورو سوتون بالايا يئديرتديي اوچون، اونو بسله ييب، بؤيوودوب، بويا باشا چاتديرماقدان اوترو شيرين يوخودان، دينجليكден كئچديي اوچون بئله يوكسلميش دير.

«آنا عشق اوچاغى سؤنمەسىن دئيه اورهېين اريدر، چيراغا تۈكۈر!»

گاهдан كيشيلر اوترى كۈنول ايستەكلرىنه بويون اىھرك ياد باخىشىلاردان، اوزگە اور كىلدەن سئوگى آختارىب، اومىسالار دا، قادىنلار اورك وئردىيى، كۈنول باغلا迪غى ارىندىن- سئوگىلىسىندىن باشقا كيمسەدن سئوگى آختارمامىشلار. اونلار اوچون سئوگى اوچاغين يانار ساخلاماق كيشىلدەن داها اونملى سايىلمىش دير. اونلار بو يولدا يئرى گلمىشken شيرين جانلارىندان كىچمەيە بئله راضى اولموشلار. دده قورقورد بويilarىندان بىرى دلى دومرول بويودور. بو بوىدا عزرايىل دلى دومرولون جانين آلماق ايستەيىر. آنجاق دلى دومروله بو اجازەنى وئرير، اوز جانى نىن يئرىنە باشقا بىر جان وئرسىن. دلى دومرولون دىرىي قالماسى اوچون هئچ كيمسە جانين وئرمك ايستەمەيىر. آنجاق اونون سئوگىلىسى، حيات يولداشى دومرولون اؤلومون آنلاياراق، دنيا گۈزۈندەن دوشور. سونرا دا هر نەدن كىچىپ، اوز شيرين جانين دومرولون يئرىنە عزرايىلە وئرمكىله اونو ياشاتماق ايستەيىر.

«قارشى ياتان، قاراداغى،

سەندن سونرا نئيليرم من،
قېرىيم اولسۇن، كېچر اولسام
سوپوق - سوپوق بولاقلارى،
سەندن سونرا نئيليرم من،
قانىيم اولسۇن، ايچر اولسام
كىسە - كىسە قىزىل پولو،
سەندن سونرا نئيليرم من،
كفن آلىم، خرجلر اولسام
سەندن سونرا كىشى سئوسىم
كۈنۈل وئرسىم، اونلان ياتسام
بىر اود اولسۇن، ياخسىن منى
ايلان اولسۇن، شاخسىن منى
بىر قورو - بوش جان دا نه وار
قييما دىلار، سنه اونلار؟
عرش بىلىسىن، كىرسى بىلىسىن
يئر - گۈي بونا تانيق اولسۇن
دنيا بىلىسىن، عالم بىلىسىن
تانرى اوژو تانيق اولسۇن
بو جانىيم قربان دىر سنه
دنيا بونا تانيق اولسۇن
دئىيە خاتىن يار يولوندا
جان وئرمە يە را ضىلاشدى.»

دومرولون حیات يولداشى نین بو يانيقلی سؤزلىرى، اونون دومروله اولان سئوگى سى نين درينلىيىن، گۈزلىيىن، اونونلا باغلادىغى ايلقارا باغلىلىيغىن، هابىلە اورتاق ياشامىن، سئوگى او جاغى نين اونون اوچون نه قدر دەيرلى او لماغىن گۆسترىپ. سئوگى - وورغو گوجو، ايلقارا باغلىلىقдан يارانان بىرلىك گوجو، تانرى نين يازى سين پوزاراق، دومرول ايله حیات يولداشىن اولومدن قورتارىپ، اونلارا او زون عمر باغيشلادى:

«عشقىن، محبتىن، معنويتى
بىر ده نشان وئردى اۆز قوهسىنى
اورك بىرلىيىن نين، اۇلمىز قدرتى
دەيىشدى تانرى نين ارادەسىنى
ايکى ايستە كلىدىن ال گۈتور، دئدى
اونلارا، يوز قىرخ ايل عمر وئرمىش
آل ايکى قوجانىن، جانىنى ايندى
بئلە طلب ائدىر، سىندىن ارادەم!
دئمك بىر قادىنин عشقى، وفاسى
تانرى غضبىنە، غلبه چالدى
دومرولون گول آچدى، كۈنۈل دنياسى
يوز قىرخ ايل ياشادى، يوز قىرخ ايل قالدى.»

ئىچەلرلى خانىمىي وفاسىز، ايلقار پوزان گۆستىرمە يە چالىشسا لاردا، هئچ بىر آن بئلە او لمامىش دىر. خانىم، كىشى ھر ايکى سى ده انسان دىر. انسان دا بوتونلو كجه پىسدن - ايرىدىن آرينا بىلەز. بونا گۈرە ده خانىمىي دا كىشىيە

تاي آزىب، چاشىب، ايرى يولا گئىدib، پىىلىيە بولاشا بىلر. آنجاق خانىمىي پىىلىك قايىناغى، آزغىنلىق نەدنى گۆستىرمك اوغا حقسىزلىق دىر. بو ايش انصاددان - وجداندان اوزاق دىر. ترسىينه تارىخ بويو كىشىلەر داها چوخ فاسىزلىق گۆستىرىپ، ايلقار پوزوب، كۈنول اىستەكلىرىنە بويون اىبىپ- پىىلىيە بولاشمىشلار. قادىنلار چوخ يئرده اۆزلىرىن كىچىلدib- سىندىرماقلالا اىلرىنىن سينماغانىن گۆرمك اىستەمەمىشلر. دەد قورقورىد بويلارىندان اولان «قانلى قوجا اوغلو قانتورالى» بويوندا اوغوز اىگىدى قانتورالى دوشمن الينه دوشموش چاغدا، سئلجان خاتىن اونون حىات يولداشى، اۆز سئوگىلى سين دوشمن اليندىن قورتارماق اوچون ياردىما گلىب، دوشمنلە ووروشوب- ساواشماغا باشلايىر. دوشمن باسىلىپ، قاچدىقىدان سونرا اونلار ائل- اوبا يَا قاييتماق اىستەيىرلر. آنجاق قانتورالىنىن آتى اۆلدۈيو اوچون سئلجان خاتىن اونو اۆز آتىندا، اۆز آرخاسىنا منىدىرىر. ائل- اوبا قانتورالىنى قىنايىرلار. بونا گۆرە دە او سئلجاندان آجيقلانىر. بو دورومدا:

«سئلجان خاتىن اىگىدىنىن، فكرين دويوب، سئى سؤيلەمېش، گۆرك دوستلار نە سؤيلەمېش:

«قوچ اىگىدىم! بهى اىگىدىم!
بوزلامقاڭلا، دىشى دوه نر اولماز!
اۋيونمكلە، عورت دۇنوب ار اولماز!
اۋيونرسە، ار اۋيونسون آسلام دىر!
اۋيونمكلىك، عورتلە بەتان دىر!»

ائل قانمازليقدان، يانليش اينانج- دوشونجه اوژوندن خانيما اسگيک گؤزله باخىب، اونو كيشىدىن آشاغى سانمىشدىر. خانىم دوغرودان دا آشاغى اولماسا، ار سئوگىسيىدىن، اورتاق ياشامى دەيرلى بىلمكدىن، ارىن، حيات يولداشىنىن كىچىلىپ، سينماماسى اوچون كىشىنىن اوستونلوپيون قبول ائتمىشدىر. آنجاق قانتورالى آجىق- اوفكە اوژوندىن بو سۈزىلە يوموشانمايىپ، سئلجان خاتىنى ئۇلدۇرمك اىستەيىر. سئلجان اىسىه ووروشا حاضرلانىپ «آتىن چاپدى، بىر تېنهنىن، اوستە چىخدى. ساداغىندان، دوخسان اوخون يئرە تۈكىدۇ! تكجه ايکى اوخ ساخلادى. پىكانلارين قازىپ آتدى. دەميرلى اوخ آتماقلىغا، قىيمىايىبان، آت اوخووو، ايگىدۇ! قانتورالى: قادىنلارين يولو باشدىر، سىن آت! دەيدى. سئلجان خاتىن، اوخلارىنىن بىرىن آتدى. ضربەسىىدىن مەد اىگىدىن، باشىنداكى قارا بىتلە، آياغينا وارىپ يئندى. سونرا فاچىب، گۈرۈكлюسون، قوجاقلادى. بارىشىدیلار، سوروشدولار!»

سئلجان خاتىن قانتورالىدان اينجىسى دە، ووروشا حاضرلانسا دا، اۆز سئوگىسى قانتورالىنى دوغرودان دا ئۇلدۇرمك اىستەمەيىر. او ساداغىنداكى دوخسان اوخون سكىن سكىگىزىن يئرە تۈكۈپ، يالىز ايکىسىن ساخلايىر. اونلارىندا هەر ايکىسىنىن دەمير اوچون قوپاردىپ، يئرە آتىر. او يئنە دە ايلك اوخو آتماقلا ساواشا باشلاماق اىستەمەيىر. بونا گۈرە دە قانتورالىدان اىستەيىر، ايلك اوخو او آتسىن. آنجاق او اسکى ائل اويرنجىن سئلجانىن يادينا سالىپ، «قادىنلارين يولو باشدىر!» دئىير. بئلەلىككە ساواشىن باشلاماسىن سئلجانىن باشينا سالىپ. او اىسىه چارھسيزلىكدىن باشسىز اوخون قانتورالىيا آتماقلا ساواشا باشلايىر. اوخ دوز آماجا دەيىر. اوخ قانتورالىيا دەين كىمى او بىلىر سئلجان خاتىن اونو ئۇلدۇرمە يە قىيمامىشدىر. بو اوزدىن دە اورەبىي يوموشانىپ، اونونلا بارىشىر.

بئلەلىكىله سئلجان خاتىن اونجە دىل ده اۆزون كىچىلتىمكىلە سۇنرا دا ساواشدا او جىوز او خ آتماقلادىلە حىيات يولداشىنا او لان سئوگىسىن گؤسترىر. چوخ يئردى، چوخ چاغلار بئلە او لموش دور. كىشى بوش يئرىنە آجىقلانسا دا، قادىن سئوگىلىسىن ايتيرمەمك اوچون، اورتاق ياشامى پوزولماماق اوچون قىسا گلمىش، بوبون ايمىش، كىچىلمىشدىر. آذربايچان آنا- قادىنلارى، آناليق، قادىنلىق گۈرۈلرىن يئرىنە يئتىرمىكدىن علاوه ائو دولاندىرماق دا اۆز ارىنە ياردىم ائتمىش، كىشى كىمى ايشلەميشلر.

«دىشى آسلام بىزىم آنا
امزىك وئرمىش نر اوغلانا
خمير ياپمىش، چۈرك ياپمىش
قويون ساغمىش، اينك ساغمىش
آرخالانمىش اۆز ارىلە
اۆز ياردان اللريلە
توخوموش دور رنگلى گې
احسن اولسون بىزىم دبه!»

اسكى چاغلاردان آذربايچان دا قادىنا، قادىنلىغىنا سايىغى گؤسترىلمىشدىر. اونا انسان گۈزوندە باخىلمىش، او دا يىرى گلمىشكەن اۆز حىيات يولداشى ايلە ال-اله، چىيىن- چىيىنە ياشامىن چئشىدلە آلانلارىندا چالىشىپ، ساواشىپ، ايگىدىلىك گؤسترىپ، كىشىلىك قازانمىشدىر.

«کئچميشلرى واراقلا باخ، همان زمان، ائله او واخت، بىزىم يئردى، بىزىم ائل ده، قادىنلىغا حرمت وارميش. او دا حقلى بىر انسانميش، قارداش ايميش اوز اريلە، گولشىرمىش، ووروشارميش، آت مىنرمىش، اوخ آتارميش، بويو اوزون بورلاخاتىن، ساچى اوزون سئلجان خاتىن، نىڭارخانىم، عرب زنگى، هجرخانىم، زينبپاشا. اوذاقلارا ئىچون گىدك، همین بو گون يوردو مووزدا، كالاغايىسىن يان باغلايان، مرد آنالار، باشدان باشا، تارلااردا، زاوودلاردا، هر هنرده، هر ياريشدا، ايشيقلى بىر ماياق كىمى، دنيالارا ايشيق سالير. قادىنلىغىن، آنالىغىن، يورغون گۆزو، توتفون باغرى، اونا باخىب، قورتولوشما، يول آختارىر، الهام آلىر.»

سهند آذربايچانىن اىگىد قادىنلارىنىن بىر نىچەسىنىن آدین چكسە ده، اونلارا گووهنىب، اونلارلا اوپىونسە ده، اونلارين آذربايچانلى اولماغىندان آرتىق، اىگىدىلىيىنه، آرى- دورولوغونا، چالىشقانىلىغىنا، چىخارلى- باجاريقلى اولماغىينا ھابئلە ئۈنجلول- قاباقجىل اولوب، ائل دردىنه يانماغىنا ئويونموش دور. سهند اومنىيست- اينترناسيونالىست اولدوغو اوچون بىر قادىنى قادىنلىغىنا گۆرە، بىر كىشىنى ايسە كىشىلىيىنه گۆرە يوخ، بلکە انسانلىغىنا گۆرە ئويوموش دور. ھابئلە او آذربايچانلى اولسادا، آذربايچانا قايىغى گۆسترسە ده اوز دوغما يوردۇن، دوغما ائلىن سئويب، اونلارلا ئويونسە ده بوتۇن باش اوجا، آنلى آچىق ائللرى اويمىكدىن بويون قاچىرتمامىشدىر. او مسکودا اوست- باشى زىغلى- پالچىقلى بىر قادىن بىنـا گۆرۈر. سهند اونون تىكىدىيى بىنایا باخدىقدان سونرا اونون قاشىينا- باشىينا، اوزونە- گۆزۈنە يوخ بلکە سادەلىيىنه، آرى- دورولوغونا، چىخار- باجاريغىنا، چالىشقانىلىغىنا وورولور. سونرا دا اونون گۈزللىيىن- اۆزلىيىن ھامىيا بىلدىرىپ، گۆسترمك اوچون «سوۋەت گۈزلى» شعرىن يازىر:

«بو گون سحر، گۆزۈن سىچىنە
 فعلە پالتارىندا بىر قىزى گۆرۈم
 سانكى مىلىيون - مىلىيون ايشيق اىچىنە
 هامىدان پارىلداق بىر اولدوز گۆرۈم!
 حسنۇ ملاحتىدە بىر مرىم كىمى
 معصوملوق ياغىرىدى سىرصفتىنەن
 اينىنە پالچىغا باتمىش گئىمى
 سانكى آى چىخمىش دىر بولود اىچىنە
 ...

گۆرۈم او گۆزلىن اينجه اليلە
 تىكىلىميش داغ بوى دا بىر عظيم بنا
 قادا توخونماسىن دئدىم او الە
 آلقىش آنالارين قوچاڭ يولۇنا
 ...

سۋىيىجدىن، فرحدن، حسياٗتىمدان
 ساخلايا بىلمەدىم گۆز ياشلارىمى
 بىلمەدىم گىندىب باش چىخاردىم ھارдан
 الدن وئرىب بوتون اختيارىمى
 ايستەدىم باغىرىب سىسلەيم: آى قىزا!
 دايىان قوى دؤشىنەيم آياقلارينا!
 قارانلىق گئجه دە پارلايان اولدوز
 آلقىش امەيىنە، پاك ايلقارينا!

۱۳۸ / سهند ايله قارداش آندي

دایان قوى اوپوم او ايشيق آلنيدان

قىشقىريبان نهلى سؤيله ييم، نهلى!

سنين او چامورلو پالتارلاريندان

او تانسينلار بلکه بو ايلنجهلر»

سهند رنگ بهرنگ گئيىنib بزهنىميش قادينلار ايچره اوست - باشى زىغلى بير قادين بنانى سئومىش دير. او بئله دوشونموش دور مىليون - مىليون ايشيق ايچىنده بير پارلاق اولدوزو گۈرموش دور. سهند اونو گۈزل دىليله آلقىشلايىب، اؤيمكىدىن سونرا دويغولانىب، سئوينجدىن گۈز ياشى تؤكموش دور. دئمك اولار سهند آخтарدىغىن تاپميش دير. اونون باخىشىندا او قادين ياد ائلدن اولسا دا، آذربايجان قادينلارينا، بلکه ده بوتون دنيا قادينلارينا اورنڭ اولمالى دير. او، رنگ بهرنگ گئيىنib، بزهنىب، آرارا گاه دا اللره دوشوب، نفس اسىرلىرى نىن قولچاغىينا، او بونجاگىينا، ايلنجهسىنه چئورىلەن قادينلارى پىسلەيىب، سوۋەت گۈزلى ايله تو تو شورموش دور. سهندىن باخىشىندا اونلار بو كىمى ايگىيد، چالىشقاڭ قادينلارдан اوتانمالى ديرلار.

«قولچاق تك رنگ بهرنگ پالتار گئيىن

ادا وئريب، اتىن - بودون گۈسترن

حياتى يئمكده، ياتماق دا بىلەن

گۈروب تانيسىنلار، بىلسىنلەر كيمىن

...

سنين اللرين ده زحمت قابارى

منىم سە اليم دە قلم قابارى
گل اى قادىنلىغىن فخرى، وقارى
دانىشانماسابق دا، گۇرۇشك بارى

...

اي سوۋەت گۈزلى، سنى گۈررەن
ھجرى، نىگارى زىارت قىلدىم
بىر چوخ يانلىش - يانلىش فكىرىمدىن
اوئاندىم، قىزاردىم، ھم دە قىسىلىدىم

...

گىيىمىنده كى بىر چامور لكەسى
اينان ايشىقلى دىير مىن بىلىاندان
مردىك معبدى نىن پاك الھەسى
منه حرمەتلىسىن ھر كىدىن اينان
سنه ياراشمازدى حرامخانالار
بو آزاد وجданا، سىنماز وقارا
زىنگار قىسلەر، زىزلى پالتارلار
آرزو لايانالارا بوراخ قوى قالا...»

انسانى باشقىا دىرىلەرن، حيوانلاردان آيیران اوئون دوشونجە- آنلاغى دىر.
حيوان اوچون ياشامىن آماجى ياخشى يئمك بىر دە ياخشى ياتماق
اولمۇش دور. انسان دا حيوان كىمىي يئىىب، ياتماغا چارەسىزدىر. يئىىب،
ياتمايان انسان سۆز سوز دىرىلىيپىن ايتىرىپ، اولر. آنجاق دوغرو انسان
اوچون آماج ياشامىن آنلام، آماجىن دوشونىدىن سۇنرا، باشقالارىن

۱۴۰ / سهند ايله قارداش آندي

دوشوندورمك، داها سونرا او دوشونجه هابئله آماجا اويفعون ياشاييب، چئورسيينده کي انسانلاري دا ياشاتماقدير. قيساجا انسان دوشونوب، دوشوندور ملي، ياشاييب، ياشاتمالى دير. دوغرو- دوز گون دوشونجهلى انسانلار اولدوqجا آزدير. ياخشى دوشونمك قالسين بير يانا، چوخلارى كؤكوندن دوشونمه يى بوراخميشلار. سهندىن پيسىلەدىيى قادينلار حيوان كيمى دوشونجهسىز- آماجسيز قادينلاردىر. بو كيمى قادينلارين قارشى سيندا سهند سوۋەت گۈزلىن قادىنلىغىن، فخرى- وقارى سانىب، اونونلا اوپىنور. سهندىن گۈزوندە سوۋەت گۈزلى ايله هجرىن- نىگارىن هئچ فرقى يوخدور. او اونلارى بير گۈزدە گۈرور. بو ايسە اونون دوغرو بير اينترناسيونالىست اولماغانىن گۈستىرىر. سهندىن گۈزوندە ائو اوچون، ائل اوچون، انسانلىق اوچون امك چكىب، ايش گۈرۈب چالىشان قادينلارين باتيق پالتارى حرامخانالاردا، قىزىل قىسلار ايچرە، ياشايان قادينلارين زىلى پالتارلاريندان، چئشىدىلى اينجىلىرىندىن دەيرلى دير. سهندىن باخىشىندا يوخسوللوقلا آنلى آچىق ياشاماق، وارلى اولوب آلچاقلىقلار ياشاماقدان ياخشى دير.

قادينلارين بير آزى آلچاقلىغا چكىلىسە ده اونلارين چوخۇ، آرى- دورولوقلا، آنلى آچىق، باشى اوجا، اوزو آغ ياشامىشلار. آنجاق آزغىن دوشونجهلر ائتكى سيندىن بعضىلر بوتون قادينلارى آلچاق گۈرۈب، اونلارين حقين آياقلامىشلار.

«باخ! عصرلر آنا- قادين، بو دنيادا حقسىز، بير قول كيمى، ماتاح كيمى، آل- وئر اولوب ساتىلمىش دير. كىشىلىرىن اللرىنده دەيرسىز بير دستمال كيمى، ال- ال گزىب، لکەلنىب، بير طرفه آتىلمىش دير. او جوانكىن، دلبىرىكىن، قاشى ياي دير، اوزو آى دير، كىپرىيى اوخ، وفاسى يوخ، شاعر

يازار جماليندان! قوجا ايكن، دوشگون ايكن، ريحانهدير، مرجانهدير، عجوزهدير، محتالهدير، بير آد يوخ دور كماليندان! بير چوخ عرفان هذيانچىسى، حق عاشقى ادعالي، يالانچيليق، قادين عشقى عرفانيما اويماز دئميش!»

ياخين كىچمىشىجه ساواشلاردا اسيير دوشن قىز- قادين ساواش غنىمتى كىمىي آلينىب- ساتىلىميسىشدىر. بوندان علاوه اوذاق كىچمىشىدن بو گونەجه قىزلار اۋۇز اىستەكلىرى ايله ارە گئىدە بىلمەمىشلر. اونلار بو ايش اوچون آتالاريندان اجازە آلماغا مجبور اولموشلار. آتالار ايسە باشلىق پاراسى، كابىن، ھابئلە باشقۇ آدلارلا قىزلارين ساتمىشلار. نە يازىق ھلە دە چوخ يېرده بو يانلىش ايش، يانلىش دوشونجە اوزوندن دوام ائدىر. ھلە دە چوخلارى دنيانين دؤرد بوجاغىندا، ايرلىميسىش اۆلکەلىرىندە، انسان حقلرىنдин، قادين حقلرىندين دئينىر، قادينى انسان كىمى گۈرمك اىستەمېيرلر. اونلارين گۈزۈننە قادين يالنىز بير اىلنجه ياراغىدىر. بونا گۈرە دە اونون گئىنېب- بزەنەسىن، داها گۈزلە گۈرونەسىن اىستەمېشلر. اونلار كۈنلۈن آلچاق اىستەكلىرين اوەدىيندن سونرا، قاديندان داد آليپ، كام آليپ، بارىناندان سونرا كىرلى بىر دستمال كىمى قىراغا آتمىشلار. بعضىلر ايسە قادينى انسان سايىمادىقلارى اوچون اونو انسان آزدىران، انسانلىقدان اوذاقلاشدىران، پىس يولا چكىن گؤستردىشلر. بونلار عرفان آدینا انسانى انسانلىق يولوندان چىخاردىپ، جهالت يولونا چكمىشلر. بونلارين باخىشىندا قادين وفاسىز، ايلقار پوزان اولدوغونا گۈرە اونا بئل باغلاماق، اينانماق، سئوگى گؤستردىپ يئرسىز ھابئلە يانلىشدىر. سنهنده گلدىكىدە او قادينى دا كىشىنى دە انسان گۈرموش دور. او بونلارين هئچ بىرین اوستون ياخىشىندا قادين وفاسىز، ايلقار پوزان اولدوغونا گۈرە

اوجالدان اوونون جنسىتى يوخ، بلکه اوونون اينانج-آماجي هابئله ايشى،
امه يى دير. سهند قادىنى ئو بوجاغىندان توپلۇم ايچرە چكىب، اوナ بىر
انسان كىمى حق وئريب، اوно مال كىمى ساتىلماقدان، قولچاق كىمى
اللرده گزدىرمىكن قورتارىب انسانلىغا چاتدىرماق اىستەميش دير. سهند
بونو اىستەمهينلىرى جاھل، اوزو قارا هابئله شارلاتان آدلاندىرماقلا اونلارдан
ايستەميش دير او تانىب، جهالىتنالىن ال چكىنلىر:
«اوزو قارا، باغرى قارا، جهالىتە جوموب باتان، قادىنلىغا بهتان آтан،
شارلاتانلار بىر او تانسىن!»